اطلس ملی ایران

صنایع دستی

جلد ۱۴

جمهوری اسلامی ایران
سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور
سازمان نقشه برداری کشور

بسم الله الرحمن الرحیم

اطلس ملّی ایران

صنایع دستی

دست‌اندرکاران تهیه اطلس ملی ایران «صنایع دستی»

مجری طرح: دکتر محمد مدد

مدیر پروژه: مهندس بهداد غضنفری

نگارش متون و گردآوری آمار و اطلاعات: دکتر حسین یاوری

نظارت کارتوگرافی:

مهندس مهرداد جعفری سلیم • مهندس بابک شمعی • مهندس بهداد غضنفری

نظارت آمار و اطلاعات:

ابوالفضل بلندیان • مهران مقصودی

طراحی و اجرای کارتوگرافی:

مهندسین مشاور گستره نگار ترسیم

ویراستار: دکتر غلامرضا برهمند

طراح و گرافیست : علیرضا برزویی

ناشر: سازمان نقشه‌برداری کشور

چاپ: چاپخانه سازمان نقشه‌برداری کشور

چاپ اول: ۱۳۸۰

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

شابک: ۴-۰۷-۶۹۲۲-۹۶۴ ISBN: 964-6922-07-4

دیباچه

امروزه، در روند رو به رشد و تکامل جوامع و ملل، فراهم بودن «اطلاعات» در زمینه‌های گوناگون حیات آن جامعه، هم یک «نیاز» درجه اول و هم یک «الزام» میهنی است. تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات گسترده و بی‌شمار و نتیجه‌گیری صحیح از آنها در قالب سیستمهای مختلف اطلاع‌رسانی در چند دهه اخیر، در سطح جهان، رشد بی‌سابقه‌ای را نشان داده و توجه برنامه‌ریزان، مدیران و مجریان امور را به این سیستمها، جلب نموده است. تا آنجا که ـ در حال حاضر ـ یکی از شاخصهای **توسعه و رشد در تمامی جوامع**، حجم سرمایه‌گذاریهای مالی و انسانی در تأسیس و تکامل سیستمهای اطلاعاتی (عمومی ـ فنی ـ تخصصی) آنهاست. در این روند، انواع نقشه‌ها در رشته‌های مختلف تخصصی، به‌سبب نحوه ارائه اطلاعات دقیق کمی و کیفی محیط فیزیکی، در شمار عناصر و ابزار مقدم و پایه قرار می‌گیرند و طبعاً مقام و اهمیت ویژه‌ای نیز در کلیه سیستمهای اطلاع‌رسانی کوچک و بزرگ، از سطوح شهری و روستایی گرفته تا سطوح منطقه‌ای و ملی، دارند.

اطلسهای ملی

به طور کلی تعریف اطلس ملی در فرهنگ علوم نقشه (کارتوگرافی) و از نظر صاحب نظران این رشته به شرح زیر می‌باشد: اطلسها مجموعه‌های مدون و مجلدی از نقشه‌ها، نمودارها، تصویرها و گزارشهای مربوط به یک یا چند موضوع هستند که بانظمی خاص و با دقیقترین روشها تهیه می‌شود. اطلسها به خوبی قادرند جایگزین دهها جلد کتاب و هزاران برگ گزارش فنی شوند و رئوس برنامه‌ها و تصمیم‌گیریها را روشن‌تر از هر واسطه اطلاعاتی دیگر، عیان و بیان کنند. در میان انواع اطلسها، اطلسهای ملی هر کشور جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارند.

عواملی چون دقت در اطلاعات، حجم اطلاعات در واحد سطح، کیفیت هنری نمایش اطلاعات و پیوند و روابط آنها، اطلسها را از دو جهت در اعتبارات ملی هر کشور صاحب سهم کرده است. نخست، محتوای اطلاعاتی اطلسها ـ که نمایانگر پیشرفت، توسعه و تکامل هر کشور است ـ و دیگر، نفس کار و ساختارهای فنی خود اطلسها که بیانگر درجه تعالی آن کشور در تولید نقشه‌های بسیار دقیق و در عین‌حال، زیباست تا سریعترین رابطه را با بیننده و استفاده‌کننده برقرار کنند. این دو علت، وظیفه تهیه‌کنندگان اطلس را در بخش دولتی هر کشور بسیار سنگین و حساس می‌کند، و به همین سبب، ممکن است این مسأله برای موسسات بخش خصوصی تهیه نقشه و اطلس، با همه تعهد و وظیفه‌ای که در قبال فرهنگ ملی دارند، در درجه اول اهمیت قرار نداشته باشد.

ویژگیها و بهره‌های محوری و جانبی اطلسهای ملی

- ازآنجا که نقشه‌های مندرج در اطلس ملی در برگیرندهٔ بخش وسیعی از مسائل اطلاعاتی مربوط به جامعه و کشور است، امکان اخذ سریع اطلاعات را برای هر گروه استفاده‌کننده ـ از دانشجویان گرفته تا مدیران و برنامه‌ریزان و سیاستگذاران ـ را فراهم می‌سازد.
- در بسیاری موارد، اطلس ملی کلاسیک می‌تواند همانند یک سیستم زنده و فعال GIS (سیستم اطلاعات جغرافیایی)، با روش قیاسی (و بدون استفاده‌از کامپیوتر) عمل کند و لایه‌های اطلاعات مرتبط قابل مقایسه را ارائه نماید.
- برنامه‌ریزیهای استانی، منطقه‌ای و کشوری، بدون مراجعه و بهره‌گیری از اطلس ملی، جامع و کامل نخواهند بود.
- اطلس ملی روشنگر و گزارش‌دهنده‌ای دقیق از پیشرفتهای برنامه‌ریزی شده و کاستیهای موجود در هریک از بخشهای اقتصادی، منابع و ثروتهای جایگزین شونده یا پایان‌پذیراست و هشدارهای لازم را به مسوُولان ذیربط خواهد داد.
- اطلس ملی یک واسطه و رسانه اطلاعاتی مهم کشور است؛ این واسطه و رسانه انتقال‌پذیر است و در دسترس همه مراکز تحقیقاتی، اجرایی و آموزشی قرار می‌گیرد. بنابراین، زبان واحد فنی محاوره‌ای را بین تخصصها و بخشهای گوناگون و همچنین در میان آحاد جامعه و مسوُولان فراهم می‌کند.
- اطلس ملی نه‌تنها جایگاه هر کشور را از نظر شاخصهای توسعه در خانواده ملل تعیین و معرفی می‌کند بلکه ویژگیهای خاص اقتصاد، فرهنگ و ... هر کشور را ـ که در هیچیک از مراجع دیگر قابل درج و انعکاس نیست ـ به‌صورتی ساده، فشرده و دقیق عرضه می‌دارد.

اطلسهای تهیه شده در ایران

در کشور ما تلاشهایی در زمینه تهیه چندین اطلس موضوعی صورت گرفته است. اطلسها موضوعی قابل ذکری که در سطح بین‌المللی در ایران تهیه شده‌اند، عبارتند از: اطلس اقلیمی ایران، اطلس تاریخی ایران، اطلسهای شیب و مقاطع (موسسه جغرافیای دانشگاه تهران)، اطلس فرهنگی شهر تهران (شورای فرهنگ و هنر)، اطلس هیدرولوژی (وزارت نیرو)، اطلسهای بهداشت و کشاورزی (سازمان نقشه‌برداری کشور)، و چندین اطلس از سوی بخش خصوصی. به‌رغم این تلاشها، چه قبل و چه بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی، کمبود اطلس ملی ایران از سالها قبل محسوس بود، و در این زمینه، پیشنهادها و بحثها به سوی سازمان نقشه‌برداری کشور متوجه و احاله می‌گردید. تا اینکه، سرانجام، با پایان‌گرفتن جنگ تحمیلی و همزمان با آغاز برنامه‌های نوسازی کشور، ضرورت تهیه «اطلس ملی ایران» محسوس‌تر شد و در خردادماه ۱۳۷۰، بنابه تصویب هیأت محترم وزیران، این وظیفه سنگین به سازمان نقشه‌برداری کشور واگذار گردید.

فرآیند اجرای تهیه اطلس ملی

فرآیند اجرای تهیه اطلس ملی ایران به دو مرحله کلی تقسیم‌بندی گردید:

در مرحله اول طرح، که از سال ۱۳۷۲ آغاز شد، هدف تهیه یک جلد اطلس عمومی بود؛ که این جلد مشتمل بر چهار فصل سیاسی، طبیعی، جمعیتی و اقتصادی بود که در سال ۱۳۷۴ به‌چاپ رسید.

مرحله دوم، با هدف تهیه حدود بیست جلد اطلس تخصصی در زمینه‌های مختلف، از سال ۱۳۷۴ آغاز گردید و جلد حاضر نیز یکی از جلدهای تخصصی همین مرحله است. برای تهیه این جلد، ابتدا اطلاعات و آمار مختلف در زمینه صنایع‌دستی گردآوری شد و، پس از پردازش آمار و اطلاعات موردنیاز ـ باتوجه به فصل‌بندی انجام شده ـ استخراج گردید. سپس، با استفاده از رایانه و نرم‌افزارهای پیشرفته، تمام مراحل تهیه اطلس به شکل کاملاً رقومی انجام شد. این اطلس، بعد از اطلسهای جمعیت، زمین‌شناسی، بهداشت، انرژی، کشاورزی، حمل‌ونقل، آموزش‌عمومی، آموزش‌عالی، صنعت، دامپروری، بازرگانی، کار و نیروی انسانی و ارتباطات چهاردهمین جلد از مجموعه اطلسهای تخصصی می‌باشد که توسط سازمان نقشه‌برداری کشور تهیه گردیده است.

فصل یکم:
کلّیات

۲ تعاریف
۲ خصیصه‌های صنایع دستی ایران
۲ ویژگیهای صنایع دستی
۳ پیشینهٔ تاریخی صنایع دستی ایران

فصل دوم:
صنایع دستی وجایگاه آن در برنامه‌های توسعه

اهمیت اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی صنایع دستی و جایگاه آن در برنامه‌های توسعه ۱۴
طبقه‌بندی رشته‌های صنایع دستی ایران ۱۸
آشنایی با تشکیلات و سازمانهای دست‌اندرکار صنایع صنایع دستی ایران ۲۰

فصل سوم:
آموزش صنایع دستی

۲۲ آموزشهای رسمی (آکادمیک)
۲۶ آموزشهای غیر رسمی (آزاد)

فصل چهارم:
آشنایی با ویژگیها و شاخصهای اقتصادی رشته‌های صنایع دستی

بافته‌های داری ۳۰
نساجی سنتی ۳۰
رودوزیها و بافتنیها ۳۰
رنگرزیها و چاپهای سنتی ۳۱
سفالگری و سرامیک‌سازی ۳۱
شیشه‌گری ۳۰
فرآورده‌های پوست و چرم ۳۲
هنرهای مرتبط با فلز ۳۲
هنرهای مرتبط با چوب ۳۲
سنگتراشی و حکاکی روی سنگ ۳۳
حصیربافی ۳۳
نگارگری و آثار لاکی ۳۳
سایر صنایع دستی ۳۴

فصل پنجم:
سازمانهای بین‌المللی و تجارت جهانی صنایع دستی

تشکیلات بین المللی صنایع دستی ۳۸
تجارت بین المللی صنایع دستی ۴۰

مقدمه

صنایع دستی ایران به عنوان قدیمی‌ترین حرفه و صنعت کشور و کاربردی‌ترین هنر سرزمینمان، از گذشته‌های دور تا به امروز جایگاه رفیعی در فرهنگ و اقتصاد جامعهٔ ما داشته است. حاصل تحقیقات و بررسیهایی که توسط ایرانشناسان به رشتهٔ تحریر درآمده و نیز اکتشافات فراوانی که به وسیلهٔ شخصیتهایی نظیر "رمان گریشمن"، "هانری رنه دالمانی"، "اریک اشمید"، "هرتسفلد" و غیره، در مناطق مختلف کشورمان انجام پذیرفته است نهایتاً گنجینه‌ای از اطلاعات ذی‌قیمت و مجموعه‌ای از آثار نفیس و ارزشمند و گاه استثنایی و بی‌همتا از صنایع دستی ایران را در پیش رو قرار داده که نمایانگر ذوق سرشار، اخلاص و ایمان و هنر مردمان سرزمینی است که از هزاران سال پیش تا به امروز سهم شایسته‌ای در فرهنگ و هنر جامعهٔ جهانی و توسعه و تکوین آن داشته‌اند.

آثار صنایع دستی ایران از دورهٔ نوسنگی به صورت ابزار و وسایل ساده‌ای که از سنگهای صیقل خورده ساخته شده است تا آثار متنوع و گوناگون سفالی که از هزاره‌های ششم قبل از میلاد به این سو در دسترس بوده و زینت بخش موزه‌هاست تا جامهای ساخته شده از طلا و نقره و ریتونهای بی نظیر هزاره‌های دوم و اول قبل از میلاد و آثار ظریف و ارزشمند شیشه‌ای و سنگتراشی و حکاکیها و قلمزنیهای استثنایی دوره‌های هخامنشی و ساسانی و سرانجام قالی زیبای پازیریک مربوط به حدود ۵۰۰ ق. م. که اقتدار کهن و پیشینهٔ مستحکم ایران را در بافت قالی به ثبوت می‌رساند همه و همه نشانه‌هایی از جایگاه شایسته و اهمیت بسزای صنایع دستی ایران از شروع تمدن در فلات ایران تا دورهٔ ایران باستان دارد. سهم شایسته و انکارناپذیری که هنر ایران به ویژه از سدهٔ دوم هجری قمری در هنر اسلامی و منجمله زمینه‌هایی چون معماری، هنرهای صناعی، خوشنویسی و کتاب‌آرایی و در قرون بعدی در نگارگری داشته است آنچنان بارز و چشمگیر بوده و هست که تمامی صاحبنظران را به تعهد و ایمان هنرمندان و هنروران ایرانی و تحسین هنر آنها و جایگاه منحصر به فرد صنعتگران این مرز و بوم در پیشبرد هنر اسلامی، معترف ساخته است.

عصر درخشان فلزکاری ایران در دورهٔ سلجوقی و تنوع و کیفیت مطلوب رنگ و لعاب ظروف سفالین دورهٔ مذکور، نگارگریهای شاخص و بی‌همتای دورهٔ تیموری و شاهکارهای قالی که در دورهٔ صفوی بافته شده و چون درّی درخشان و گوهری گرانبها زینت بخش موزه‌های سراسر جهان است، حکایتگر توجه عمیق ایرانیان به هنرهای صناعی و صنایع دستی در ادوار مختلف تاریخ ایران بوده و این چنین است که در حال حاضر نیز صنایع دستی کشورمان علیرغم فراز و فرودهایی که طی دورانهای مختلف و در پی حوادث و رویدادهای تلخ و شیرین داشته است همچنان مطرح و پابرجا و حتی شکوهمند و بالنده به حیات خود در عرصهٔ این سرزمین کهن ادامه می‌دهد.

صنایع دستی ایران به واسطهٔ آنکه تبلور عینی فرهنگ اصیل، بومی، مردمی و معنوی کشورمان است همواره معرف خصوصیات بارز و شاخص هنر و تمدن این مرز و بوم بوده و بخاطر آنکه در کنار کار کشاورزی و دامداری برای گروه کثیری از افراد ایجاد شغل جنبی و حتی در شهرها ایجاد شغل مولد و اصلی نموده است از نظر اقتصاد و صنعت و بویژه اشتغال و درآمد و دیگر شاخصهای اقتصادی نظیر تولید ناخالص ملّی، درآمد ملّی و درآمد سرانه نیز حایز اهمیت شایانی بوده و هست.

این «هنر - صنعت» اصیل و ارزنده مهمترین منبع درآمد ارزی ایران پس از نفت و در واقع عمده‌ترین منبع تأمین درآمد ارزی غیر نفتی است. لذا صنایع دستی کشور از دیدگاه تأمین بخشی از نیازهای ارزی و افزون بر آن از نگاه جلب و جذب گردشگر نیز شایسته و در خور توجه خاص است.

با عنایت به آنچه که گفته شد و اینکه طی برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی، توجه به اشتغال، تولید و توسعهٔ صنایع درآمدی جدید و تأمین و تعمیق درآمدهای ارزی از امهات برنامه بوده و صنایع دستی به عنوان صنعتی مستقل و بومی می‌تواند نقش ارزنده و تعیین کننده‌ای در این رهگذر داشته باشد و ضمناً به عنوان تولیدی فرهنگی بیشترین سهم را در معرفی فرهنگ اصیل ایران اسلامی ایفا نماید، تهیه و تدوین اطلس ویژه‌ای برای صنایع دستی در دستور کار قرار گرفت.

از همان آغاز برای سازمان نقشه برداری کشور در اختیار نبودن آمار و ارقام صحیح در زمینهٔ تولید و اشتغال و حتی صادرات از اهم مشکلات کار محسوب می‌شد، ضمن آنکه دسترسی به مطلب و نوشتارهایی دقیق در خصوص تاریخچه، پراکندگی، بازار جهانی و تشکیلات بین‌المللی و دیگر زمینه‌ها نظیر آموزش و پژوهش صنایع دستی نیز دشوار می‌نمود. لذا پس از بررسیهای لازم، جناب آقای دکتر حسین یاوری از استادان صاحبنظر و محققین شناخته شده در زمینهٔ صنایع دستی کشور را برای تهیه و تدوین مطالب و مندرجات اطلس صنایع دستی انتخاب نمودیم و با برخورداری از مساعدتهای بی دریغ موسسات و سازمانهای دست‌اندرکار توانستیم مجموعهٔ حاضر را که در واقع حاصل کار و زحمت چندین ماههٔ گروهی از متخصصین و صاحبنظران در زمینهٔ تدوین اطلس است ارائه نماییم.

اطلس صنایع دستی ایران، در پنج فصل تهیه و تنظیم شده است و تلاش بر آن بوده که افزون بر نقشه‌ها، نمودارها و جداول مورد لزوم با توجه به ویژگیها ی صنایع دستی از جلوه‌های تصویری مناسب هم برخوردار شود.

فصل یکم از مجموعهٔ حاضر به کلیات اختصاص یافته و طی آن به تعاریف، خصوصیات و ویژگیهای صنایع دستی و سرانجام به پیشنهٔ تاریخی این «هنر - صنعت» در حد اختصار و ایجاز پرداخته شده است.

«صنایع دستی و جایگاه آن در برنامه‌های توسعه» در دومین فصل مورد بررسی قرار گرفته و لذا توضیحات و مطالب لازم در خصوص اهمیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صنایع دستی و جایگاه آن در برنامه‌های توسعه، طبقه‌بندی رشته‌های صنایع دستی ایران ارائه و از جهت آشنایی با تشکیلات وسازمانهای دست‌اندرکار صنایع دستی ایران به معرفی مختصر آنها پرداخته شده است.

نظر به اهمیت آموزش صنایع دستی، سومین فصل از مجموعهٔ حاضر به این مهم اختصاص یافته و مطالب ضروری همراه با نمودارهای کافی در خصوص آموزشهای رسمی (آکادمیک) و غیر رسمی (آزاد) آورده شده است.

چهارمین فصل به ویژگیها و شاخصهای اقتصادی رشته‌های صنایع دستی اختصاص یافته است و در این خصوص و برای گویایی بیشتر آمار مورد نیاز که حاصل زحمت فراوان دست‌اندرکاران تهیهٔ اطلس و همکاری بی‌دریغ موسسات دست‌اندرکار می‌باشد، به صورت نمودارهای متعدد و متنوع ارائه شده است.

تشکیلات بین‌المللی صنایع دستی و تجارت بین‌المللی آن، موضوع آخرین فصل اطلس حاضر است که مطالب مختصر و مفیدی در این رابطه و تحت عنوان «سازمانهای بین‌المللی و تجارت جهانی صنایع دستی» آورده شده است و برای دریافت بهتر وروشنتر مطالب، حسب مورد از نقشه‌ها و جداول لازم بهره‌گیری شده است.

در جریان تهیه و گردآوری و تنظیم مطالب اطلس صنایع دستی، سازمان نقشه‌برداری کشور از همکاریهای شایستهٔ سازمان صنایع دستی ایران، معاونت ترویج و مشارکتهای مردمی وزارت جهاد سازندگی، دانشکده‌های هنر دانشگاههای ذیربط با صنایع دستی، برخی از موزه‌ها نظیر موزهٔ فرش ایران و موزه‌های هنرهای ملی و نمایشگاه دائمی آثار صنایع دستی معاصر ایران، سازمان میراث فرهنگی کشور، شرکت سهامی فرش ایران و دیگر ارگانها و نهادهای ذیربط با موضوع برخوردار بوده است که جا دارد از تمامی این سازمانها و عزیزانی که در ارائه مطالب و آمارهای مورد نیاز با ما همکاری و مساعدت داشته‌اند صمیمانه تشکر و قدردانی نماید.

امید است مجموعه حاضر که افزون بر اطلاعات و آمار به جهاتی یکی از منابع معتبر در زمینه معرفی و شناساندن صنایع دستی کشور و نیز تشکیلات بین المللی و بازار جهانی صنایع دستی محسوب می‌شود، مورد استفادهٔ مسئولان، دست اندرکاران، محققان و دیگر عزیزانی که علاقمند به فرهنگ و هنر بومی و صنایع دستی کشور می‌باشند، قرار گیرد.

محمّد مدد

معاون سازمان مدیریت وبرنامه‌ریزی

و رئیس سازمان نقشه برداری کشور

کلّیات

فصل یکم:

تعاریف

خصیصه‌های صنایع دستی ایران

ویژگیهای صنایع دستی

پیشینهٔ تاریخی صنایع دستی ایران

صنایع دستی ایران، مهمترین و گسترده‌ترین هنر سنتی ایران است که در سرتاسر کشورمان زمینه و کاربرد دارد. گفتنی است که پس از صنایع دستی، سایر هنرهای سنتی ایران را هنرهایی چون خط و خوشنویسی، لباسهای سنتی، معماری سنتی، موسیقی سنتی، نمایشهای سنتی نظیر تعزیه، سیاه بازی و غیره تشکیل می‌دهد.

تعاریف

با عنایت به خصوصیات و ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و هنری صنایع دستی، نمی‌توان تعریف دقیق و کاملاً مورد قبولی که همهٔ اهل فن بر آن صحه گذارند، ارائه کرد؛ اما از میان تعاریف ارایه شده می‌توان سه تعریف زیر را مناسب‌تر و جامع‌تر دانست.

تعریف نخست در سال ۱۳۴۸ توسط "شورای صنایع دستی"، تعریف دوم در سال ۱۳۶۲ توسط گروهی از صاحب‌نظران و کارشناسان سازمان صنایع‌دستی ایران، و سرانجام تعریف سوم به وسیلهٔ اعضای گروه هنرهای سنتی و صنایع دستی فرهنگستان هنر در سال ۱۳۷۹ ارائه شده است.

تعریف اول: "صنایع‌دستی به آن رشته از صنایع اطلاق می‌شود که تمام یا قسمتی از مراحل ساخت فرآورده‌های آن با دست انجام گرفته و در چهار چوب فرهنگ و بینشهای فلسفی و ذوق و هنر انسانهای هر منطقه با توجه به میراثهای قومی آنان ساخته و پرداخته‌می‌شود".

تعریف‌دوم : "صنایع دستی به مجموعه‌ای از "هنر ـ صنعت"ها اطلاق می‌شود که عمدتاً با استفاده از مواد اولیهٔ بومی و انجام قسمتی از مراحل اساسی تولید، به کمک دست و ابزار دستی موجب تهیه و ساخت محصولاتی می‌شود که در هر واحد آن، ذوق هنری و خلاقیت فکری صنعتگر سازنده به نحوی تجلی یافته و همین عامل وجه تمایز اصلی این‌گونه محصولات از مصنوعات مشابه ماشینی و کارخانه‌ای است".

تعریف هنرهای سنتی

گروه هنرهای‌سنتی فرهنگستان هنر، واژهٔ هنرهای صناعی را گویاتر و کامل‌تر از واژهٔ "صنایع‌دستی" می‌داند و پس از ارائهٔ تعریفی از هنرهای سنتی، برای هنرهای صناعی به عنوان زیر مجموعهٔ مهمی ازهنرهای سنتی تعریف زیر را نیز ارائه داده است.

هنرهای سنتی، هنرها و صنایع بدیعی است که جوهر آن برگرفته از مبدأ وحیانی و دارای صورتی متناسب با آن گوهر است و تأسیس آن به نحوی به اولیاء دین و یا تجلیات باطنی هنرمندان مربوط می‌شود و طی قرون متمادی از طریق هنرمندان و هنروران با حفظ آداب معنوی سینه به سینه به عنوان میراثی گرانقدر به ما رسیده است، هنرهایی که افزون بر اصول ثابت، دارای فروع متغیری است که سبب تطبیق آن با شرایط هر دوره است.

با عنایت به تعریف هنرهای سنتی، سومین تعریف از صنایع دستی یا هنرهای صناعی به شرح ذیل ارایه شده است.

تعریف سوم: "هنرهای صناعی (صنایع دستی) بخشی از هنرهای سنتی است که حقیقت متعالی هنر را با فنون و مهار تهای صنعتی متناسب، آمیخته و با قابلیت تکثیر در متن زندگی فردی و جمعی عرضه کرده است".

خصیصه‌های صنایع دستی ایران

صنایع دستی ایران به عنوان هنری کاربردی که تولیدات آن به طور عمده کاربردهای مشخصی در زندگی روزمره دارد و میلیونها نفر به صورت مستقیم و غیر مستقیم ازطریق آن ارتزاق می‌کنند، به عنوان تولیدی فرهنگی خصوصیات زیر را نیز دارد:

- قسمت قابل ملاحظه‌ای از صنایع دستی ایران را زیراندازهای سنتی (قالی،انواع گلیم،گبه، پلاس،زیلو و غیره) تشکیل می‌دهد.
- بخش عمده‌ای از صنایع دستی ایران درمناطق روستایی و عشایری تولید می‌شود.
- قسمت اعظم محصولات صنایع دستی ایران در محل سکونت صنعتگران تولید می‌شود.
- بیش از ۷۰ درصد تولیدکنندگان صنایع دستی ایران را زنان تشکیل می‌دهند و لذا می‌توان گفت که زنان با ذوق و هنرمند ایرانی بالاترین سهم را در تولید آثار صنایع دستی کشور دارند.
- دهه‌های متمادی است که صنایع دستی ایران، بخش مهمی از درآمد ارزی مورد نیاز کشور را تأمین می‌کند و همواره در رأس کالاهای صادراتی غیرنفتی ایران قرار داشته است.

ویژگیهای صنایع دستی

از ویژگیهای صنایع‌دستی ایران می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- داشتن بار فرهنگی (لزوم بهره‌گیری از طرحهای اصیل و بومی و نیز برخورداری آثار از رنگها و رنگامیزیهای سنتی).
- ضرورت تأمین قسمت عمدهٔ مواد اولیهٔ مصرفی ـ حدود ۹۰ درصد ـ از منابع داخلی.
- حضور مؤثر، خلاق، مستقیم و بلا واسطهٔ انسان در تولید و شکل بخشیدن به اثر تولیدی و امکان ایجاد تنوع و عملی ساختن طرحهای مختلف در مرحلهٔ ساخت این‌گونه فرآورده‌ها.
- عدم همانندی و عدم تشابه فرآورده‌های تولیدی با یکدیگر.
- ضرورت انجام قسمتی از مراحل اساسی تولید (یعنی مراحلی که حضور صنعتگر هنرمند در آن تعیین‌کننده است و نقش اساسی دارد)، توسط دست و ابزارها و وسایل مورد نیاز دستی.
- ارزش افزودهٔ صنایع دستی در مقایسه با صنایع دیگر به سبب "کارطلب" بودن آن و اینکه عامل اصلی تولید در واقع کارخلاقه و هنرمندانهٔ انسان است بسیار زیاد می‌باشد.
- عدم نیاز به سرمایه‌گذاری زیاد در مقایسه با صنایع دیگر. گفتنی است هزینهٔ سرانهٔ اشتغال در این "هنر ـ صنعت" از تمامی صنایع و هنرهای دیگر کمتر است.
- عدم نیاز به کارشناس و متخصص خارجی، با توجه به دراختیار بودن تمامی تخصصها و مهارتهای مورد لزوم در داخل کشور.
- ایجاد و توسعهٔ صنایع‌دستی در مناطق مختلف ـ شهر و روستا و تمامی جوامع عشایری ـ امکان پذیر است.
- رموز و فنون تولیدی به صورت سینه به سینه، مادر و فرزندی، پدر و فرزندی، استاد و شاگردی به صورت تجربی می‌تواند انتقال پیدا کند. ضمن آنکه با بهره‌گیری از شیوه‌ها و روشهای علمی براساس آموزشهای مدون در سطح آموزشگاهها، مدارس و دانشگاهها امکان توسعهٔ منطقی‌تری دارد.

بخش قابل ملاحظه‌ای از صنایع دستی ایران را زیراندازهای سنتی تشکیل می‌دهد که بیشتر این بافته‌ها توسط زنان روستایی و عشایری در محل سکونتشان بافته می‌شود.

پیشینهٔ تاریخی صنایع دستی ایران

صنایع دستی ایران به عنوان یکی از قطبهای اصلی صنایع‌دستی جهان ـ به همراه چین و هند ـ دارای سابقهٔ درخشان و پر پیشینه‌ای است.

ویژگیها و خصوصیاتی که به اختصار شرح آن گذشت، باعث تنوع و گوناگونی صنایع‌دستی ایران گشته ولی صاحب‌نظران سه دلیل مهم را عامل اصلی شکل‌گیری، قوام و استمرار و دوام صنایع‌دستی کشورمان از گذشته‌های دور تا به امروز دانسته‌اند که عبارت‌اند از:

■ وجود فعالیتهای کشاورزی و دامداری در ایران از زمانهای دیر و دور گذشته، زیرا موقعیت کشاورزی و دامداری کشور از طرفی باعث فراهم شدن موادی مانند پشم، کرک، پوست، چرم، الیاف گیاهی و غیره، که مواد اولیه‌ای مناسب برای تولید انواع مصنوعات دستی هستند، شده است و از طرف دیگر افرادی که به حِرَف کشاورزی و دامداری اشتغال داشته‌اند به علت طبیعت خاص کارشان فصل یا فصولی از سال را بیکار مانده و چون در مشاغل دیگر تخصص نداشته‌اند ناچار برای پرکردن اوقات فراغت و رفع بیکاریهای فصلی خود و نیز به منظور کسب درآمد بیشتر به تهیهٔ آثار و مصنوعات دستی پرداخته‌اند.

■ تنوع اوضاع اقلیمی، شرایط آب و هوا و به طورکلی وضع جغرافیایی مناطق مختلف کشور و اختلاف فرهنگ و شیوهٔ زندگی مردم هر یک از نقاط، عامل مهم دیگری در رشد و توسعهٔ صنایع دستی ایران محسوب می‌شود.

■ استعداد و نیروی خلاقه و ابتکار ایرانیان و علاقهٔ آنان به هنر و خلق آثار هنری، یکی دیگر از عوامل قوام و دوام صنایع دستی ایران بوده است؛ به طوری که صاحب‌نظران معتقدند که ایرانیان با شناخت زیباییها موفق به خلق آثار هنری می‌شوند و یا لااقل با درک آن، دوستدار و مشوق هنرمندان در ارائهٔ آثار هنری هستند؛ چرا که ایرانیان هنر دوست از دیر باز این نکتهٔ حساس را دریافت کرده بودند که کار یک صنعتگر هنرمند تنها یک کار بدنی و فیزیکی نیست، بلکه او همانند یک ادیب و یک شاعر، احساسات و افکارش را د ر آثار خود منعکس می‌کند و به آنها عینیت می‌بخشد.

به‌هرحال فرهنگ ایران همچون فرهنگهای دیگری که درخاور نزدیک کهن هویّت نیرومند فردی داشته‌اند، دارای تمدنی بسیار پیچیده و پرتنوع است که برای بررسی و شناخت آن رجوع به تاریخ و به ویژه کشفیات باستان‌شناسی انجام شده درنقاط مختلف کشور، اجتناب ناپذیر است. زیرا مطالعه دربارهٔ صنایع دستی و پیشه‌های محدود و منطقه‌ای ایران را باید از زمانهایی بسیار دور وحتی قبل از تاریخ آغاز کرد و روند تکاملی آن را به ترتیب گذشت زمان مورد بررسی قرار داد و از این طریق به منشاء اولیهٔ صنایعی که امروزه نیز در قسمتهای مختلف ایران رایج است، دسترسی پیدا کرد. پیش از هر چیز باید توجه داشت که دانستن وضع کلی تاریخ کشور و نگرشی به حفریات باستان‌شناسی انجام شده می‌تواند پایه و اساس اطلاعات ما دربارهٔ صنایع دستی باشد و بدیهی است تاریخ صنایع، چیزی منتزع از تاریخ تمدن نیست و ضرورتاً می‌بایست بررسی صنایع، هنرها و پیشه‌های ایرانی را از زمان پیدایش تمدن وشیوه‌های زندگی مردم آغاز کرد. کما اینکه به اعتقاد اکثر محققان خاستگاه فنون کشاورزی، فلزکاری، سفالگری و مبانی اندیشه‌های دینی و فلسفی، خط، علم اعداد، نجوم و ریاضی، خاورمیانه و خصوصاً فلات ایران بوده است.

قدیمیترین مرحلهٔ زندگی بشر در ایران، تا جایی که آثار مکتوب و بازیافته‌های تاریخی می‌تواند در پی بردن به آن مددرسانمان باشد، تمدن مخصوص و مشخص "عصرحجر میانه" یا مزولیتیک (Mesolithic) است که حدود ۱۲،۰۰۰ تا ۱۰،۰۰۰ سال با آن فاصله داریم و مدارک مربوط به آن توسط "کارلتون س.کون" (Charlton S. Coon) در غار مسکونی "هوتو" یا "کمربند" در نزدیکی بهشهر فعلی و در گوشهٔ جنوب شرقی دریای مازندران به دست آمده و مربوط به دوران زندگی انسان در کنار دریاست و حکایتگر این که حدود ۶،۰۰۰ سال ق.م. کشت غلات، مخصوصاً گندم و جو، در ایران مرسوم بوده و محصولات زراعی بوسیلهٔ داسی که از سنگ چخماق ساخته شده و لبه‌ای دندانه‌دار و مضرّس داشته، درو می‌شده است. در همین زمان، دامداری و استفاده ازگوشت و شیر بز و گوسفند رایج بوده و افزون بر این، پشم گوسفندان به مصرف رشتن و بافتن می‌رسیده، ضمن آنکه مردم با تهیهٔ نوعی سفال ناهموار و کم پخت و نیز تهیهٔ انواع ابزارهای سنگی و استخوانی به منظور شکار آشنایی داشته‌اند.

رمان گیرشمن ضمن تحقیقات و تألیفات خود به وجود اشخاصی اشاره می‌کند که در عصر حجر میانه در کوهستانهای بختیاری می‌زیسته و شیوه‌های ساخت ظروف سفالین را می‌دانسته‌اند. او اظهار می‌کند که سازندگان ظروف سفالین، آنها را در کنار همان آتشی که برای پخت گوشت شکار و یا طبخ غذا بر پا می‌کردند، می‌پختند.

در عصر فلز، با وجودی که به تدریج ساخت آلات و ادوات ریختگی برنزی و مسی رواج یافت، معهذا هنوز استعمال ابزارهای سنگی بر انواع مشابه آن غلبه داشت و تهیه و استفاده از ظروف سفالین نقاشی شده معمول بود و بافت انواع منسوجات ظریف و نیز طلاکاری و ساخت اشیای زرین رونق و رواجی در خور داشت. با فرا رسیدن عصر مفرغ که حدود ۲،۷۰۰ سال ق.م. دگرگونی چشمگیری در تمدن سراسر آسیای غربی به وجود آورد، به موازات پیشرفتهای فنی که نصیب دست ساخته‌های ایرانیان شد، کیفیت زندگی مردم نیز به دلیل برخورداریشان از مصنوعاتی که زندگی راحت‌تری را ممکن می‌ساخت، افزایش یافت.

در همین دوره، مهره‌های زینتی توسط استادکاران ساخته می‌شد، ابزارهای سنگی در شمار مصنوعات کارگاهی درمی‌آمده و ظروف سفالین به وسیلهٔ چرخهای کوچک مخصوصی که با دست گردانده می‌شد، تولید و طبق اصول و قواعدی منظم در کوره‌های سربسته چیده می‌شد و حرارت می‌دید تا به خوبی پخته شود.

نزدیک به ۱،۲۰۰ سال ق.م. آهن به جای مفرغ برای ساختن اسلحه و ابزارها و تا حدودی زینت‌آلات به کار گرفته شد و بناهای آجری مرتفعی در نقاط مختلف نظیر استرآباد و روی سکوهای بلند بر پا گشت. یافته‌های باستان‌شناسی که حاصل حفاریهای انجام شده در ایران است، از جمله دلایل دیگری است که می‌تواند تکمیل کنندهٔ اطلاعات ما نسبت به پیشینهٔ هنرها و صنایع دستی ایران در دوران کهن من جمله قبل از تاریخ مدوّن ایران باشد.

نخستین اکتشاف بزرگ در باب صنعت پیش از تاریخ ایران به وسیلهٔ ج. دومرگان در شوش انجام شد که اشیای مکشوفه هم دارای تنوع زیادی است و هم از کثرت قابل ملاحظه‌ای برخودار است. در این اکتشاف، اشیایی به دست آمده که متعلق به اوایل دورهٔ مس است و تبر، سوزن، اسکنه و آینه‌های مسین که از درون مقابر به دست آمده نشان دهندهٔ استفادهٔ مردم این دوره از فلز مس است.

قدیمیترین قطعه سفال دوران نوسنگی که در ایران به دست آمده، از تحتانی‌ترین طبقهٔ استقرار تپه گنج‌دره یافت شده است. قدمت این قطعه سفال که دارای خمیری به رنگ خاکستری تیره و در حرارتی کم پخته شده است، با استفاده از تعیین قدمت آثار با روش موسوم به کربن ۱۴، در حدود ۸۴۵۰ سال ق. م. تعیین شده است.
تپهٔ باستانی گنج دره در حدود ۱۰ کیلومتری غرب شهر هرسین و در کنار جادهٔ ارتباطی هرسین ـ کرمانشاه،واقع شده است.

نقشهٔ راهنما برای شناسایی مناطق باستانی و تاریخی اشاره شده در متن.

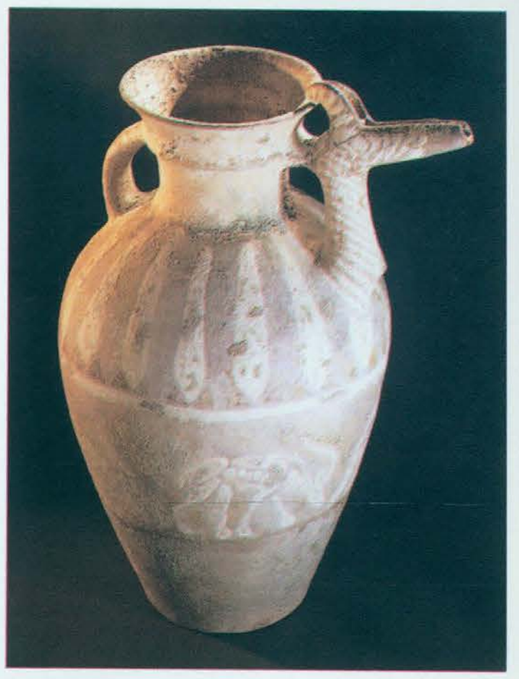

کوزهٔ سفالین لعابدار
رنگ: نخودی با لعاب سفید و آبی
منطقهٔ قره‌داغ اردبیل
دورهٔ هزارهٔ اوّل ق. م.

سر تبر مفرغین، لرستان،
اوایل هزارهٔ اوّل ق. م.

سفال نوع چشمه علی،
به دست آمده از تپه زاغه (تپه زاغه در دشت قزوین واقع شده است)، ۵۰۰۰ سال ق.م.

جام حسنلو

در این دوره همچنین پارچه‌هایی که با الیاف مختلف بافته شده، به دست آمده؛ ولی به نظر می‌رسد که بزرگترین صنعت ایرانیان در این دوره سفالگری بوده، برای آنکه تولید سفالهایی با چرخ و به شکل آبخوری، کاسه‌های غذاخوری، دیگهای پخت غذا و گلدانها و ظروف با لعاب قرمز صیقلی رواج داشته است. افزون بر این، طی حفریات شوش، گردنبندی نیز به دست آمده که از گوش ماهی و سنگهای مختلف ساخته شده، به انضمام انگشترهایی با نگین گوش ماهی و مهره‌هایی که اکثراً سنگی و به شکل حیوانات با دکمه‌های مسطحی است که در وسط یا روی دستهٔ کوچک آنها سوراخی تعبیه شده است.

با وجودی که در این دوره بیشتر اشیاء از سنگ ساخته می‌شد، ساخت تبر، بیلچه، و سلاحهای مختلفی به شکل سلاحهای تولیدی مردم بین‌النهرین یعنی از مس، در ایران رواج داشته و از استخوان و فلز نیز برای ساخت وسایل مصرفی مختلف استفاده می‌شده و اکثر تولیدات منقوش بوده است و شباهت زیادی بین اشکال و نقوش ساخته‌های فلزی با شکل و نقش مصنوعات سفالی به چشم می‌خورد. در حفریات انجام شده در دوکیلومتری جنوب غربی تخت جمشید، سفالهایی به دست آمده که نقاشی و تزیین شده و تقریباً به نازکی ظروف چینی امروزی می‌باشد و بهترین دلیل ترقی و تکامل صنعت سفال‌سازی در دوره‌ای است که ظروف به آن تعلق دارد. همچنین در "تپهٔ گیان" در نزدیکی نهاوند سفالهایی به رنگ قرمز و زرد به اضافهٔ خنجرهای فلزی حکاکی شده‌ای به دست آمده که متعلق به ۱،۳۰۰ تا ۱،۱۰۰ ق.م. است.

گیرشمن در حفریاتی که در "تپه سیلک" داشته، موفق به کشف اشیایی مربوط به ۲،۸۰۰ الی ۲،۷۰۰ ق.م.، که شامل انواع سفالینه‌های دست‌ساز و تولید شده با چرخ سفالگری است، شده که از طریق شباهت آنها با اشیای به دست آمده از سایر نقاط می‌توان تمدن یا تمدنهایی شبیه و نزدیک به آنها را در مناطق دیگر کشور حدس زد.

اریک اشمید که هنگام حفاری اطراف دامغان امیدوار به کشف "هکاتوم پیلوس" یا شهر صددروازه (نزدیک دامغان فعلی) بود، اگر چه موفق به کشف بقایای شهر مورد نظرش نشد ولی به مجموعه‌ای از مهمترین آثار صنعتگران سه تا دو هزار سال ق.م. دست یافت. سفالهای به دست آمده توسط اشمید شامل کوزه‌های بزرگ در اشکال هندسی و دارای لعاب قهوه‌ای روشن و کرم است و اکثراً به وسیلهٔ چرخ ساخته شده و گویای ظهور فن لعاب دادن سفال در ایران پنج هزار سال قبل‌می‌باشد. همچنین کشفیات اشمید حکایتگر آشنایی مردم آن دوره با فلز مس است و بیشتر دست ساخته‌های مسین شامل سنجاقهای مسی، خنجر، گرز، دستبند و امثال آنهاست. گفتنی است که ضمناً کشف اشیای طلایی و نقره‌ای، به ویژه زینت‌آلات زرین، فنجان، مجسمه‌های حیوانات مختلف از نقره و مانند آن گویای دسترسی و استفادهٔ مردم آن دوره از فلزات گرانبها می‌باشد و شواهد دیگری در دست است که نشان می‌دهد ایرانیان آن زمان در فلز کاری، ساخت مصنوعات مختلف مانند هاون، مجسمه، انواع تسبیح و غیره از سنگهای مختلف مهارت بسزایی داشته‌اند. اشمید طی حفاریهایی که در سال ۱۳۱۳ ه.ش. در نزدیکی تهران انجام داد نیز به کشف آثاری مشابه آنچه در دامغان یافته بود، توفیق یافت؛ با این تفاوت که سفالهای مکشوفه در حفاری اخیرالذکر اکثراً دارای نقوشی هندسی به رنگ سیاه و سطحی صیقل یافته است و با گِل آن، گیاهی مانند کاه مخلوط است.

در پی کاوشهایی که در سال ۱۹۴۷ میلادی (۱۳۲۵ ه.ش.) در "زیویه" ـ در نزدیکی سقز ـ به‌عمل آمده، گنجینه‌ای از اشیای زرین و مفرغی و محصولات تهیه شده از عاج به دست آمده که به حدود قرن هفتم ق.م. یعنی آغاز دورهٔ حکومت مادها تعلق دارد. همچنین در کاوشهای حسنلو ـ در ۸۵ کیلومتری جنوب ارومیه ـ جام طلایی که بر سطحش صحنه‌های اساطیری حکاکی شده و به قرون ۱۴ تا ۸ ق.م. تعلق دارد، به دست آمده است.

بدون تردید "جام مارلیک" و دیگر آثار فلزی کشف شده از" چراغعلی تپه" (مارلیک تپه) ـ واقع در ۱۴ کیلومتری جادهٔ رودبار به رشت ـ را که توسط گروه باستان‌شناسی ایرانی به سرپرستی عزت الله نگهبان به دست آمده، می‌توان نشانه‌ای بارز از مهارت فلزکاران ایرانی در حدود دورهٔ حکومت مادها و حتی کمی پیشتر از آن در ایران دانست، ضمن آنکه بر اساس مدارک و اسناد موجود و نیز آثار مکشوفه می‌توان سفالگری دورهٔ مادها را نیز هنری شاخص و دستبافی آن دوره را نیز "هنر ـ صنعتی" مهم تلقی نمود.

ریتون زرین
قافلانکوه، ماد، اواخر سدهٔ هفتم ـ اوایل سدهٔ ششم ق. م.

ابزارهای مفرغی حکاکی شدهٔ لرستان، انواع سلاحها، ابزارها و وسایل کشاورزی، وسایل تزیینی، اشیای آیینی، انواع دهانه و مالبند و دیگر ابزارهای مخصوص اسب و گردونه، تو تمها و بتها، سنجاقهای مفرغی با سری درشت و مزین به شکل سر و شاخ چهارپایان و امثالهم از هنرهای سنتی و صنایع‌دستی شاخص ایرانیان در هزارهٔ اوّل قبل از میلاد است که بر اساس قراین موجود احتمالاً توسط نخستین مادهای تازه وارد به ایران به وجود آمده است.

از بررسی هنرها و صنایع هنری ایرانیان در دورهٔ ما قبل از تاریخ مدوّن کشورمان می‌توان چنین نتیجه گرفت که:

- ایرانیها دارای ذوق هنری و زیبا پسندی خاص بوده‌اندکه نمونه آن در آثارسفالین شوش، تپه سیلک، تپه‌حصار و نیز مفرغهای لرستان آشکار است.
- ایرانیها توجه ویژه‌ای به نقش حیوانات داشته‌اند.
- افزون بر نقوش حیوانی از نقشهای هندسی ـ که البته هر یک معنا و مفهوم و رمز و رازی داشته‌اند. برای تزیین ظروف و من‌جمله سفالینه‌های خود استفاده می‌کرده‌اند.

■ شیوهٔ کار هنرمندان قدیم ایران، "ناتورالیست" ـ طبیعت سازی ـ نبوده بلکه ایرانیان به نقشهای "تجریدی" ـ استیلیزه ـ و "رمزی" ـ سمبلیک ـ علاقهٔ بیشتری داشته و آنها را بر طرزکار شیوهٔ ناتورالیست ترجیح می‌داده‌اند.

گاو نر کوهان دار گلین
مارلیک
سده های دوازدهم و یازدهم ق. م.

در دورهٔ هخامنشی ـ ۵۵۰ تا ۳۳۰ ق.م. ـ ساخت جامها و ساغرها (ریتونها) از طلا یا نقره، که به شیوهٔ چکش کاری ساخته و پرداخته و تزیین می‌شد، در زمرهٔ شاهکارهای فلزکاری ایران، ثبت شده است. چکش کاری روی نقره و نقره کاری، زرگری و ساخت زیورآلات زرین و سیمین، ریخته گری مفرغ، سفال سازی، سنگتراشی، پارچه‌بافی و به ویژه بافت پارچه‌های لطیف از پشم، کنده‌کاری و منبت‌کاری و سرانجام قالی‌بافی ـ که نمونهٔ بارز و شاخص آن قالی پازیریک، یعنی نخستین قالی بافته شده در جهان، توسط ایرانیان هنرمند و متعلق به حدود ۵۰۰ ق.م. می‌باشد ـ از دیگر هنرهای مطرح به شمار می‌آید که نمونه‌هایی از آن هم اینک در موزه‌ها و دیگر مراکز هنری جهان موجود است و در روزگار خود چون تحفه‌های گرانبها به دورترین نقاط، چون کنارهٔ جیحون و کوههای آلتایی و سرزمین مصر، صادر می‌شد.

از نقش برجسته‌های تخت جمشید

مشخصه‌های مهم هنر هخامنشی را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

■ هنر هخامنشی، هنری ظریف و عاری از خشونت هنر همسایگان و خاصه هنر آشوری است.

■ هنر هخامنشی، هنری است که در زمینهٔ ترسیم حیوانات و بعضی از نباتات به شیوهٔ ناتورالیسم عمل می‌کنند و به طبیعت توجه کامل دارد. در ترسیم درختها و مرغهای خیالی و علامت "اهورامزدا" و امثال آن هنری است تجریدی و ابداعی و درنقش هیاکل آدمی، هنری است عاری از جزئیات یعنی فقط به ترسیم شکل اکتفا می‌کند و به جزئیات قیافه و حالات روحی اشخاص کاری ندارد و توجهی نمی‌نماید.

■ حجاران و سنگتراشان هخامنشی به ویژه در سنگتراشی از حیوان و نقش حیوان مهارتی بسزا داشته‌اند. نقش حیوانات در آثار هخامنشی ساده، ظریف و دقیق است و می‌توان گفت که از این حیث هیچ قوم و ملتی به پای ایرانیان نمی‌رسیده‌اند.

ظرف طلایی، دورهٔ هخامنشیان
سدهٔ پنجم ـ چهارم ق. م.

کاسهٔ بلور
رنگ: سبز کم رنگ، صدف گرفته
دورهٔ هخامنشیان

لیوان زرین، دورهٔ هخامنشی
سده‌های پنجم و چهارم ق. م.

ظرف سفالین به شکل شتر نشسته
منطقهٔ آذربایجان
سدهٔ هشتم ق. م.

قدیمیترین فرش جهان، که اینک در موزهٔ ارمیتاژ روسیه نگهداری می‌شود، در سال ۱۹۴۹ میلادی در سیبری و در محلی به نام پازیریک کشف شد. باستان‌شناسان و کارشناسان فرش آن را منصوب به دوران هخامنشیان دانسته‌اند. ازاین رو می‌توان ایرانیان را از پایه‌گذاران صنعت فرش جهان برشمرد.

یک جفت دهنهٔ اسب
مفرغ، لرستان،
سدهٔ هفتم – ششم ق. م.

مجسمهٔ سنگ آهک، اشکانی
سدهٔ دوم میلادی

یک صفحه از قرآن به خط کوفی
سدهٔ سوم – چهارم هجری قمری

سگ نشستهٔ سنگی سیاه
تخت جمشید
دورهٔ هخامنشی

■ صراحت طرح و نقش، قدرت و استحکام و دوام اثر هنری و تعادل آن از دیگر مشخصات هنر هخامنشی است.

■ شکیبایی، ذوق سلیم و زیبایی تألیف هنرمندان و صنعتگران دوران هخامنشی از جمله نکات بارزی است که در بررسی مجموع آثار به جای مانده از دوران مذکور، مستفاد می‌شود.

صنایع دستی ایران در دورهٔ سلوکی از لحاظ طرح و شکل تا اندازهٔ زیادی تحت تأثیر "هنر هلنیستی" ـ یونانی مآبی ـ قرار گرفت اما در دورهٔ اشکانی، به تدریج و دیگر بار هویّتی ایرانی یافت. از صنایع دستی رایج در دورهٔ اشکانی باید به سفالینه‌های زیبا، مسکوکات فلزی ساخته شده از طلا و نقره، قلابدوزی و برخی دیگر از رودوزیها، پارچه‌بافی و در نهایت ساخت زیور آلات اشاره نمود.

دردورهٔ ساسانی هنر و معماری ایران یکی از دوره‌های اوج خود را ثبت کرد. هنرورزان ساسانی صنعت فلزکاری ایران را به کمال رساندند به طوری که نمونه‌های بسیاری از سینیها و ظروف برجسته‌کاری با نقشهای متنوع که از آن عصر در ممالک مختلف و از جمله در روسیه کشف شده، نمایانگر مهارت فوق‌العادهٔ فلزکاران در زمان ساسانی است. همچنین باید از ریخته‌گری با مفرغ و نقره که برای ساختن بشقاب، کاسه، جام و مشربه، که گاهی به شکل پرندگان و دیگر حیوانات ساخته شده است، نام برد. ضمن آنکه ظروف زرین و سیمین و یا فلزی دیگر که با روشهای مطلا کاری، حکاکی، قلمزنی و یا میناکاری تزیین می‌یافتند، از جملهٔ هنرهای مرتبط با فلزکاری ساسانی است.

قالی‌بافی در دورهٔ ساسانی از هنرهای مطرح و پر رونق بوده و از "قالی بهارستان"، که اگر چه تا حدودی دربارهٔ آن اغراق شده است، و نیز قالیهای زیبایی که بر" طاقدیس" ـ تخت خسرو پرویز ـ در فصول و ماههای مختلف سال انداخته و پهن شده، ذکر نام شده است. از منسوجات گوناگون به ویژه پارچه‌های ابریشمی دورهٔ ساسانی که حتی به چین نیز صادر می‌شده است، در آثار و نوشته‌ها زیاد یاد شده والبته حدود ۳۰ قطعه از آن هم برجای مانده که زینت بخش گنجینه‌ها و دیگر مراکز هنری جهان است. از سایر صنایع دستی رایج در دورهٔ ساسانی باید به شیشه‌گری، سفالگری، رودوزیها و ساخت مسکوکات فلزی اشاره نمود. دربارهٔ هنرهای صناعی ایران از آغاز اسلام تا دورهٔ سلجوقی، باید نخست به تذهیب‌کاری و به ویژه تذهیب قرآن کریم اشاره کرد. گفتنی است که سایر هنرهای مرتبط با کتاب‌آرایی نظیر نگارگری، تشعیر، تجلید، کاغذسازی و غیره نیز در دوران مذکور از رونق خاصی برخوردار بود.

اگرچه با ظهور دین مبین اسلام، استفاده از ظروف سیمین و زرین منسوخ شد اما با تلاش هنرمندانهٔ سفالگران ایرانی، تولید آثار زیبای سفالی مانند سفالهایی با لعاب مینایی و ظروف زرین‌فام، مرسوم گشت تا کمبود زیبایی ظروف زرین و سیمین فلزی را جبران کند.

نساجی و پارچه‌بافی در صدر اسلام، پس از مدت کوتاهی وقفه و رکود، که ناشی از تغییرات و تحولات عمیقی بود که در جامعه رخ داده بود، مجدداً رونق یافت. بهترین دلیل بر رونق صنعت بافندگی و پیشرفت آن در صدر اسلام درکشور ایران، این است که برخی از شهرهای ایران، گزیت و خراج خود را از پارچه‌ها و منسوجات قیمتی می‌پرداختند و نویسندگان بزرگی چون یعقوبی، ابن فقیه، ابن رسته، مسعودی، اصطخری، ابن حوقل، مقدسی و یاقوت حموی در نوشته‌های خود در خصوص صنعت پارچه‌بافی شهرهای ایران به ویژه شوشتر قلم فرسایی کرده‌اند.

از حدود قرن چهارم هـ.ق. پارچه‌هایی به دست آمده که از بافتی ظریف برخوردار است وضمناً شباهت بسیاری به آثار دورهٔ ساسانی دارد و تفاوت عمدهٔ آن با پارچه‌های ساسانی، دراستفاده از خط و به ویژه خط کوفی درحواشی پارچه‌های عصر اسلامی است. نکتهٔ دیگر آنکه در قرون اولیهٔ اسلامی هرگز از نقوش حیوانی استفاده نشده و از قرن چهارم هـ.ق. به بعد است که می‌توان افزون بر نقوش گیاهی، نقشهای حیوانی را هم مشاهده کرد. با بررسی آثار فلزی به جای مانده از صدر اسلام تا قرون سوم و چهارم هـ.ق. شباهت بسیاری را با آثار ساسانی مشاهده می‌کنیم که این شباهت گاه به حدّی است که بیننده را دچار اشتباه می‌سازد. استفاده از خط در فلزکاری دوران اسلامی، مددرسان ما در تمییز و تشخیص آثار فلزی این دوران با آثار فلزی عصر ساسانی، می‌باشد. گفتنی است که رعایت زیبایی و ظرافت در فلزکاری قرون اولیهٔ هـ.ق. به طور عمده در آثاری نظیر سینی، آبخوری و غیره، که اهمیت بیشتری در زندگی روزمرهٔ داشته‌اند، مشهودتر است.

هرچند که به سبب فرسایش تدریجی مواد اولیهٔ مصرفی در قالی‌بافی، بجز قالی پازیریک و یک قطعهٔ دیگر منسوب به دورهٔ تیموری، تا حدود قرن دهم هـ.ق. (دوران صفویه) نمونه‌ای از قالیهای ایرانی در دست نداریم اما بر اساس نظر صاحب‌نظران و نیز با بررسی آثار نقاشی به‌جای مانده از صدر اسلام تا دورهٔ صفویه، متوجه رونق و رواج قالی‌بافی، در صدر اسلام و پس از آن می‌شویم و گفته شده که قالیهای زیبای ایرانی که در قرون اولیهٔ هـ.ق. تماماً با طرحها و نقوش گیاهی توأم و همراه بوده برای مفروش کردن اماکن متبرکه و قصرها به‌کار می‌رفته است.

با شروع دوران اسلامی، شیشه‌گری بدون تغییر خاص ـ و همچنان بر پایهٔ شیوه‌های ساسانی ـ ادامهٔ حیات داد. ضمن آنکه به تدریج و با برقراری روابط بازرگانی، سیاسی و هنری میان کشورهای مسلمان، تلفیقی از هنرهای ایرانی و اسلامی به وجود آمد و سامرا (سامره) در سده‌های دوم و سوم هـ.ق. مرکز تجمع هنرمندان مناطق مختلف شد. گفتنی است که از نیشابور، ری، جرجان و سمرقند به عنوان مراکز عمدهٔ شیشه‌گری دوران مذکور یاد شده است. همچنین گفته شده است که بندر سیراف در سده‌های سوم و چهارم هـ.ق. گذشته از آنکه بندر تجاری مهمی بوده است، یکی از مراکز ساخت آبگینه هم به شمار می‌آمده است.

در خصوص صنایع دستی کشورمان در دورهٔ سلجوقی، در آغاز باید به رونق یافتن هر چه بیشتر تذهیب‌کاری اشاره کرد و نیز اینکه از این هنر افزون بر کتب مذهبی برای زیباتر ساختن کتب غیر مذهبی هم استفاده می‌شده است. گفتنی است که تذهیب و خوشنویسی کتابهای علمی که از قرن دوم هـ.ق. آغاز شده بود در دورهٔ سلجوقی، رشد بیشتری پیدا کرد ضمن آنکه در آن دسته از کتب علمی که به تشریح تصویری نیاز داشتند نگارگری نیز به عنوان یکی از هنرهای مرتبط با کتاب‌آرایی، مطرح گشت و جایگاه جدیدی پیدا نمود. لذا در دورهٔ مذکور نگارگران ایرانی به تشریح تصویری کتب علمی به خصوص در زمینهٔ پزشکی و زیست شناسی و نیز کتب مربوط به شعر و ادبیات نظیر "سمک عیار" مبادرت کردند. در پی رشد علوم و ادبیات، نقشهای داستانی بر سفالینه‌های دورهٔ سلجوقی نقش بست. در دورهٔ مذکور سفالگری به عنوان "حرفه" تثبیت شد و سفالگر، نام و تاریخ تولید اثرش را بر سفالینه می‌نگاشت.در دورهٔ سلجوقی که سفالینه‌های آن

نسبت به دورهٔ صدر اسلام از ظرافت و مهارت بیشتری در تولید برخوردار و دارای تنوع رنگ و تنوع نقش بیشتری بود، موضوع نقاشی روی سفالها را بیشتر داستانهای کهن چون "بهرام و آزاده"، "بیژن و منیژه" و مانند آنها تشکیل می‌داد. همچنین استفاده از لعاب مینایی و تولید سفالینه‌های زرین فام، مورد توجه هنرمندان قرار گرفت.

در عهد سلجوقی و در پی روابط بازرگانی بین ایران و چین، برای نخستین بار تأثیر هنر چین را در هنر ایرانی، مشاهده می‌کنیم. این تأثیر در شیوهٔ سفالگری هم مؤثر افتاد و نوعی سفال به نام "بدل چینی" تولید شد. که می‌دانیم از خاک سفید که خود ترکیبی از کائولین، کوارتز و سیلیس است، ساخته می‌شد. گفتنی است که عناصر هنر چینی بیشتر به صورت نقش گلها ظاهر گشت. همچنین در پیکرها و چهره‌هایی که بر روی ظروف و محصولات سفالین این دوره دیده می‌شود نیز تا حدّ قابل ملاحظه‌ای تأثیر نقاشی و نگارگریهای "مانویان" را می‌توان مشاهده کرد.

کاشی‌کاری در دورهٔ مذکور مورد توجه هنرمندان و هنر دوستان قرار گرفت. نوع خاصی از کاشی مورد استفاده در این دوره به "خشت کاشی" مشهور است و برای ساختن آن از روش قالب‌زدن استفاده می‌شد. قالبهای مورد استفاده در "خشت‌کاشی" به‌طور عمده هندسی بوده و با کنار هم قرار دادن آنها طرح هندسی مورد نظر که بیشتر "صلیب" و "ستارهٔ هشت‌پر" می‌باشد، به دست می‌آمده است. پخت سفال کاشی، لعاب و نقاشی روی آن و در مواردی نیز استفاده از لعابی یک دست که نقاشی روی آن انجام می‌شد، دیگر مراحل آماده سازی "خشت‌کاشی" را که غالباً در کتیبه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت و به طور عمده با خطوطی چون نسخ و نقوش تذهیبی همراه بود، تشکیل می‌داد.

در کاشان به عنوان یکی از مراکز مهم سفالگری، کاشیهای زیبا و معروفی ساخته می‌شد. معروفترین این کاشیها در محراب حرم حضرت امام رضا(ع) ـ هشتمین پیشوای شیعیان جهان ـ در قرن هفتم هـ.ق. کار گذاشته شده است. این کاشیها اثر خاندان محمدّ بن ابن طاهر است. گفتنی است که نقوش کاشیهای اماکن متبرکه، بیشتر از گیاهان و گاه حیوانات است. در برخی از این کاشیها نیز از رنگهای زرین استفاده شده که به "کاشی زرین‌فام" معروف‌اند. رنگ زرین دراین کاشیها بیشتر بر زمینه‌های فیروزه‌ای و سبز به کار رفته است.

بی تردید، دورهٔ سلجوقی، درخشان‌ترین عصر فلزکاری ایران است. چرا که در این دوره انواع ظروف و محصولات فلزی از مس، مفرغ، برنج و نیز به شیوهٔ "مس‌کوب" و "نقره‌کوب" و همچنین با روشهای ساخت، حکاکی، قلمزنی و مشبک‌کاری ساخته شده است. اگر چه شیوه‌هایی چون ساخت، حکاکی و قلمزنی در دوره‌های پیشین نیز رایج بوده ولی هیچ‌گاه ظرافت و زیبایی دورهٔ سلجوقی را نداشته است؛ ضمن آنکه مشبک‌کاری روی فلز برای نخستین بار انجام گشته است.

در دورهٔ سلجوقی، افزون بر مشبک‌کاری، شیوه‌های جدید دیگری نیز در فلزکاری به وجود آمد که از آن جمله باید از کار گذاشتن فلزاتی مثل مس و نقره در زمینهٔ آلیاژهای فلزات دیگر نام برد. این شیوه از فلزکاری به این ترتیب انجام می‌شده که خطوط حواشی طرحهای مورد نظر را خالی می‌گذاشتند و سپس با مفتولی از مس یا نقره این فضای خالی را با چکش‌کاری پر می‌کردند. این شیوه در فلزکاری به "مس‌کوب" و "نقره‌کوب" معروف است. گفتنی است استفاده از خوشنویسی نیز در فلزکاری این دوره دیده می‌شود.

مشهورترین آثار به دست آمده از این نوع، بشقابی است به خط کوفی که به "بشقاب آلب ارسلان" معروف است. این اثر توسط حسن کاشانی پدید آمده است. لازم به ذکر است که در دورهٔ سلجوقی، پیوند بسیار نزدیکی میان نقشهای سفالینه‌ها و آثار فلزی مشهود است.

در دورهٔ سلجوقی، شیشه‌گری، به ویژه در شهر نیشابور، دوران پر رونقی را داشته است و این امر از مشاهده و بررسی آثار شیشه‌ای به جای مانده از نیشابور که به قرون پنجم تا هفتم هـ.ق. تعلق دارد، مستفاد می‌شود. همچنین آثار با ارزش دیگری چون صُراحیهای زیبا از گرگان به دست آمده که مؤید رونق شیشه‌گری در این شهر است. اگر چه بافندگی از جمله صنایعی است که همیشه در ایران مقام ارجمندی داشته است ولی بعضی از محققین بر این عقیده هستند که از بعضی جهات ـ من جمله از جهات فنی و تکنیکی و روشهای پیچیدهٔ بافت ـ این "هنر ـ صنعت" در زمان سلجوقیان به منتهی درجهٔ کمال خود رسیده است.

اگر چه شاید بیش از ۵۰ تکه از پارچه‌های این دوره در دست نباشد، اما همین میزان نیز نقشها و طرحهای متعدد را نشان می‌دهد. ضمن آنکه برخی از این گونه پارچه‌ها با طرحهای پرکار و به گونهٔ دولا بافته شده است. در این دوره، صنعت نساجی ایران، از حیث بافندگی، ابتکار انواع نقشه و زیبایی رنگ به درجهٔ عالی رسید و تولید پارچه‌هایی که در واقع مرکب از دو پارچه به رنگهای مختلف بود، پارچه‌هایی که با تغییر نور، تغییر رنگ می‌داد و نیز پارچه‌هایی از جنس ابریشم که بسیار سبک و نازک بود و روی آن طرح حیوانات و خطوط کوفی بسیار عالی نقش می‌شد، مرسوم و متداول بوده است. در واقع باید گفت که هنر ایران در مجموع دوران پر رونق و با شکوهی را در عصر سلجوقی گذرانده و دورهٔ سلجوقی یکی از ادوار درخشان هنر ایران بعد از اسلام و نیز در طول تاریخ ایران است.

یورش ویرانگر مغولها نه تنها بسیاری از شهرها و روستاها را با خاک یکسان کرد و بسیاری از اندیشمندان و متفکران را از دم تیغ گذراند بلکه خسارات بسیار سنگین فرهنگی و هنری نیز به جای نهاد. اما ایلخانان (وارثان چنگیز مغول) با پذیرش دین مبین اسلام و تعلیمات حیات بخش آن و نیز با قبول فرهنگ و هنر غنی و بارور ایران، به رونق و گسترش هنر و معماری ایران پرداختند.

ایلخانان، دست به تأسیس دولت درایران زدند و هنرمندان را به پایتختهای خود یعنی "مراغه" و "تبریز" کشاندند ضمن آنکه بر مبنای مصالحه‌ای که بین حاکمان محلی شیراز و مغولها صورت گرفت، شیراز از گزند تهاجم مغولان در امان ماند و از این‌رو گروهی از هنرمندان هم جذب شیراز شدند و می‌دانیم که بعدها مکتبی به نام "مکتب شیراز" موجودیت یافت تا از این مکتب نگارگریهای نفیس و کتب مصور با ارزشی بر جای ماند.

به هرحال در دورهٔ ایلخانان به همّت خواجه رشید الدین فضل الله مرکزی علمی و هنری به نام "ربع رشیدی" در تبریز ایجاد شد تا با جلب و جذب دانشمندان، هنرمندان و هنرورزان به دوباره‌نویسی و گردآوری آثار با ارزش و نفیس گذشته بپردازند. از جمله آنکه در این مرکز، کتابی به نام "تاریخ رشیدی" ـ منسوب به رشید الدین فضل‌الله ـ تهیه و نسخی از آن با نقاشیهای زیبا و متنوع تزیین یافت. در دورهٔ مذکور همچنین کتابهای با ارزشی چون "شاهنامهٔ فردوسی" و "کلیله و دمنه" بارها رونویسی شد تا با نقاشیهای زیبایی که نشانگر شیوهٔ نقاشی آن عصر و گزارشگر هنر نگارگرانش می‌باشد، همراه شود.

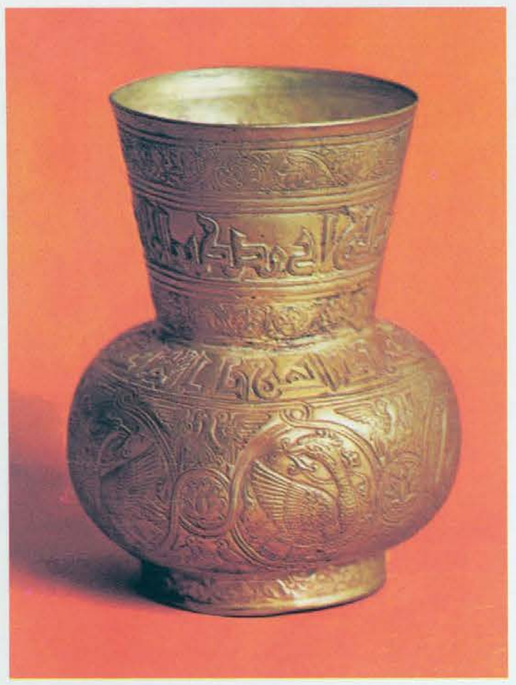

تنگ طلا با نوشتهٔ کوفی دورهٔ سلجوقی
سدهٔ پنجم هجری قمری

کاسهٔ مینایی، دورهٔ سلجوقی
سدهٔ پنجم ـ ششم هجری قمری

کاشی ستاره ای، تخت سلیمان
سده‌های هفتم و هشتم هجری قمری

ابریق دو پوست، سدهٔ هفتم هجری

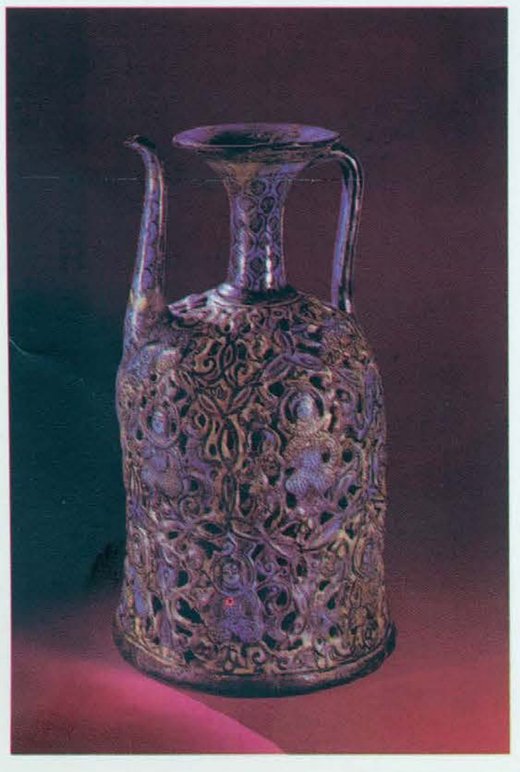

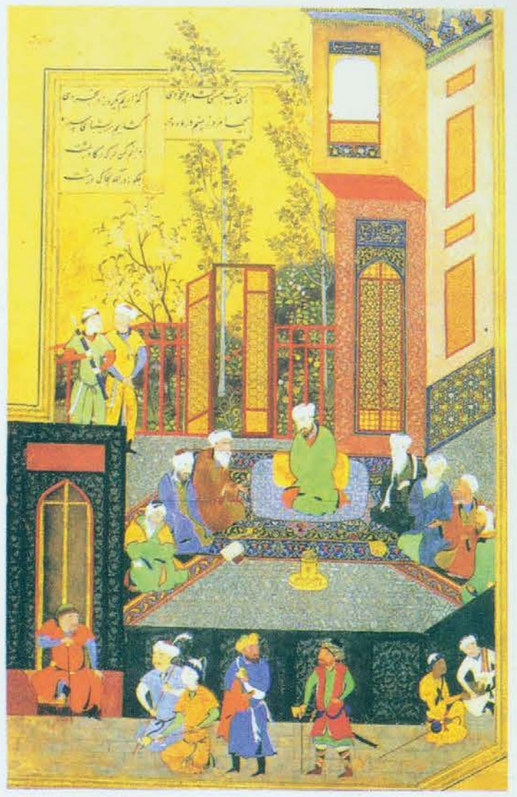

«اسکندر و حکمای هفتگانه» خمسهٔ نظامی،
مکتب تیموری، هرات، ۹۰۰ هجری قمری

نکتهٔ مهم در این دوره، وارد شدن عناصر تصویری چینی در آثار هنری ایران بود که این عناصر در نقاشیهای عهد ایلخانی به خوبی نمایان است.

در شیوهٔ نقاشی دورهٔ ایلخانی ـ که از لحاظ فنی به مراتب قوی تر از نقاشیهای عهد سلجوقی است ـ رنگها از تنوع بیشتری برخوردار، طرحها دارای دقّت بیشتر و توجه به جزئیات که حاصل تأثیر پذیری از نقاشی چینی می‌باشد به راحتی قابل تشخیص است دراکثراین نقاشیها، کوه‌ها، ابرها، پرندگان، گلها و درختان که با دقت طراحی و یا پر پیچ و تاب هستند، تأثیرپذیری از نقاشی چینی را نشان می‌دهد.

از آثار جالب این دوره باید به شاهنامهٔ معروف به "شاهنامهٔ دموت" ـ دموت کتاب فروشی بود که در جهت تأمین منافع بیشتر، نگارگریهای نفیس و زیبای این شاهنامه را ورق ورق کرد و به فروش رساند ـ اشاره نمود. گفتنی است در نقاشیهای این شاهنامه، نه تنها هنر چینی، بلکه تأثیر هنر بیزانس نیز مشاهده می‌شود.

به هرحال مجموعهٔ آثار این عهد را که در تبریز به وجود آمده‌اند به نام "مکتب تبریز" می‌شناسیم و همان‌طور که اشاره شد، این مکتب بیش از هر چیز به‌خاطر تأثیر پذیریش از هنر چین مشخص می‌شود ولی تنوع رنگی، دقّت در طرحها با رعایت جزئیات نیز از دیگر ویژگیهایش است. لازم به ذکر است که در اکثر نقاشیهای این مکتب، نقشهای اصلی با رنگهای تیره‌تر از زمینه کشیده شده است.

درمکتب شیراز که تفاوت عمدهٔ نقاشیهایش با مکتب تبریز، پذیرش و تأثیرپذیری کمتر نگارگران از شیوه‌های چینی می‌باشد؛ و به نوعی، نقاشیهایش با نگارگریهای عهد سلجوقی قابل مقایسه است. ساده‌گرایی بیشتری از مکتب تبریز، در نقاشیها مشاهده می‌شود و ضمناً توجه به نقاشی و نقش‌سازی از انسان و فضای زندگی او نیز به مراتب بیشتر است.

به هرحال در پی تبادلات فرهنگی که بین مکاتب شیراز و تبریز به وجود می‌آید، موجبات اعتلای بیشتر کتاب‌آرایی و نقاشی و نیز شکل‌گیری ویژگیهای هنر ایرانی فراهم می‌شود و دیوان خواجوی کرمانی که توسط جُنید مصور شده، نمونهٔ مشخص و ممتاز این تحول در نقاشی ایرانی است.

در دورهٔ مذکور جلد سازی، سفالگری، کاشی کاری، قالی‌بافی، فلزکاری و نساجی هم رواج داشت ولی تأثیرپذیری از هنر چینی ازجمله در سفالگری، کاشی کاری و نساجی مشاهده می‌شود.

می‌دانیم که در دورهٔ تیموری، هرات ـ پایتخت تیموریان و مرکز خراسان بزرگ ـ کانون تجمع هنرمندان شد و هنرمندانی که در تبریز، شیراز و غیره به فعالیت هنری مشغول بودند، به هرات روی آوردند و با حمایت کاملی که ازهنرمندان به عمل می‌آمد "مکتب هرات" پایه‌گذاری شد تا بدین‌سان اوج هنر نگارگری ایران پدید آید که "شاهنامهٔ بایسنقری" (بایسنغری) از شاهکارهای همین مکتب است. مکتبی که از تأثیر هنر چینی، رهایی یافته و با رنگامیزی به مراتب غنی‌تر و عدم رعایت بُعد و پرسپکتیو در آثار، ویژگیهای خاصی را مطرح ساخت. مکتبی که توجه به پیکر انسانی، فضای زندگی او و طبیعت را مبنای کار قرار داد و سرانجام آنکه با مکتبی روبه‌رو هستیم که حرفهٔ نقاشی و نگارگری را به والایی رسانید و نگارگران هنرمند به نحو شایسته‌ای مطرح و هنرشان مقبول می‌افتد. مکتبی که زندگی مردم عادی را در آثارش مطرح می‌سازد.

به هرحال "مکتب هرات" که همواره با نام هنرمند معروف کمال‌الدین بهزاد هراتی همراه است نه تنها در تاریخ نگارگری ایران، که در همهٔ جهان، شاخص و شناخته شده است و می‌دانیم که نگارگران این عصر ازجمله بهزاد از مرزهای موضوعات سنتی پا فراتر نهاد و "انسان" در آثارشان از حدّ شخصیتهای افسانه‌ای آثار ادبی خارج شد و در محیط زندگی و به صورت واقعی مطرح گشت، گفتنی است که تأثیر مکتب هرات و بهزاد در آثار دورهٔ "مکتب تبریز دوم" ـ در دورهٔ صفوی ـ و همچنین نقاشی هند و ترکیه نیز کاملاً مشهود است. ضمن آنکه می‌دانیم کمال‌الدین بهزاد هراتی در بخشی از دوران صفویه و تا به هنگام حیات، ریاست کتابخانه سلطنتی را بر عهده داشته و افزون بر نگارگری آثار شاخص، هدایت تمامی هنرمندان خوشنویس، تذهیب‌کار، نگارگر، جلد ساز و امثال آن به او محول شده بود.

تذهیب در دورهٔ تیموری با تنوع رنگی بیشتر اما با تأثیرپذیری فراوان از هنر چینی مطرح شد و لذا عناصر تصویری چینی مانند ابرهای تشی، اژدها، پرندگان و غیره و نیز دقّت در جزئیات طبیعت از ویژگیهای تذهیب و مذهبین این دوره است.

جلدهای به دست آمده و در دسترس از دورهٔ تیموری، ضمن آنکه از دقت و ظرافت قابل توجهی برخوردار است، نفوذ عناصر تصویری هنر چینی نظیر نقشهای طبیعی و گیاهان خاص را نیز نشان می‌دهد. همچنین در آستر جلد هم از همان شیوهٔ چرمهای بریده بر زمینه‌های روشن استفاده شده است.

از آنجا که حملهٔ مغولان، ویرانی و خرابی بسیاری به بار آورد و لذا ضرورت داشت که به نوسازی و مرمت ابنیهٔ مذهبی و تاریخی پرداخته شود لذا به کاشی‌کاری هم به عنوان یکی از عوامل مکمل معماری توجه خاص شد. ضمن آنکه "کاشی معرق" (کاشی موزاییک) در این دوره موجودیت یافت. از آثار معروف این عصر که ضمناً دارای کاشی‌کاریهای زیبایی نیز هستند باید از مقبرهٔ الجاتیو در سلطانیه، محراب مدرسهٔ امامی در اصفهان و مسجد کبود در تبریز نام برد.

قالی‌بافی عهد تیموری را از نقاشیها و نگارگریهای این دوران می‌توان مورد بررسی قرار داد، چرا که اگر چه از قالیهای دوران تیموری جز یک قطعه در دسترس ما نیست، نگارگریهای زیبای بر جای مانده از دورهٔ تیموری، تصاویری از قالیهای آن دوره را نیز نشان

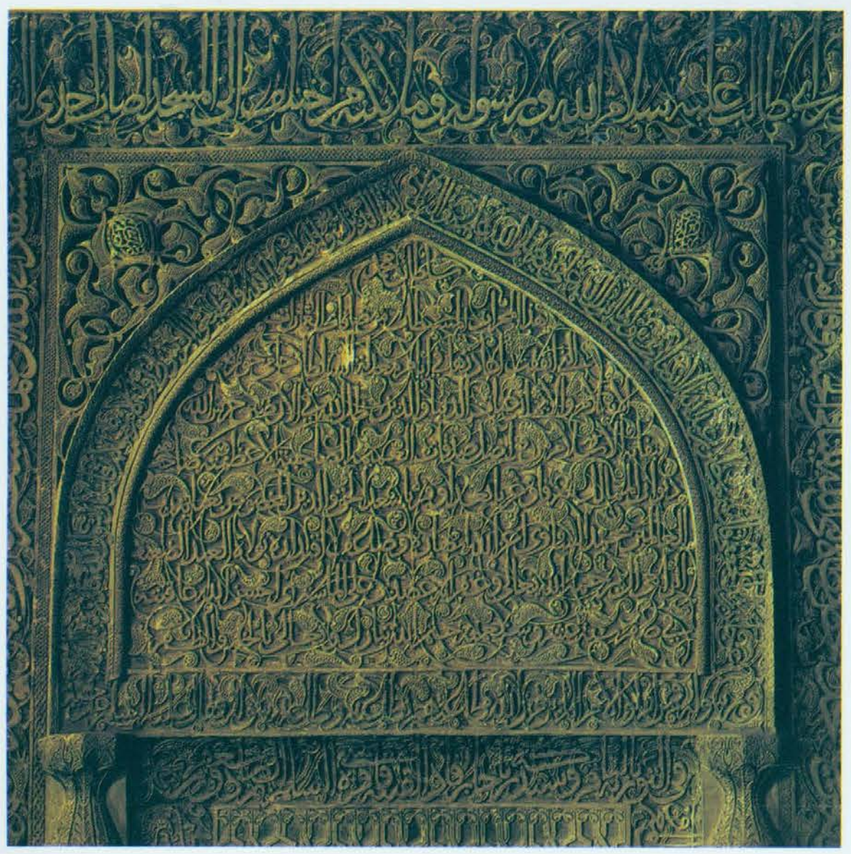

محراب اولجاتیو

می‌دهد که به ویژه در بافت آنها بیشتر از نقش لچک و ترنج استفاده شده است؛ ضمن آنکه نقش سجاده‌ای (محرابی) و نیز نقش هندسی ـ به استناد تصاویر نقاشیها و آثار نگارگریهای موجود ـ از دیگر نقشهایی بوده که در قالیهای دوران تیموری به چشم می‌خورد.

بدیهی است که فلزکاری دوران تیموری با دورهٔ اوج و رونق و شکوفایی فلزکاری ایران ـ عهد سلجوقی ـ فاصله دارد اما به هرحال از عهد تیموری نیز آثار فلزی متعددی همچون پایهٔ شمعدان و شمعدانهای زیبا به جای مانده که بعضاً برروی آنها طلاکاری و مرصع کاری نیز انجام شده است.

در دورهٔ مذکور برای افزودن به زیبایی کار، زمینه یا نقش روی زمینه را صیقل می‌دادند تا نقشها جلوهٔ بیشتری یابد. گفتنی است آثار فلزی این دوره از لحاظ فرم و شکل

«خسرو و شیرین»
خمسه نظامی، مکتب ترکمانان، تبریز
اواخر قرن نهم هجری قمری

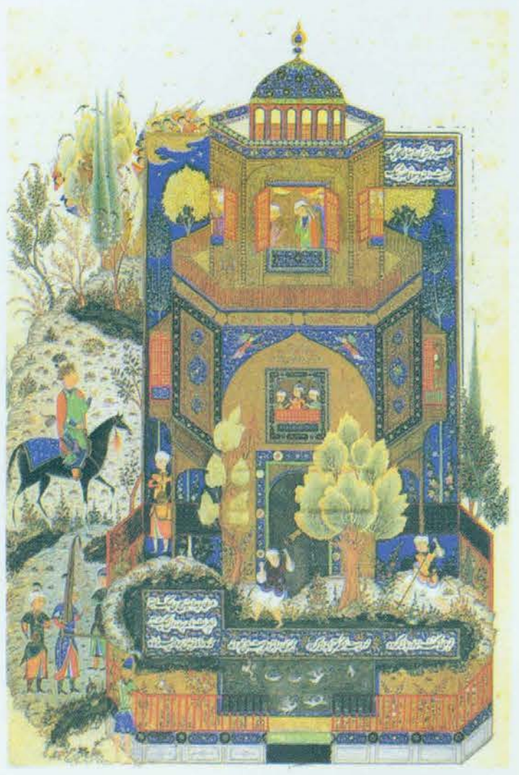

با محصولات سفالین آن، تشابه دارد.

منسوجات ایران در دورهٔ تیموری درکثرت استعمال نباتات متصل و در تزیینات ممتاز است؛ ضمن آنکه امتیاز دیگر دستبافته‌های این دوره در انواع جدیدی است که معمول شده و بیشتر از دیبا و بافته‌های راه راهی است که طلا و نقره در آنها به کار رفته است و با اشکال پرندگان، مطابق روش چینی، تزیین شده است. گفتنی است که بافتن پارچه‌های مخمل در این دوره معمول شده و یکی از جهانگردان ایتالیایی در سفرنامه و یادداشتهای باز دید خود از ایران، مشخصات این پارچهٔ نفیس را ثبت کرده است.

صنعت نساجی در دورهٔ تیموریان، افزون بر هرات در شهرهای یزد، اصفهان، کاشان و تبریز رونق و پیشرفت بسزایی داشته و کارخانه‌های پارچه‌بافی شهرهای مذکور، منسوجات خود را به اطراف و اکناف عالم اسلامی صادر می‌کردند.

دورهٔ صفوی را باید یکی از درخشان‌ترین دوره‌های هنر و معماری ایران و از جمله هنرهای صناعی کشورمان در تمام طول تاریخ این مرز و بوم دانست.

در این دوره، که از اواخر قرن نهم هـ. ق. تا اوایل قرن ۱۲ هـ. ق. (قرون ۱۶و ۱۷ میلادی) ادامه داشته است، هنرهای سنتی و صنایع‌دستی ایران در زمینه‌های گوناگون مانند نگارگری، کتاب‌آرایی، خط و خوشنویسی، تذهیب، نساجی سنتی، فلزکاری، سفالگری و کاشی‌سازی و به ویژه در خصوص قالی‌بافی به رشد و بالندگی رسید و این امر از آثار ممتاز به جای مانده از دورهٔ صفویه، که هم‌اکنون زینت بخش گنجینه‌ها و دیگر مراکز هنری جهان است، مستفاد می‌شود. ضمن آنکه سیاحان و ایران‌شناسان دربارهٔ آثار هنری این عصر، در کتب خود به طور مفصل و مبسوط قلم‌فرسایی کرده‌اند.

در دورهٔ صفویه، سه مکتب مهم در نقاشی و نگارگری ـ تبریز، قزوین، و اصفهان که به ترتیب پایتخت صفویان در دوران سلطنت آنان بوده است ـ پدید آمده است؛ ضمن آنکه در دهه‌های آغازین حکومت صفویان، نقاشی، همان راه مکتب هرات را ادامه داد.

از جملهٔ با ارزشترین و نفیس‌ترین آثار دورهٔ صفوی باید به نسخه‌های مصوری از "شاهنامهٔ فردوسی" و "خمسهٔ نظامی" اشاره کرد که بسیاری از نقاشان شاخص آن دوره چون سلطان محمّد، آقا میرک، میر سیّد علی و امثال آنان تصویر یا تصاویری در آن کشیده‌اند. نگارگریهای نسخ مذکور دارای رنگهای غنی‌تر، ترکیب‌بندیهای متراکم و پیکره‌های پر تحرک‌تر از تصاویر کتب مصور شدهٔ قبل است.

نکتهٔ حائز اهمیّت در مورد نگارگری و نقاشی دوران صفوی، مستقل شدن آن از کتاب‌آرایی است؛ چرا که از قرن یازدهم هـ.ق ـ و در پی انتخاب اصفهان به پایتختی ـ و احداث کاخهای جدید، ضرورتاً نقاشی، شکل دیگری به خود گرفت و در مواردی جزئی از معماری سنتی به حساب می‌آید و برای تزیین بخشی از دیوارها به کار گرفته می‌شود و حتی در مواردی هم به صورت نقاشی دیواری مطرح شد. ضمن آنکه در ساختمان عالی‌قاپو و در ساختمان چهل ستون از نقاشی در آرایش داخلی استفاده گشت.

در دوران صفوی، در پی ورود عده‌ای از نقاشان اروپایی به ایران و نیز اعزام تعدادی از جوانان ایرانی به ایتالیا برای آموزش نقاشی، تحولی در نقاشی عهد صفوی ایجاد شد و بدین‌سان در اواسط دورهٔ صفوی دو شیوهٔ نقاشی در آثار مشاهده می‌گردد که اولی حاصل تکامل شیوهٔ سنتی و دیگری "شیوهٔ نقاشی اروپایی مآب" است.

از نقاشانی که به شیوهٔ سنتی، ادامهٔ کار دادند باید از محمّدی و رضا عباسی نام برد که از خصوصیات کاری آنان توجه به حالات طبیعی انسانی می‌باشد، که از دورهٔ کمال الدین بهزاد هراتی در نقاشیهای ایرانی دیده شده است. این خصیصه در آثار هنرمندی چون رضا عباسی به تکامل رسید.

از معروفترین نقاشانی که بر اساس نقاشی غربی آثاری را پدید آوردند، باید از محمّد زمان نام برد که نقاشیهای او در مواردی اساساً رابطه‌ای با فرهنگ ایران ندارد. اگر چه محمّد زمان در برخی آثارش که بر مبنای ادبیات فارسی کشیده است به جنبه‌های فرهنگی زمان خود توجه کرده است.

به علاوه، در دورهٔ صفوی کتاب‌آرایی نیز شأن و منزلت خاصی داشته و از آثار با ارزش این دوران باید از "شاهنامهٔ شاه اسماعیلی" و "شاهنامهٔ شاه طهماسبی" نام برد. ضمن آنکه آثار بسیار با ارزش دیگری از نقاشیها و نگارگریهای دوران صفویه بر جای مانده است.

همان‌طور که اشاره شد، در دورهٔ صفویه سه مکتب مهم در نگارگری ایرانی پدید آمد که به ترتیب عبارت‌اند از: مکتب تبریز، مکتب قزوین و مکتب اصفهان.

مضامین نقاشیهای مکتب تبریز را شکوه و عظمت زندگانی درباری سلاطین و امراء و تصاویر باغهای سبز و خرم و عمارات و ابنیهٔ عالی و زیبا و لباسهای فاخر و مجالس انس و طرب، صحنه‌های شکار و بزم و جنگ تشکیل می‌داد و رنگهای درخشان و زیبا و متنوع و متناسب و دقیق در این آثار به کار گرفته می‌شد. حفظ قداست بین صورتها و تقسیم اشخاص در تصاویر و رعایت تناسب کامل بین اجزای مختلفه و پوشاک خاص این دوره، به خوبی رعایت شده است.

نقاشان این مکتب بر روی جلد کتاب نقش می‌زدند و نقوش قالی و پارچه را نیز طراحی می‌کردند.

از شاخص‌ترین نگارگران در این مکتب باید علاوه بر کمال‌الدین بهزاد از سلطان محمّد، مظفر علی، عبدالحمید شیرازی، آقامیرک، دوست محمّد و محمّدی مصور نام برد.

در مکتب قزوین، افزون بر موضوعات پیشین، مناظر طبیعی و روستایی، زندگی شبانان و زنان روستایی درحین کار و ریسندگان و با فندگان، که در مکتب تبریز و بیشتر در آثار سلطان محمّد دیده می‌شد، توسط محمّدی با تغییراتی پیگیری شد و با خطوط رنگ ظریف و استفاده از پوششی معمولاً از رنگ مات و با واقع‌بینی در تجسم آدمها و تطابق تصویر طبیعت با زندگی به نمایش درآمد. از دیگر نقاشان که هم زمان با این شیوه کار کرده‌اند می‌توان از شیخ محمّد شیرازی نام برد.

مکتب اصفهان را می‌توان دورهٔ آخر مکاتب نگارگری ایرانی شناخت. نقاشان این زمان بدون رنگامیزی و یا با رنگهای خیلی ساده آثار خود را خلق کرده‌اند. کتب خطی در این میان کمتر مصور می‌شد و تا حدودی هم طرحهای بازاری در این دوره رایج گشت.

به طور کلی خصوصیات مکتب نقاشی اصفهان را می‌توان چنین بیان کرد: طرحها از مایهٔ مردم پسندانهٔ قوی برخوردار بودند و موضوعات زندگی روزانه و طرحهایی از چهرهٔ مردم عادی، جای مضامین قراردادی و سنتی را گرفت. گفتنی است که از اواخر دورهٔ صفویه، نقاشی زیرلاکی نیز در ایران آغاز شد که می‌دانیم در دورهٔ قاجاریه به اوج خود رسید.

در دورهٔ صفوی، تذهیب وارد دوران جدیدی شد و بر خلاف گذشته ـ که بیشتر در متن طرح بود ـ در حاشیهٔ نوشته‌ها مطرح گشت. ضمن آنکه تذهیب به استقلالی نسبی دست یافت و حرفه‌ای نیز به نام "تذهیب‌کاری" به وجود آمد که از معروفترین هنرمندان آن مولانا حسن بغدادی است. نکتهٔ دیگر در مورد تذهیب‌کاری عهد صفوی آن است که تنوع تذهیب این عصر بیش از گذشته بود. گاهی طرحها ساده و کم رنگ و گاه بارنگهایی متنوع در حاشیه می‌آمد. همچنین شیوهٔ جدیدی از تذهیب به نام " تذهیب معرق " ابداع شد که عبارت بود از بریدن یک طرح بر روی کاغذ جداگانه که آن را بر حاشیه و یا در میان سطر می‌چسباندند.

در پی رشد صنایع و فنون، جلدسازی دردورهٔ صفوی، شکلی صنعتی‌تر به خود گرفت و لذا سرعت بیشتری در تهیهٔ جلد کتاب به وجود آمد. این شکل از جلدسازی به نام "جلد لاکی" مشهور است. ضمن آنکه تهیهٔ جلدهای چرمی هم ادامه یافت اما به جای استفاده از فشار دست بر سطح چرم، از قالبهای بزرگ فولادی استفاده می‌شد. آستر کتاب را هم اکثراً طلاکاری می‌کردند. در رنگهای زمینهٔ آستر کتاب هم

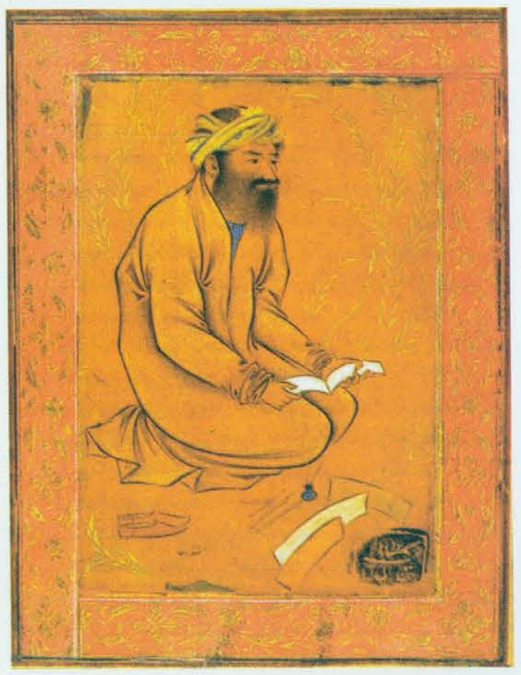

«کاتب» مشقهٔ رضا، مکتب اصفهان
حدود سال ۱۰۰۸ هـ. ق.

«جوانی در حال پوشیدن چکمه» مکتب اصفهان
رقم: رضا عباسی اوایل سدهٔ یازدهم هجری قمری

«رستم و سهراب» از شاهنامهٔ فردوسی، معین مصور
مکتب صفوی، اصفهان، سال ۱۰۵۹ هـ. ق.

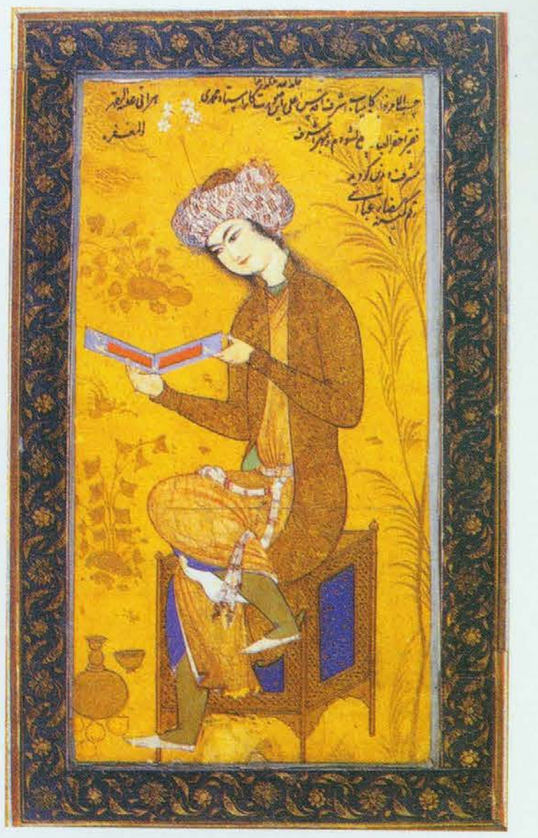

«جوان نشسته» رضا عباسی، مکتب اصفهان
حدود سال ۱۰۳۴ هـ. ق.

تنوع بیشتری به وجود آمد و از رنگهایی چون قرمز، سیاه، بنفش و سبز در آستر جلد کتاب استفاده می‌کنند.

از طلا کاری نیز در پشت جلد و گاه در آستر جلد بیشتر از گذشته استفاده می‌شد. گاهی نیز نقوش اسلیمی با شکل ترنج در پشت جلد به کار رفته است.

هنر جلدسازی در عهد صفوی، همچون دیگر هنرها استقلال نسبی، یافت و در مواردی نام طراح و جلدساز در جلدکتاب و یا صفحات آخر کتاب آمده است. لذا جلدسازی نیز حرفه‌ای هنری محسوب می‌شده و می‌شود. از جلدسازان مشهور دورهٔ صفوی باید از استاد محمّد نام برده شود. گفتنی است در عهد صفوی هر چند جلد لاکی رایج شد، ولی ارزنده‌ترین جلدها، همان جلدهای چرمی بوده است.

شیوهٔ کار جلد لاکی به این صورت بود که ابتدا بر چوبی نازک یا بر سطح مقوا و کاغذی فشرده شده، ورقه‌ای ظریف از گچ می‌کشیدند و سپس سطح گچی را با لایه‌ای از لاک می‌پوشاندند و بعد نقش مورد نظر را اکثراً با رنگ و روغن بر لاک نقاشی می‌کردند و روی آن را با لایه‌ای شفاف از روغن کمان (یا روغن جلا) می‌پوشاندند. لاکها از موم بود و با ذوب آن می‌توانستند با قطری بسیار کم آن را بر سطح گچ بکشند.

در عصر صفوی، تحولاتی قابل توجه در فن سفالگری صورت پذیرفت و اگر چه نقش سفال در عهد صفوی بیشتر متأثر از نقاشی بود اما عناصر تصویری چینی چون ابرچینی و دقّت در جزئیات طبیعی نیز در نقش سفالها دیده می‌شود. "بدل چینی" (China ware) که از عهد سلجوقی هم تا حدودی رایج بوده است، در دورهٔ صفوی به حدّ اعلای رواج خود رسید. اما نقش دیگری نیز در سفالگری دورهٔ صفوی ابداع شد که مربوط به "سفال کوباچه" ـ قصبه‌ای در داغستان قفقاز ـ است. نقش این سفالها طرحی تیره رنگ بر زمینه‌های روشن مثل آبی یا سبز می‌باشد.

در دورهٔ صفویه، همچنین ساخت "ظروف سلادن" هم مرسوم گشت. این سفالینه‌ها به دو گروه تقسیم می‌شود.

گروه نخست، تحت تأثیر هنر چین ساخته شده و گروه دیگر به ابتکار سفال‌سازان ایرانی با نقوش و تزیینات جدید رایج گشته است.

سفال سلادن دارای بدنه‌ای سخت بود و به رنگ سبز تیره و روشن ساخته می‌شد و از نظر تزیین به انواع گوناگونی چون نقش قالب‌زده و برجسته تقسیم شده است. طرحهایی چون اژدها و عنقا، ماهی، ابرهای پیچیده و گل لوتوس در ظروف سلادن صفوی دیده می‌شود. شکل ظروف نیز شبیه ظروف ساخت چین است. گروه دوم، از نظر تزیین با گروه نخست متفاوت است. رنگ آن تیره و عموماً به شکل کاسه و بشقاب بود. شهرهای کرمان، سلطانیه، بندرعباس و اصفهان، نقاطی هستند که در آنها سفالینه‌های سلادن به دست آمده است.

به هرحال سفالهای عهد صفوی در دنیا شهره هستند چرا که ظرافت ساخت آنها و زیبایی نقشهایشان با سفالها و مجسمه‌های هم عصر خود در جهان رقابت می‌کند.

در دورهٔ صفوی، افزون بر "کاشی معرق" ـ که شاهکار آن از همین دوره در مسجد شیخ لطف‌الله در اصفهان وجود دارد ـ "کاشی هفت رنگ" هم ساخته می‌شد که به‌خاطر تنوع رنگی به "هفت رنگ" مشهور است و ما بهترین و زیباترین این کاشیها را در مسجد امام در اصفهان، می‌توانیم مشاهده کنیم.

بی هیچ شک و تردید قالی‌ایران، پر رونق‌ترین عصر خود را در دوران صفوی گذرانده است و از آن دوران، شاهکارهای باارزشی ـ که هم اکنون زینت بخش گنجینه‌ها و دیگر مراکز هنری جهان است ـ به دست آمده است.

در دورهٔ صفوی، زیباترین قالیهای ایران ـ نظیر قالی معروف به "قالی اردبیل" که هم‌اینک در موزهٔ ویکتوریا و آلبرت لندن نگهداری می‌شود ـ در زمان شاه طهماسب و شاه عباس بافته می‌شد و شهرهای تبریز، همدان، کاشان، کرمان، اصفهان و هرات از مهمترین مراکز قالی‌بافی کشورمان بوده است.

اگرچه از قالیهای متعددی که از دورهٔ صفوی به جای مانده، متوجه تنوع نقوش قالیهای آن عصر می‌شویم اما به طور عمده در دوران صفوی با چهار نقش عمده که عبارت‌اند از "نقش محرابی" (سجاده‌ای)، "نقش گل و نقوش طبیعی"، "نقش لچک و ترنج" و "نقوش حیوانی" روبه‌رو هستیم.

دردورهٔ صفوی، قالی ایران به ویژه به ممالک اروپایی راه یافت و از ممالک مختلف آن قاره از جمله لهستان هم سفارشهایی را دریافت کرد که می‌دانیم از معروفترین قالیهای صادراتی، قالیهایی بود که به لهستان صادر شد و به "قالیهای پولنزی" (قالیهای لهستانی) معروف است.

شمار این نوع قالیها را که در ایران و عمدتاً در کاشان و اصفهان بافته شده است، ۳۰۰ تخته بر آورد کرده‌اند که ۸ تختهٔ آن، که مربوط به نخستین سفارش دربار لهستان است، هم اکنون در "موزهٔ رزیدنتس مونیخ" نگهداری می‌شود. ضمناً از این نوع قالیها حدود ۱۰ تختهٔ آن هم در ایران ـ در موزهٔ فرش ایران و در گنجینهٔ دوران اسلامی ـ موجود است. در دورهٔ صفوی، قالی‌بافی هنر مستقلی بود که از نفوذ هنرهای دیگر مصون ماند و برای قالی و توسط هنرمندان طراحی قالی، نقشهای تازه‌ای ابداع شد که تا پیش از آن در قالی‌بافی دیده نشده است که از آن جمله باید به نقشهای معروف به "گل شاه عباسی" اشاره نمود.

در دورهٔ صفوی از ابریشم نیز در قالی‌بافی و بافت فرش استفاده می‌شد و قالیهایی بس ظریف و زیبا که به "قالی پرده نما" مشهورند در دورهٔ مذکور بافته می‌شد.

به هرحال در پی رونق قالی‌بافی در دورهٔ صفویه، در هر یک از مناطق قالی‌بافی، قالیهایی بافته می‌شد که نقش و رنگامیزی آن به نام همان منطقه معروف بود.

دردورهٔ صفوی، هنر نساجی ایران از نظر زیبایی و تنوع در فنّ بافت و نقش به اوج ترقی و تکامل رسید. از جملهٔ آن در زمان شاه طهماسب در قزوین مکتب هنری خاصی در هنر بافندگی به وجود آمد که از ویژگیهای این مکتب نقوش ترنج و گل و گیاه و شکار بود. پس از شاه طهماسب همزمان با سلطنت شاه عباس، سبکی در بافندگی منسوجات رو به رشد نهاد که ممیزهٔ آن استفاده از نقوش گل و گلدان بود. به طور کلی هنر بافندگی عصر صفوی را به دو دورهٔ خاص می‌توان تقسیم کرد:

■ دردورهٔ نخست، سبکی توسط خواجه غیاث‌الدین علی، نوهٔ مولانا کمال، خطاط مشهور، به وجود آمد که از ویژگیهای این سبک استفاده از طرحهای کوچکی بود که در کل با هم هماهنگی داشتند. از بافندگان مشهور این دوره می‌توان از عبدالله بن غیاث، حسین بن غیاث، یحیی بن غیاث و معزالدین غیاث و آبان محمّد نام برد.

■ در دورهٔ دوم به رهبری رضا عباسی اسلوبی شکل گرفت که تحت تأثیر آن، بافنده بر نقوش و طرحی بزرگ تأکید داشت. محمّد خان، اسماعیل کاشانی و استاد معین از هنرمندان این سبک بوده‌اند.

در شهرهای تبریز، هرات، اصفهان، یزد، رشت، کاشان، کرمان، مشهد و بروجرد، کارگاههای بافندگی بسیار مهمی دایر بود که هر یک در بافت نوع و یا انواعی از پارچه معروف بودند. مثلاً در تبریز و یزد پارچه‌هایی می‌بافتند که اکثراً با تصاویر انسان تزیین می‌شد. در شهرهای یزد و کاشان انواع پارچه‌های ابریشمی و مخمل تولید می‌شد. اصفهان به بافت پارچه‌های زری و تولید پارچه‌های چاپ قلمکار اشتهار داشت و در شوشتر زیباترین حریرها را می‌بافتند.

در مجموع باید گفت همکاری نقاشان و نساجان، موجب تهیهٔ پارچه‌هایی شد که از شاهکارهای هنری دورهٔ صفوی محسوب می‌شود و انواع پارچه‌های حریر، مخمل، زری، دارایی، زری گل برجسته و ابریشم و تافته و غیره در نقاط مختلف کشورمان بافته می‌شد.

در عهد صفوی، استفاده از فولاد بیشتر مورد توجه هنرمندان قرار گرفت و طلا کوبی

بشقاب سفالین معروف به «بشقاب کوباچی»، نقاشی چند رنگ زیر لعاب شفاف، دورهٔ صفوی، قرن ۱۷ میلادی.

و طلا کاری روی فلز نیز اهمّیت بیشتری یافت. ضمن آنکه آرایش ظروف فلزی این دوران بیشتر از خوشنویسی تأثیر پذیرفت. همچنین مشبک کاری روی فلز هم در کنارخوشنویسی و طلا کاری، جلوهٔ افزونتری به آثار وساخته‌های فلزی بخشید.

در آثار فلزی دورهٔ صفوی زیبایی و ظرافت بسیار مورد توجه هنرمندان بوده است و این مهم حتی در وسایل رزمی به جای مانده از عهد صفوی مشهود است. کلاً وسایلی که در دورهٔ صفوی برای اماکن متبرکه و از فلز ساخته شده است، نسبتاً سالمتر مانده است که البته بر این وسایل، نام ائمهٔ اطهار (س) حک شده است. در دورهٔ صفوی ضمناً ساخت و قلمزنی روی مس، برنج و آلیاژهای دیگر مرسوم بوده است.

در دورهٔ صفوی، رودوزیهای سنتی نیز از اهمیّت خاصی برخوردار گشت. ضمن آنکه آثار جالبی از شیشهٔ دست‌ساز این دوره را نیز می‌توانیم در موزه‌ها و دیگر مراکز هنری مشاهده کنیم. در دورهٔ صفوی، خاتم‌سازی در شهر شیراز، موجودیت یافت و درها و صندوقچه‌های تهیه شده از خاتم، زینت بخش اماکن متبرکه و نیز برخی کاخها شد. همچنین از دورهٔ مذکور، آثار منبت کاری زیبایی برجای مانده است.

از اواخر دورهٔ صفوی، شیوهٔ دیگری از نقاشی به نام "گل و مرغ" هم موجودیت یافت که این نوع نقاشیها از هنر تزیینی غرب تأثیر پذیرفته است. اگر چه در گوشه‌هایی از نقشهای طبیعت و در نقاشیهای مکاتب شیراز و هرات، مشابه این نقشها مشاهده می‌شود ولی در نقاشیهای گل و مرغ و گل و مرغ‌سازی بیشتر از رنگهایی که منشأ غربی دارد استفاده می‌شد که تا حدودی حال و هوای غربی به این نوع نقاشی می‌بخشد و می‌دانیم نقاشی گل و مرغ را بیشتر در هنر لاکی و در آثاری چون قاب و جعبه آیینه، قلمدان و جلد کتاب می‌توانیم مشاهده کنیم.

در دوره‌های افشاریه و زندیه، شاهد رکود تدریجی صنایع‌دستی کشورمان هستیم و این ضعف و سستی در تمامی رشته‌های هنرهای صناعی به چشم می‌خورد و حتی آثار نقاشی ایرانی در دورهٔ زندیه نشانگر تکرار هنرایران دراواخر عهد صفوی و یا نقطهٔ شروعی برای تحول بعدی در نقاشی کشورمان است؛ چرا که در دورهٔ قاجار از ادامهٔ شیوهٔ غربی و مستحیل شده تأثیرات بیگانه درسنتهای ایرانی و در واقع از ترکیب این دو، شیوهٔ خاصی پدید آمد که هم گرایشهای تزیینی و هم تمایل به طبیعت‌پردازی در آن مشاهده می‌شود و می‌دانیم موضوعات نقاشیها عمدتاً شامل تصاویری از شاه، رجال و درباریان و بعضاً داستانهای ادبی و مذهبی است.

به هرحال در دورهٔ زندیه به تدریج نقاشی از طبیعت، رشد کرد و توجه به منظره‌سازی در پس زمینهٔ نقاشی (فون) مشاهده می‌شود و این مهم در نقاشیهای دورهٔ قاجار هم ادامه و استمرار یافت. در مجموع نقاشی دورهٔ زندیه و دهه‌های نخست قاجار را می‌توان تحت عنوان "مکتب زند و قاجار" دانست که نقاشانی چون محمد علی و آقا صادق از شاخص‌ترین هنرمندان آن بودند.

در دورهٔ قاجار و همزمان با از رونق افتادن مکتب زندیه و قاجار، نقاش شاخصی به نام ابوالحسن غفاری (صنیع الملک) مطرح شد که نقاشی دورهٔ قاجار را در مسیر تازه‌ای قرار داد و منشأ تأثیرات جدیدی در آن گشت.

در اواخر دورهٔ قاجار، نقاش شاخص دیگری به نام محمد غفاری (کمال الملک) مطرح شد. این هنرمند اگر چه تحت تأثیر موج جدیدی که عمویش صنیع‌الملک پدید آورده بود قرار گرفت، اما روحیه و فضای محیط خود را هرگز فراموش‌نکرد و این مهم در توجه وی به زندگی مردم و فرهنگ ایران دریافت می‌شود که در آثارش مشاهده می‌گردد. گفتنی است که کمال‌الملک ضمناً از نخستین بانیان مدرسه و موزهٔ هنری در ایران به شمار می‌آید.

نقاشی ایران پس از دورهٔ قاجاریه و در پی نفوذ روز افزون و پر دامنهٔ فرهنگ غربی، دگرگونی فراوانی یافت و گرایش هنرمندان بسیاری را به مکاتب هنری جدید غربی، موجب شد و ضمن آنکه عده‌ای از هنرمندان همان سبک و شیوه‌های سنتی نقاشی را دنبال کردند، گروهی دیگر هم با استفاده از فرهنگ اصیل گذشته و تلفیق آن با مکاتب هنری غربی آثار متعدد و قابل توجهی پدید آوردند.

در حال حاضر نیز در کشورمان هم نگارگری ـ با برداشتهای متفاوتی که هنرمندان از آن دارند و با پیوستگی یا جدایی آنان به مکتب هرات و اصول و ضوابط آن ـ هم نقاشی قهوه‌خانه‌ای و هم نقاشی به شیوه‌های مختلف غربی رایج است و بیشتر هنرمندان این رشته در شهرهای تهران و اصفهان سکونت دارند. از شاخص‌ترین هنرمندان این رشته باید از استاد محمود فرشچیان نام برد.

در زمینهٔ هنر تذهیب نیز باید گفت که این هنر پس از دورهٔ صفویه به حیات خود ادامه داد و اگر چه در دوره‌های افشاریه، زندیه و قاجار با رکودی نسبی مواجه شد اما با تأسیس مدرسهٔ صنایع قدیمه ـ در سال ۱۳۰۹ و به ریاست استاد حسین طاهرزادهٔ بهزاد ـ در رشتهٔ تذهیب نیز هنرمندانی چون یوسفی و عبدالله باقری مطرح شدند که در رشتهٔ تذهیب آثار با ارزشی از خود بر خای نهادند. این هنر در حال حاضر از رونق نسبی برخوردار است.

طبعاً با رواج چاپ ماشینی، جلدسازی هم تحت‌الشعاع رشد صنعتی کتاب قرار گرفت. در دوره‌های زندیه و قاجاریه جلدهای لاکی ـ عمدتاً با طرح گل و مرغ ـ مورد توجه قرار گرفت. ضمن آنکه انواع پشت جلدهای دیگر چون چرم، مورد توجه واقع نشد ولی تا حدودی جلدهای مخملی طلاکوبی با استقبال مواجه گشت.

به هرحال کم‌کم ارزش کتاب در روند ماشینی و انتشار وسیع آن مطرح شد و کتاب‌آرایی و هنرهای مرتبط با آن‌به خصوص تجلید رو به افول نهاد. از هنرمندان شاخص رشتهٔ تجلید طی دهه‌های اخیر باید از مرحوم استاد عتیقی یاد کرد.

سفالگری پس از دورهٔ صفویه به زوال گرایید و از تعداد دست‌اندرکاران و از تعداد کارگاههای آن کاسته شد تا متعاقب آن نقش سفال در زندگی روزمره نیز کم رنگ گشت. اگر چه ظرف دهه‌های اخیر و به ویژه بیست سالهٔ اخیر سفال‌سازی مورد توجه قشر جوان و تحصیل کرده واقع شد و افزون بر کارگاه سفال سازمان میراث فرهنگی کشور که فعالیت چشمگیری در تولید آثار ممتاز سفال دارد، تولید سفال در مراکز سنتی این "هنر ـ صنعت" چون لاله جین همدان، مِند گناباد، میبد یزد، زنوز، تبریز، شهرضا، اصفهان، سمنان، شاهرود و تهران و غیره از رونق برخوردار است.

باری، هم اکنون سفالینه‌های هنری با طرحها و نقشهای جالب، تولید و عرضه می‌شود که برگزاری نمایشگاههای اختصاصی سفال و سرامیک چون "نمایشگاه آثار دو سالانهٔ سفال‌سازان" و "نمایشگاه تخصصی شیشه، سرامیک و سنگ" و مانند آنها نشانگر رونق این رشتهٔ هنری است. گو اینکه سفال‌سازی در حال حاضر از جایگاه رفیع روزگاران نه چندان دیر و دور گذشتهٔ خود در زندگی مردم کشورمان فاصلهٔ زیادی دارد.

در دوره‌های زندیه و قاجاریه، شاهد تأثیر قابل توجه هنر غرب از طریق نقش و رنگ در کاشی‌سازی کشورمان هستیم. از جمله آنکه نقشهایی به نام "گل لندنی" به کاشی ایران راه یافت و رنگهای جدیدی نیز به کار گرفته شد که تا پیش از آن رایج نبوده است. کاشیهای موجود در عمارت کلاه‌فرنگی شیراز ـ که هم‌اینک در موزهٔ پارس نگهداری می‌شود ـ و نیز کاشی‌کاریهای مسجد وکیل شیراز، که نقوش آن بیشتر متأثر از طبیعت است، مؤید این نکته است. گفتنی است که اگرچه کاشی‌کاری عهد زندیه متأثر از کاشی‌کاری دورهٔ صفوی است اما غنا و زیبایی آن را ندارد.

در دورهٔ قاجاریه تحولی نسبی از لحاظ رنگامیزی و موضوع در کاشی‌کاری پدید آمد و در اکثر کاشی‌کاریهای این دوران، که با به کارگیری رنگ قرمز همراه است، شاهد موضوعات تاریخی و یا زندگی روزمرهٔ درباریان هستیم.

به هرحال، کاشی‌کاری به عنوان یکی از هنرهای مرتبط با هنرهای سنتی و معماری ایران، علی‌رغم فراز و فرودهایی که داشته است، از رونق شایسته‌ای برخوردار است و

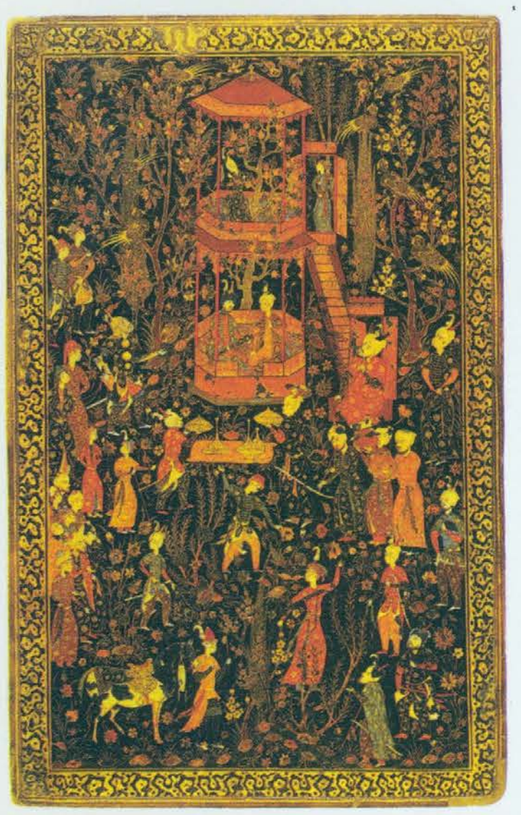

جلد چرمی، مکتب صفوی، شیوهٔ لاکی روی چرم، تبریز، حدود سال ۹۴۸هـ. ق.

«گل و مرغ» مکتب قاجار، اواسط سدهٔ سیزدهم هجری قمری

یک نمونه از کارهای استاد رسام عرب زاده
عنوان طرح: دنیای کوچک ... دیوانگان بزرگ ...

افزون بر شهر اصفهان و شهرهای شیراز و تهران، در کنار اغلب اماکن متبرکه و ساختمانهای تاریخی، کارگاههای کاشی‌سازی وجود دارد که از مهمترین آنها می‌توان به واحدهای کاشی‌سازی در آستان قدس رضوی اشاره نمود. گفتنی است که امروزه بیشتر کاشیهای هفت رنگ و معرق و معقلی تولید می‌شود که زینت بخش اماکن متبرکه و نیز ساختمانهای قدیمی و یا ساختمانهای در حال مرمت و بازسازی مربوط به دورانهای پیش است.

هر چند که قالی‌بافی ایران پس از دوران اوج و شکوه و اقتداری که در عصر صفویه داشته است، در دوره‌های بعد رونق کمتری داشته اما از دورهٔ قاجار و در پی صادرات آن به اروپا و دیگر نقاط جهان، خود را به عنوان مهمترین محصول صادراتی غیر نفتی به ثبت رسانده است. اگر چه در این رهگذر و در پی فعالیت گستردهٔ شرکتهای خارجی برای تولید بیشتر و کم توجهی به تولید قالی در هر منطقه، با توجه به ویژگیهای شناخته شدهٔ آن از لحاظ نقش و رنگ، لطماتی هم وارد شده است. همچنین به واسطهٔ جایگزینی تدریجی رنگهای شیمیایی به جای رنگهای طبیعی، قالی ایران یکی از ممیزه‌های خود را به تدریج از دست می‌دهد.

به هرحال، با توجه به ذوق و قریحهٔ سرشار هنرمندان ایرانی در زمینهٔ قالی بافی، این "هنر ـ صنعت" همچنان به رونق و سر زندگی خود ادامه داده و بافت قالیهای بزرگ پارچه ـ حتی بیش از ۱،۰۰۰ متر مربع ـ تولید قالیچه‌های نفیس با رج شمارهای استثنایی ـ حتی بیش از ۱۶۰ رج ـ و تولید و عرضهٔ قالیچه‌ها و قالیهای تصویری و نیز طراحی و تولید قالی و قالیچه‌هایی با ابعاد مختلف و در اشکال گوناگون چون چند ضلعی، بیضی، دایره‌ای و نیز قالیچه‌های کوچک حجمی همه و همه مؤید استعداد ایرانیان در زمینهٔ تولید قالی است.

در دوران معاصر قالی ایران از فن شناسان و هنرمندان طراح و متخصصی چون کهنمویی، عمواغلی، ارجمند، استاد عیسی بهادری، استاد عبدالله باقری، استاد رسام عرب زاده و امثال آنان که هر کدام به سهم خود تلاشهای ارزنده‌ای در زمینهٔ طراحی و بافت قالی داشته‌اند، برخوردار بوده است.

مهمترین مراکز ومناطق قالی‌بافی ایران عبارت‌اند از: آذربایجان، اصفهان، کاشان، جنوب خراسان، مشهد، کردستان، ترکمن، اراک، کرمان، چهار محال و بختیاری، فارس، قم ، نائین و تهران.

پس از دوران صفویه، شاهد زوال تدریجی نساجی سنتی ایران و به‌ویژه کاهش تدریجی تولید پارچه‌های نفیس دستباف نظیر ترمه، زری، مخمل و دارایی هستیم. به‌طوری که درحال حاضر تنها چند دستگاه به تولید پارچه‌های زری در سازمان میراث فرهنگی در شهرهای تهران و کاشان و در هنرستان هنرهای زیبای اصفهان می‌پردازد. در زمینهٔ بافت مخمل فقط یک دستگاه در مرکز آموزش هنرهای سنتی میراث فرهنگی کاشان وجود دارد و دستگاههای معدودی به تولید پارچهٔ ترمه در شهرهای یزد و کرمان و نیز به تولید پارچهٔ دارایی در شهر یزد مشغول است. با این حال تولید سایر پارچه‌های دستباف نظیر حمام سری "جاجیمچه"، جاجیم، ملحفه، شمد، چادر شب و غیره در مناطق روستایی و شهری کشورمان مرسوم و متداول است.

بافت انواع گلیمهای دستباف شامل گلیمهای دورو، گلیمهای سوماک و گلیمهای یک رو ولی غیر سوماک در مناطق مختلف کشورمان به ویژه در استانهای فارس، اردبیل، آذربایجان شرقی، کردستان و کرمانشاه از رونق خوبی برخوردار است و طی دو دههٔ اخیر بر میزان تولید ونیز کیفیت آنها افزوده شده و در زندگی شهری نیز کاربردهای جدیدی یافته است. فلزکاری نیز علی‌رغم فراز و فرودهایی که داشته است کماکان به حیات خود ادامه می‌دهد.

ساخت و قلمزنی روی فلز در شهرهایی چون اصفهان، شیراز، تبریز و تهران، ملیله‌سازی در زنجان، اصفهان و تهران، میناکاری و طلاکوبی روی فولاد در اصفهان، و ساخت زیور آلات سنتی در گنبد و سنندج و برخی دیگر از نقاط کشورمان، و نیز هنرهایی چون فیروزه‌کوبی و علامت‌سازی در اصفهان و تهران، و فعالیتهایی که کم و بیش در زمینهٔ ضریح‌سازی و قفل‌سازی صورت می‌گیرد، همه و همه نشانه‌هایی از رونق نسبی فلزکاری در کشورمان است و هنرمندانی چون استاد محمود دهنوی، استاد حسین علاقمندان و استاد ساعی و استاد راعی و امثال آنان آثاری با ارزش و با طرحهای جالب و گاه استثنایی پدید آورده‌اند. گفتنی است که ساخت محصولات مسی به دلیل عدم استفاده از آن در زندگی روزمره به شدت کاهش یافته و همچنین برخی از محصولات فلزی جنبه‌های مصرفی خود را از دست داده است.

اگر چه شیشه‌گری و تولید شیشه‌های دست‌ساز پس از دوران صفویه، رو به تنزل نهاد اما ظرف ۲۰ سالهٔ اخیر شاهد رونق نسبی این "هنر ـ صنعت" در شهر تهران ـ به عنوان مهمترین مرکز تولید انواع شیشه دست ساز ـ هستیم. هنرهای مرتبط با چوب نظیر منبت، معرق، خاتم و نازک‌کاری چوب پس از تأسیس مدرسهٔ صنایع قدیمه در سال ۱۳۰۹ هـ. ش. مورد توجه بیشتری قرار گرفت. خاتم‌کاریهای زیبا در تالار خاتم کاخ مرمر و تالار خاتم مجلس شورای ملی (سابق) و نیز تولید چند نمونه میز خاتم توسط خاتم‌کاران هنرمند شیرازی و اصفهانی، آثار منبت و معرق تولید شده توسط منبت‌کاران و معرق‌کاران هنرمندی نظیر امامی، ویزایی، گودرزی، زابلی و غیره در مدرسهٔ صنایع قدیمه، سازمان میراث فرهنگی کشور و نیز در شهرهای آباده و گلپایگان و تهران، محصولات نازک‌کاری چوب ممتاز و هنرمندانهٔ ارایه شده توسط هنرمندانی چون عبدالمجید نعمتیان و علی‌اکبر بهزادیان ازاستان کردستان و سازهای سنتی ساخته شده توسط استاد قنبری در کارگاه سازسازی سازمان میراث فرهنگی کشور و سرانجام صنایع‌دستی مختلف و متنوع چوبی موجود در نمایشگاه آثار موزه‌ای سازمان صنایع دستی ایران در تهران نشانگر ذوق سرشار و هنر صنعت‌گران ایرانی در رشته‌های گوناگون مرتبط با صنایع و هنرهای چوبی کشورمان است.

سرانجام آنکه باید به رودوزیهای متنوع و نفیس ایرانی چون سوزن‌دوزی بلوچ، پته‌دوزی کرمان، قلاب‌دوزی رشت و سوزن‌دوزی و ملیله دوزی اصفهان و نیز آثار جالب چاپ قلمکار اصفهان و چاپ کلاقه‌ای آذربایجان هم اشاره‌ای داشته باشیم که علی‌رغم فراز و نشیبهای فراوان هم اکنون روزگار پررونقی را سپری می‌کنند. به هرحال، هم اکنون قریب به ۱۵۰ رشته صنایع دستی در کشورمان وجود دارد.

صنایع دستی وجایگاه آن در برنامه‌های توسعه

فصل دوم:

اهمیت اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی صنایع دستی و جایگاه آن در برنامه‌های توسعه

طبقه‌بندی رشته‌های صنایع دستی ایران

آشنایی با تشکیلات و سازمانهای دست‌اندرکار صنایع دستی ایران

صنایع دستی وجایگاه آن در برنامه‌های توسعه

طرح بقا

«طرح بهسازی و بهداشتی کردن کارگاههای قالی‌بافی روستایی»

طرح بقا از سال ۱۳۷۴ بعد از شناسایی نیاز قالی‌بافان به محیط کار سالم و خدمات بهداشتی اولیه و نیز تأثیر بسزای کارگاههای قالی‌بافی بر سلامت قالی‌باف و بافته‌ها به‌طور همزمان در پنج شهر کشور اجرا شد.

پیرو بررسیها و ارزشیابیهای انجام شده در این پنج شهر و اطلاعات به دست آمده، طرح بقا از سال ۱۳۷۵ به صورت ملی و در سطح کشور به مورد اجرا گذاشته شد.

با توجه به اجرای مداوم و پیوستهٔ طرح در این چند سال و نیز درگیر بودن اکثر شهرهای کشور با این طرح، اطلاعات قابل توجهی در این خصوص به‌دست آمده که به صورت جامع در گزارشهای سالیانه، به صورت مختصر در عملکردهای چندساله آورده شده است.

در اینجا نیز سعی می‌شود اشاره‌ای کوتاه به این سابقه داشته باشیم.

عملکرد چندساله نشان می‌دهد که جهت حرکت طرح، همسو با نیاز جمعیت هدف (قالی‌بافان روستایی) و نیز اهداف تعریف شده برای آن بوده است و اگر در برهه‌ای از زمان و یا در مکانهایی خاص در اجرای طرح توقفی مشاهده شده ناشی از مشکلاتی بوده است که به طور مفصل از سال ۷۵ تا ۷۸ در گزارشها بیان شده‌اند ولی در اشاره‌ای مختصر به آنها می‌توان از موارد ذیل به عنوان اهم مشکلات در این چندسال یاد کرد.

● فقدان بیمهٔ درمانی برای روستاییان و هزینهٔ سنگین درمان بیماریهای خاص شغلی آنان.

اهمیت اقتصادی ، اجتماعی وفرهنگی صنایع دستی وجایگاه آن در برنامه‌های توسعه

تحوّلات اقتصادی و اجتماعی دوران پس از جنگ جهانی دوم، از جمله رشد فزایندهٔ جمعیت، سیاست تأمین اشتغال کامل به وسیلهٔ دولتها، به ویژه رقابت در زمینهٔ توسعهٔ اقتصادی و افزایش درآمد سرانه در کشورهای در حال توسعه مسائل گوناگونی را مطرح و اتخاذ تدابیری فوری را اجتناب ناپذیر می‌ساخت. یکی از راه‌حلها و شاید ظاهراً ساده‌ترین آنها، الگوپذیری از کشورهای پیشرفته و صنعتی کردن ممالک در حال توسعه بود. از این رو کلیهٔ منابع انسانی در این راه بسیج و تمامی تمهیدات به کار گرفته شد، ولی نتایج حاصله، جز در پاره‌ای موارد، چندان موفّقیّت‌آمیز نبود، زیرا اجرای طرحهای عظیم صنعتی به موازات مزایایی که داشته و دارد، نمی‌توانست مشکل اساسی کشورهای در حال توسعه را، که ایجاد کار و اشتغال دائم برای توده‌های وسیع انسانی است، به طور کامل حل کند: زیرا اولاً اجرای طرحهای بزرگ صنعتی نیاز به سرمایه‌گذاریهای کلان دارد که با استفاده از ماشین‌آلات سنگین و متخصصان خارجی امکان پذیر است، ثانیاً، ماشین‌آلات جدید اغلب با استفاده از اتوماسیون کامل و با معدودی کارگر فنی اداره می‌شود و نقش فعالی در ایجاد کار و بالابردن سطح اشتغال ندارد.

باید توجه داشت که کشورهای در حال توسعه معمولاً دارای بافت اقتصادی خاص خود هستند، زیرا بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروی انسانی آنها در خدمت کشاورزی و دامپروری است و فعالیتهای صنعتی نیز با بازدهی ناچیز به طور عمده در قلمرو صنایع مونتاژ محدود می‌شود واین خصوصیات همراه با ویژگیهای دیگر مانند درصد رشد فوق‌العادهٔ جمعیت، پایین بودن میزان برداشت محصول در واحد سطح و نداشتن بسیاری از امکانات زیر بنایی، موجب شده است که این‌گونه ممالک نتوانند با اقتباس از الگوهای توسعهٔ اقتصادی ممالک پیشرفته به موفقیت قابل ملاحظه‌ای دست یابند.

عنایت به این واقعیت، و نیز اینکه ممالک در حال توسعه به خوبی احساس کرده‌اند که روز به روز فاصلهٔ آنها با کشورهای پیشرفته افزوده می‌شود، کوشش کرده‌اندکه از امکانات بالقوهٔ موجود خود برای پر کردن لااقل بخشی از این فاصله استفاده کنند و لذا برخی از این‌گونه کشورها نظیر چین، هند، پاکستان، مکزیک و ایران، که دارای صنایع دستی پر پیشینه و با پشتوانه‌ای هستند، آن را به عنوان یک رشتهٔ مکمل در اقتصاد خود مورد حمایت و تقویت قرار دادند و از این رهگذر به نتایج مطلوب یا لااقل قابل قبولی دست یافته‌اند.

صنایع دستی دارای اثرات قابل ملاحظه‌ای در بر طرف کردن و یا تخفیف و تعدیل مسائل اجتماعی و توسعهٔ اقتصادی است، ضمن آنکه نقش فرهنگی صنایع دستی نیز حائز اهمیت فراوان است که ذیلاً به نکات مهمی از آن پرداخته می‌شود.

بدون تردید یکی از دلایل مهم در توجیه جنبه‌های مثبت صنایع دستی مربوط به اثرات آن در مبارزه با انواع بیکاری ـ به عنوان یکی از مسائل پیچیده و بغرنج کشورهای رو به رشد از جمله ایران ـ است. بیکاری انواع مختلفی دارد که افزون بر بیکاری آشکار باید از بیکاری پنهان و بیکاری فصلی نام برد. بیکاری پنهان و بیکاری فصلی بیشتر در ممالکی که دارای اقتصاد مبتنی بر کشاورزی هستند به چشم می‌خورد و بدیهی است که اگر در کوتاه مدت برای این معضل چاره‌ای اساسی اندیشیده نشود به ناچار نیروی کار به مهاجرت دست خواهند زد و مهاجرت بی رویه به شهرها، خود به وجود آورندهٔ بسیاری از مشکلات فعلی کشورهای جهان سوم از جمله کشورمان است. زیرا نیروی مهاجرت‌کننده به شهرها اغلب، به علت فقدان امکانات کافی برای جذب آنان در بخشهای مولّد به‌کارهای کاذب می‌پردازند و مشکلات موجود در زمینه‌های بهداشت، مسکن، آموزش و مانند آن را شدت می‌بخشند. خوشبختانه امروزه با امکانات گسترده‌ای که در زمینهٔ فروش داخلی و صدور صنایع دستی به کشورهای خارجی وجود دارد، می‌توان برای این نیروی زاید در بخش کشاورزی، شغل و درآمد ایجاد کرد و از مهاجرت بی رویهٔ آنان به شهرها جلوگیری نمود.حتی اگر بخش کشاورزی دارای نیروی انسانی زاید نباشد، باز به علت خصوصیات بارز فعالیت کشاورزی که فصلی بودن آن است، کشاورز در مدتی از سال ـ حدود ۶ ماه ـ بیکار و غیر مولّد است که با ماشینی شدن کشاورزی این زمان افزایش می‌یابد و گاه به ۸ ماه نیز می‌رسد و مسلم است که برای ماههای بیکاری کشاورزان و خانوادهٔ آنان باید فکر اساسی شود، زیرا در غیر این صورت با توجه به بیکاری آنان از یک طرف، و ناکافی بودن درآمد حاصل از کشاورزی برای ادارهٔ خانوادهٔ پرجمعیت روستایی از سوی دیگر، روستاییان چاره‌ای جز مهاجرت به شهرها نخواهند داشت.

امروزه به تجربه ثابت شده است که ایجاد امکانات رفاهی نظیر آب، برق، جاده، و برخی از تسهیلات آموزشی و بهداشتی، به تنهایی، برای ماندن جمعیت در روستاها کافی نیست؛ بلکه عامل مهم و اساسی ایجاد شغل و درآمد برای ماههای بیکاری و فراغت روستاییان است؛ و صنایع دستی با قابلیتها و خصوصیات ویژهٔ خود از جمله عدم نیاز به سرمایه‌گذاری زیاد، پایین بودن سرانهٔ اشتغال، و امکان ایجاد و توسعهٔ آن در مناطق روستایی از جمله در داخل محل سکونت روستاییان، می‌تواند چنین نقش مهمی را به نحو مطلوب ایفا کند. چنان‌که در حال حاضر نیز در تعداد زیادی از روستاها، کشاورزان وخانواده‌شان با پرداختن به صنایع دستی و تولید محصولاتی نظیر قالی، گلیم، پارچه‌های دستباف، سفال، و غیره به درآمد جنبی قابل توجهی دست یافته‌اند و همین امر عامل مهمی در جلوگیری از مهاجرت آنان به شهرها بوده است. علاوه بر آن در برخی مناطق ـ نظیر مناطق کویری ـ به علت فقدان امکانات کشاورزی و یا فعالیتهای صنعتی به صورت

کارگاههای قالی‌بافی تحت پوشش طرح بقا (۱۳۷۸)

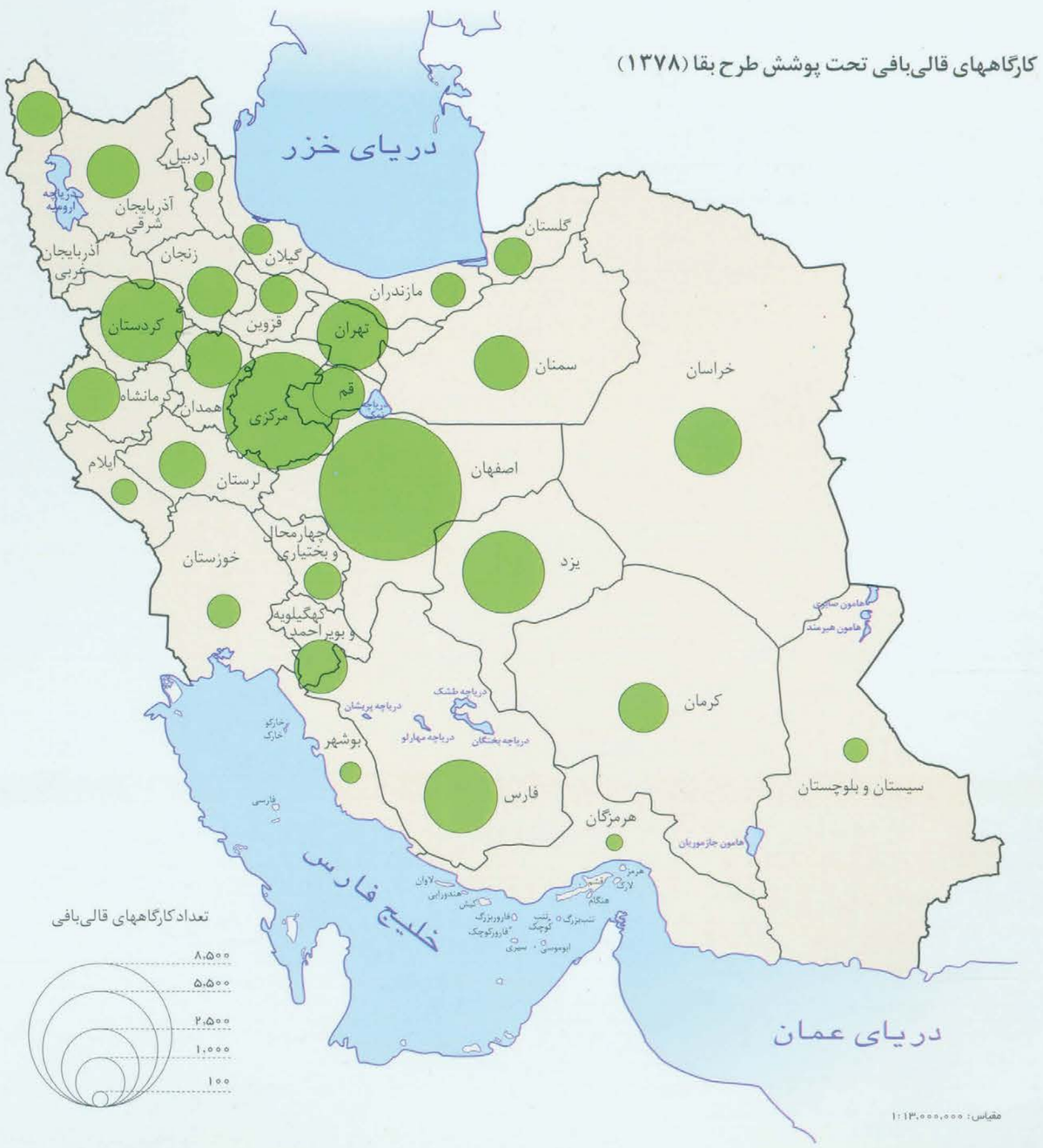

جدید، صنایع‌دستی می‌تواند مهمترین منبع کار و اشتغال باشد.

امروزه در بین کشورهای مختلف تلاش برای ازدیاد درآمد سرانه به صورت رقابتی پایان ناپذیر درآمده است و چنین به نظر می‌رسد که اگر کشورهای جهان سوم حتی بتوانند فاصله و شکاف کنونی را که بین آنها و ممالک پیشرفته صنعتی وجود دارد، حفظ کنند، در برنامه‌های خود توفیق حاصل کرده‌اند. از این‌رو تردیدی نیست هر عاملی که منجر به کمک به افزایش درآمد سرانهٔ کشورهای درحال توسعه شود، درخور اهمیّت است و صنایع دستی به علت داشتن مزایایی نظیرکار طلب بودن آن، سادگی فنّ و عدم احتیاج به آموزش فنی وسیع و تأثیر چشمگیر آن درافزایش سطح اشتغال و امثال آن بیش از هر فعالیت اقتصادی دیگر زمینه برای توسعه و پیشرفت دارد. به خصوص در مناطق روستایی و عشایری صنایع دستی می‌تواند به عنوان دومین منبع درآمد و در پاره‌ای از مناطق کشور حتی به عنوان مهمترین عامل کار و درآمد به حساب آید.

یکی از مهمترین معیارهای توسعهٔ اقتصادی، میزان "تولید ناخالص ملی" (G.N.P.) است و از آنجا که صنایع دستی اساساً متکی به منابع داخلی می‌باشد و به طور معمول بیش از ۹۰ درصد ارزش داده‌ها در این رشته ـ که به طور عمده شامل نیروی کار، مواد اولیهٔ مصرفی و وسایل و ابزارکار است ـ در داخل کشور قابل فراهم شدن است، طبعاً هرگونه افزایش درمیزان تولید و فروش فرآورده‌های دستی اثر مستقیمی در ازدیاد "تولید ناخالص ملی" و به تبع آن درآمد سرانه دارد. بر این اساس، امروزه برخی از ممالک درحال توسعه که در حقیقت صاحبان اصلی صنایع دستی هستند، به جای مواد خام نظیر پنبه، پشم، کنف، پوست، چوب، ابریشم و غیره تلاش دارند که این‌گونه مواد را به انواعی از صنایع دستی که تجربه و تبحر ساخت و پرداخت آن را دارند تبدیل کنند و فرآورده‌های تولید شدهٔ خود را که دارای ارزش افزودهٔ فوق‌العاده‌ای است، به ممالک دیگر و به ویژه کشورهای پیشرفته صادر نمایند. متأسفانه به علت فقدان آمار و اطلاعات دقیق از میزان تولید سالانهٔ محصولات دستی در کشورهای روبه رشد، که تا حدّ زیادی از اهمیت عامل "خود مصرفی" این فرآورده‌ها در مناطق روستایی و عشایری و عدم عرضهٔ آن در بازار است، تعیین سهم واقعی صنایع دستی درمجموع تولیدات ناخالص ملّی کشورهای مختلف جهان امکان پذیر نیست، ولی به برخی از برآوردها و تخمینها در این مورد می‌توان اشاره کرد. از جمله آنکه سهم صنایع دستی درتولید ناخالص ملّی هند حدود ۱۴/۶ درصد بوده و در بسیاری از کشورهای رو به رشد و مطرح در صنایع دستی این سهم بین ۸ تا ۱۰ درصد برآورد شده است، ولی متأسفانه سهم صنایع دستی در تولید ناخالص ملی ایران ۲/۶ درصد است. ضمن آنکه کارشناسان و صاحب‌نظران صنایع دستی کشور بر این عقیده هستند که این سهم در صورت تهیه و اجرای طرح ساماندهی صنایع دستی می‌تواند به حداقل ۵ درصد افزایش یابد.

صنایع دستی، تبلور عینی فرهنگ و از جمله مظاهر هنری آن هم از نوع هنر کاربردی و مردمی به حساب می‌آید و از آنجا که هر فرآوردهٔ دستی، بازگوکنندهٔ خصوصیات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی کشور محل تولید خود می‌باشد، می‌تواند هم عامل مهمی در شناساندن فرهنگ و تمدن محسوب شود و هم آنکه موجبی برای جلب و جذب توریست و جهانگردان خارجی قلمداد گردد.

امروزه دیگر تنها آثار تاریخی وسیلهٔ جذب گردشگر به ممالک در حال توسعه که اکثراً دارای تمدنی کهن هستند، به شمار نمی‌آید بلکه همراه آن، فرآورده‌های دستی با طرحها و اصالتهای ویژهٔ خود مطرح می‌باشد و می‌تواند مکمل دیدنیهای تاریخی هر کشور باشد، تا آنجا که در برخی از ممالک که مهد صنایع دستی هستند، درکنار مراکز تولید عمدهٔ محصولات صنایع دستی، امکانات توریستی فراهم کرده‌اند تا گردشگران ضمن اقامت در این‌گونه مراکز از نزدیک با چگونگی تولید مصنوعات دستی آشنا شوند. باید توجه داشت که انواع صنایع‌دستی تولیدی در هر کشور به‌خاطر طرحها و نقوش، رنگ و

قالی‌بافان تحت پوشش طرح بقا (۱۳۷۸)

رنگامیز و دیگر خصوصیات و ویژگیهایی که دارد، می‌تواند به عنوان بهترین سوغات و ره‌آورد سفر محسوب شود و بسیاری از گردشگران علاقه‌مند هستند تا آثار مختلف صنایع دستی مکانهای مورد بازدید خود را ـ که در واقع "تولیدات فرهنگی" آن محل و کشور ذیربط به حساب می‌آید ـ خریداری کنند و به عنوان ارمغان سفر با خود به کشورشان به همراه ببرند. لذا صنایع دستی و صنعت گردشگری بر یکدیگر اثر متقابل دارند و می‌توانند موجبات رشد و توسعهٔ یکدیگر را فراهم سازند.

از جملهٔ مشخصات کشورهای در حال توسعه، اقتصاد تک محصولی و اتکا به یک یا ندرتاً چند قلم معدود کالای صادراتی است. ضمن آنکه اغلب این‌گونه ممالک صادرکنندهٔ مواد خام نظیر نفت، پنبه، قهوه، مس، کنف، و نظایر آن هستند. متأسفانه تجربیات حاصله از بازرگانی بین‌المللی نشان داده، با مختصر کاهش در بهای جهانی این مواد، به یکباره تراز پرداختهای ممالک صادر کنندهٔ این‌گونه مواد دچار عدم موازنه می‌شود. نوسان قیمت نفت در بازارهای بین‌المللی ظرف سالهای اخیر بهترین و گویاترین مورد درخصوص کشورهای نفت‌خیز متکی به "اقتصاد تک پایه" است، که گاه حیات اقتصادی آنها را تهدید به نابودی می‌کند.

از طرفی بنیان اقتصادی ممالک در حال توسعه به گونه‌ای است که برای اجرای برنامه‌های توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی وحتی درمواردی برای تأمین حداقل نیازهای خود به ارز احتیاج دارند، که این امر درگرو امکان صدور مواد و محصولاتشان به خارج است. لذا توسعهٔ صادرات اعم از صدور برخی مواد خام ـ البته بیشتر از حدّ نیاز در داخل کشور ـ کالاهای نیمه ساخته و ساخته شده و صنایع دستی و درنتیجه ایجاد درآمدهای ارزی، ازشرایط اساسی توسعهٔ متوازن اقتصادی است.

در سالهای اخیر صدور محصولات دستی نه تنها توسط کشورهای جهان سوم، بلکه

- **عدم هماهنگی لازم بانکها با مجریان طرح و نیز افراد متقاضی تسهیلات ویژهٔ طرح.**
- **عدم هماهنگی بخشهای جهاد و بهداشت در بعضی از استانها.**
- **نبودن اعتبارات جهت هزینه‌های جاری طرح و عدم‌وجود نیروی کافی برای اجرای طرح.**
- **ابلاغ دیرهنگام اعتبارات و نامساعد بودن فصل برای بهسازی و محدودیت زمانی جذب اعتبارات.**
- **عدم وجود جزوه‌ای مشترک و یکسان جهت آموزش بهورزان در سطح ملی.**

در مقابل مشکلات موجود، نقاط قوت اجرای طرح و موارد موفقیت‌آن را می توان چنین بیان کرد:

- **ابراز رضایت قالیبافان از توجه مسئولین بهداشت و جهاد و نهایتاً دولت به وضعیت کار و سلامتی ایشان.**
- **رضایت قالی‌بافان کارگاههای بهسازی شده از بهبود کار خود.**
- **مشارکت قالی‌بافان در امر بهسازی.**
- **تفاوت سطح آگاهیهای بهداشتی قالی‌بافان کارگاههای تحت پوشش نسبت به سایرین.**
- **تمایل سایر قالی‌بافان به بهره مندی از خدمات طرح بقا.**
- **علاقه‌مندی کارشناسان مجری طرح (جهاد و بهداشت) به همکاری و مشارکت در خصوص اجرای طرح.**
- **پیشگیری از بیماریهای رایج شغل قالی‌بافی در بین قالی‌بافان (باتوجه به شواهد موجود).**
- **علاقه‌مندی و توجه مسئولین بلندپایه نسبت به طرح بقا و روند اجرایی آن.**
- **ایجاد زمینهٔ مناسب برای برخورداری هرچه بیشتر از تسهیلات ویژهٔ اعتباری.**

صنایع دستی وجایگاه آن در برنامه‌های توسعه

عملکرد طرح بقا (قالی‌بافان تحت پوشش)
مجموع سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸

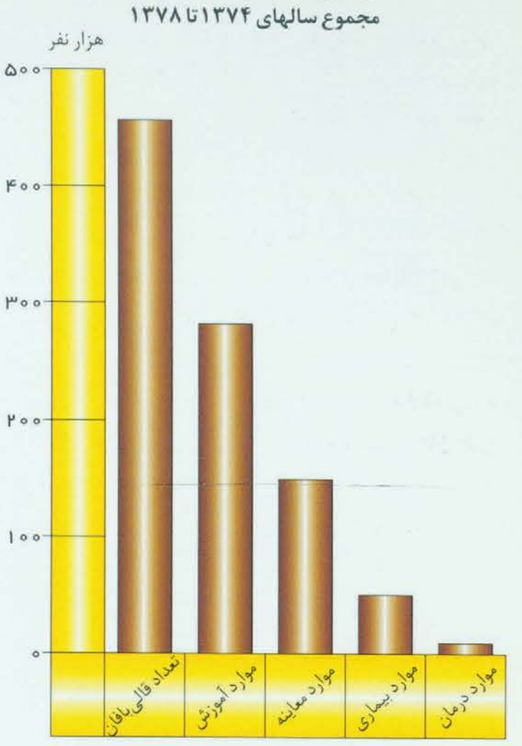

تحلیل آماری

طی سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ در مجموع در ۲۴۴ شهر از ۲۸ استان کشور طرح بقا به مورد اجرا گذاشته شد، که نتایج آماری و دستاوردهای آن به شرح ذیل است:

وضعیت بهداشتی قالی‌بافان

تعداد ۴۵۶,۱۲۴ قالی‌باف تحت پوشش طرح قرار گرفته و از مزایای آن بهره‌مند شدند و تعداد ۳۰۲,۷۳۹ مورد آموزش بهداشت حرفه‌ای انجام گرفت (نزدیک به ۶۷ درصد جمعیت تحت پوشش از آموزش بهداشت حرفه‌ای بهره‌مند شدند) که این آموزش بیشتر از طریق بهورزان روستا ـ که خود قبلاً آموزشی در جهت طرح بقا گذرانیده اند ـ و به دو شکل فردی و گروهی ارایه گردیده است.

باتوجه به تعداد معاینات انجام شده برروی قالی‌بافان نسبت به کل جمعیت تحت پوشش مشاهده می‌شود که نزدیک به ۳۳ درصد از قالی‌بافان معاینات اولیه و یا دوره‌ای را انجام داده و ۳۴ درصد قالی‌بافان معاینه شده، به بیماریها و ناراحتیهای شغلی مبتلا بوده‌اند و تنها ۱۹ درصد از بیماران توانسته‌اند مراحل درمانی را تا انتها طی نمایند.

ناراحتیهای بینایی، اسکلتی، عصبی، تنفسی و پوستی بالاترین موارد بیماری مشاهده شده در قالی‌بافان بوده است که در بین آنها نارساییهای بینایی شدت بیشتری داشته است.

عملکرد طرح بقا (کارگاههای تحت پوشش)
مجموع سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸

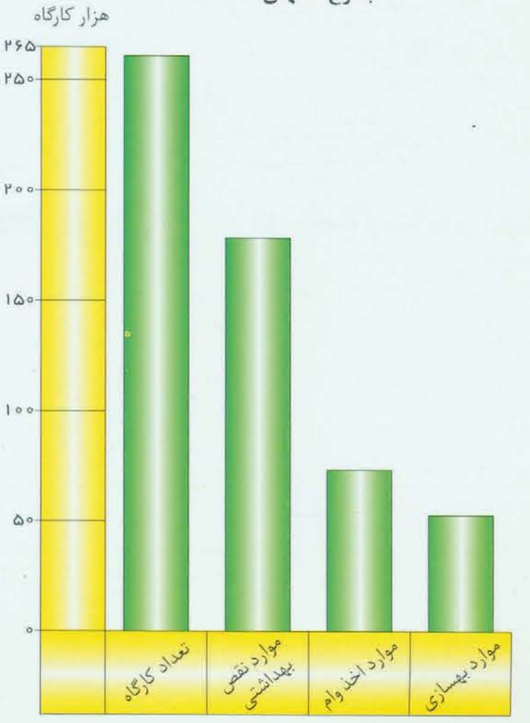

به وسیلهٔ برخی از ممالک پیشرفته نیز مورد توجه خاص قرار گرفته و به ویژه کشورهای مهد صنایع دستی می‌کوشند تا با اتخاذ تدابیر حمایتی و سیاستهای تشویقی موجبات رشد و توسعهٔ صادرات صنایع دستی را که یکی ازاقلام مهم صادراتی آنهاست، فراهم کنند. موفقیتهای حاصله در زمینهٔ صدور گستردهٔ محصولات دستی ناشی از عوامل زیر است:

- عدم مشابهت و فقدان جنبهٔ رقابتی فراورده‌های دست‌ساز با تولیدات صنعتی کشورهای پیشرفته. دراین خصوص باید گفت که برخلاف کالاهای صنعتی، کشورهای پیشرفته به عنوان تقاضا کننده مطرح‌اند و ممالک درحال توسعه حکم عرضه کننده را دارند.
- ارزانی نسبی قیمت صنایع دستی به علت پایین بودن سطح دستمزدها درممالک درحال توسعه.
- بالا بودن قدرت خرید، و "تمایل نهایی به مصرف" مردم درکشورهای پیشرفته وعلاقهٔ آنان به خرید و استفاده از فراورده‌های هنری ـ مصرفی.
- رعایت برخی ملاحظات اجتماعی و سیاسی از طرف کشورهای پیشرفته که موجب تعیین سهمیه و معافیتهای گمرکی برای فراورده‌های دستی صادراتی کشورهای جهان سوم شده است.

در حال حاضر حجم تجارت جهانی صنایع دستی حدود ۱۴/۵ میلیارد دلار در سال ـ شامل فرش ودیگر اقلام صنایع دستی ـ است که از این مبلغ، حدود ۴ تا ۴/۵ میلیارد دلار آن به فرش و مابقی یعنی حدود ۱۰ تا ۱۰/۵ میلیارد دلار دیگر به سایر اقلام صنایع دستی مربوط می‌شود. گفتنی است که کشور چین با حدود ۵ میلیارد دلار صادرات سالانهٔ صنایع دستی در رأس همهٔ ممالک قرار دارد و سهم جمهوری اسلامی ایران از تجارت جهانی صنایع دستی ظرف سالهای اخیر حدود ۶۰۰ تا ۶۵۰ میلیون دلار در سال برآورد شده است. کارشناسان براین عقیده هستند که در صورت برنامه‌ریزی دقیق و استفاده ازامکانات بالقوهٔ موجود صنایع دستی کشورمان، این سهم حتی در میان‌مدت، تا حدود سه برابر قابل افزایش است.

توسعهٔ اقتصادی در بیشتر موارد موجب بروز نابرابریهایی بین مناطق مختلف یک کشور می‌شود، به این ترتیب که برخی نواحی به علت داشتن استعداد و امکانات بیشتر و بنابر ملاحظات اقتصادی و سیاسی به صورت‌قطبهای صنعتی فعال در می‌آید، و حال آنکه برخی مناطق دیگر این توسعه شامل حالشان نمی‌شود. در این شرایط به طوری که تجربه نشان داده ساکنین شهرها و روستاهای نزدیک به امید کسب درآمد بیشتر و استفاده ازمزایای زندگی بهتر، متوجه این مراکز شده واغلب به علت عدم قابلیت جذب، موجبات بروز مشکلات اقتصادی، اجتماعی و اداری زیادی را فراهم می‌کنند. به طوری که این‌گونه مهاجرتها موجب تشکیل قشرهای اجتماعی جدیدی درشهرهای بزرگ به صورت زاغه‌نشین، کپرنشین و حاشیه‌نشین می‌شود. ازطرف دیگر خلئی که بر اثر مهاجرت بی‌رویهٔ این عده در شهرهای کوچک و به ویژه در روستاهای اطراف پدید می‌آید، خود مولّد نابسامانیهای بی‌شماری است. از این‌رو مدتی است که صنایع دستی و روستایی به عنوان یک عامل بازدارنده در مهاجرتهای غیر اصولی داخلی و به عنوان عامل مؤثری در تأمین کار و درآمد مکفی برای ساکنان مناطقی که در مسیر توسعهٔ اقتصادی و صنعتی قرار نگرفته‌اند، مورد توجه واقع شده است. به عنوان مثال درکشور مجارستان اصولاً سیاست حمایت از صنایع دستی در چهارچوب دو هدف اساسی دولت یعنی تأمین اشتغال و کار برای افراد و ایجاد تعادل بین شهر و روستا اعمال می‌شود.

برای اجرای این سیاست می‌توان ازروشهای مختلفی بهره گرفت که ازآن جمله تأسیس مراکز آموزش حرفه‌ای دررشته‌های گوناگون صنایع دستی، ایجادکارگاههای تولیدی نمونه، تأمین مواد اولیهٔ لازم، معافیت کارگاههای تولیدی صنایع دستی از پرداخت مالیات و بالاخره خرید و بازاریابی محصولات تولید شده توسط مؤسسات و فروشگاههای دولتی و خصوصی را می‌توان بر شمرد. هرگاه این اقدامات با جنبه‌های اجتماعی و رفاهی نظیر تأمین حداقل دستمزد، سهیم شدن کارگران در سود کارگاه و استفاده از بیمه ـ به‌ویژه بیمه برای دوران پیری و از کارافتادگی ـ و مرخصیهای کارگری توأم باشد، تأثیر قاطعی در جلوگیری از مهاجرتهای نامساعد داخلی و حفظ تعادل اقتصادی و اجتماعی خواهدداشت.

از آنجا که طبیعت صنایع دستی، ملازمهٔ انکارناپذیری با کوچک بودن ابعاد اقتصادی واحدهای تولیدکننده و عدم تمرکز قدرت در دست یک یا چند واحد تولیدی معین دارد، لذا به علت اجرای اصل رقابت کامل، حقوق مصرف‌کنندگان به بهترین وجهی حفظ می‌شود و به تأمین دموکراسی اقتصادی تا حدّ زیادی کمک خواهد شد. بنا به گفتهٔ ژاک انکیتل ـ رئیس اسبق خانهٔ صنایع دستی و هنری فرانسه ـ محصولات دستی از آن جهت که در واحدهای کوچک تولید می‌شود هیچ‌گاه خطرات ناشی از به وجود آمدن انحصار و تشکیل تراست و کارتل را در بر نخواهد داشت. همین خصوصیت صنایع دستی موجب می‌شود که قسمت عمدهٔ منافع حاصله از تولید به طبقات کم‌درآمد اجتماعی تعلق گیرد و این امر به خصوص درکشورهای روبه رشدکه نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی آنها به مراتب بیش از کشورهای پیشرفته است، کمک قابل ملاحظه‌ای به توزیع عادلانه‌تر درآمدها و مآلاً تأمین تعادل اجتماعی خواهد نمود.

رشته‌های گوناگون صنایع‌دستی، به صورت مصرف‌کنندهٔ مواد اولیهٔ محصولات نیمه‌ساخته و حتی بعضی کالاهای ساخته شدهٔ ماشینی ـ جهت کارهای تکمیلی ـ است. به عبارت دیگر "ستانده‌های" سایر بخشهای تولیدی، "داده‌های" صنایع‌دستی را تشکیل می‌دهد.

در مورد مواد اولیه و خام که اغلب در محل استقرار صنایع دستی تهیه و تولید می‌شود، وابستگی و اثر متقابل فوق‌العاده زیاد است. به عنوان مثال تولید و عرضهٔ موادی نظیر پشم، پنبه، ابریشم طبیعی، انواع چوب، پوست، عاج، استخوان حیوانات، سنگهای معدنی ـ کوارتز، کائولین وسیلیس ـ و غیره در مراکز تولید فرآورده‌های دستی بستگی زیادی به وجود تقاضا از طرف صنعتگران محلی دارد. به این ترتیب فراهم شدن امکانات جدید فروش صنایع دستی در بازارهای غیر محلی نه تنها موجب افزایش درآمد صنعتگران دستی می‌شود، بلکه از طریق توسعهٔ سایر فعالیتهای اقتصادی نظیر کشاورزی، دامداری و استخراج معدن، کمک مؤثر به بالا بردن سطح اشتغال و درآمد درمناطق تولید فرآورده‌های دستی خواهد کرد.

در مورد محصولات نیمه ساخته، نظیر انواع نخ و الیاف مختلف محصول کارخانجات ریسندگی و همچنین اقسام مفتول و ورق مس و برنج، نیز صنایع دستی می‌تواند عامل عمده‌ای در بالا بردن سطح تقاضا و رونق بیشتر و در نتیجه موجبی برای توسعهٔ صنایع

جدید کارخانه‌ای باشد. گفتنی است، با ازدیاد روزافزون تقاضا برای برخی مواد اولیهٔ طبیعی، عدم انعطاف عرضه و در نتیجه افزایش بهای آنها، استفاده از مواد جانشینی که توسط صنایع جدید تولید می‌شود، عمومیت یافته است.

گسترش شبکهٔ توزیع و توسعهٔ بازارهای فروش صنایع دستی، اثرات قابل ملاحظه‌ای در رونق سایر فعالیتهای اقتصادی از جمله در بخش خدمات نیز خواهد داشت. زیرا تا هنگامی که فرآورده‌های دستی برای تأمین نیازهای شخصی و خانوادگی تولید می‌شود، آثار آن در بخشهای تولید و مصرف قابل سنجش است. ولی با عرضهٔ آن در بازارهای غیر محلی، منشأ ایجاد امواج درآمد برای طبقات مختلف می‌شود و به خصوص با توجه به محدودیت امکانات فعالیت اقتصادی در نواحی روستایی، اثرات جانبی صنایع دستی دراین نقاط بسیار زیاد است.

وجود صنایع دستی ارزنده و قابل فروش در بازارهای شهری، قبل از هر چیز لزوم ایجاد راه و استفاده از وسایل حمل و نقل امروزی به منظور سریعتر و ارزانتر رساندن محصولات به بازارهای مصرف را ایجاب می‌کند و به خصوص سنگینی وزن و پرحجم بودن پاره‌ای از فرآورده‌های دستی نسبت به ارزش آنها، اثرات قابل ملاحظه‌ای در رونق بخشیدن به خدمات حمل و نقل دارد. به علاوه بعضی خدمات دیگر نظیر بسته‌بندی و انبارداری برای آمادهٔ حمل کردن و نگهداری تولیدات دستی، همچنین بانکداری از نظر گشایش اعتبار برای خرید و ارسال بهای کالاهای خریداری شده و بیمه در مورد فرآورده‌های دستی از رونق بیشتری برخوردار خواهد شد. مضافاً به اینکه خدمات جنبی صنایع دستی نظیر ساخت و فروش ابزار کار، تهیه و تولید و عرضهٔ مواد اولیهٔ مورد مصرف در رشته های مختلف صنایع دستی، عرضهٔ تولیدات ساخته شده در بازارهای غیر محلی و غیره از جملهٔ فعالیتهایی است که پیدایش و استمرار آنها در ارتباط مستقیم با توسعهٔ صنایع دستی بوده و به راحتی می‌تواند عاملی برای اشتغال گروههایی از مردم باشد.

بدون تردید در مورد نقش و اهمیّت فرهنگی و هنری صنایع دستی، می‌توان کتابهای متعدد و مقالات بی‌شمار به رشتهٔ تحریر درآورد چرا که بی‌شک یکی از مهمترین دلایل حمایت دولتها در کشورهای مطرح صنایع دستی از این "هنر ـ صنعت" نقش و اهمیّت فرهنگی و هنری این رشته از فعالیتها است.

صنایع دستی به عنوان مستقل‌ترین صنعت، کاربردی‌ترین هنر و عاملی که تبلور عینی فرهنگ بومی، اصیل و مردمی می‌باشد و باورداشتهای مردم هر کشور در آن متجلی است، در کانون توجه ممالک مطرح صنایع دستی جهان قرار دارد، و بی‌هیچ شک و شبهه مهمترین عامل توجه دولتها به صنایع دستی، به مبانی و ارزشهای والای فرهنگی این "هنر ـ صنعت" مربوط می‌شود چرا که هر طرح و نقش و هر رنگ و ر نگامیزی، خود یادآور آداب، رسوم، عادات و سنتها و در مجموع فرهنگ بومی و آداب معنوی جامعه است که چون درّی گرانبها و تحفه‌ای نفیس باید حفظ و حراست شود و بدیهی است که هرگونه سهل‌انگاری و تعلل در این زمینه آثار زیانبار و غیرقابل جبرانی خواهد داشت. بدین‌سان کاملاً آشکار است که با توسعه و تعمیم صنایع دستی، فرهنگ اصیل و مردمی نیز تعمیق و گسترش می‌یابد و صنایع دستی به عنوان یک "تولید فرهنگی" بالاترین نقش را در حفظ ارزشها و مبانی ارزشی و باورها و اعتقادات عمیق مردم هرجا داشته و دارد.

با جمع‌بندی از آنچه که گفته شد ـ یعنی مزیتهای نسبتاً چشمگیر صنایع دستی ـ از جمله موارد زیر، یعنی:

- سهولت ایجاد اشتغال ـ اعم از مستقیم و غیرمستقیم ـ مولّد و مؤثر.
- جلوگیری از مهاجرت بی‌رویهٔ روستاییان و عشایر به مناطق شهری.
- بر خورداری از ارزش‌افزودهٔ بالا و در عین‌حال عدم نیاز به سرمایه‌گذاری سرانهٔ زیاد.
- تنوع و انعطاف‌پذیری فوق‌العادهٔ تولیدات و تعدد رشته‌های فعالیت ـ حدود ۱۵۰ رشته ـ صنایع دستی.
- تأثیرپذیری از خلاقیت و تجلی ذوق و هنر ایرانی در تولیدات صنایع دستی.
- زمینه‌سازی به منظور تأمین و تحقق عدالت اجتماعی از طریق توزیع مستقیم درآمدهای حاصله از تولید به صنعتگران.
- فقدان عوارض سوء زیست محیطی .
- نقش و سهم صنایع دستی در افزایش تولید ناخالص ملّی و نیز ارزآوری و صادرات.
- سهولت ایجاد و استقرار در هر منطقه از کشور، حتی در مناطق فاقد استعدادهای کشاورزی و دامپروری.
- سهولت و سرعت آموزش و فراگیری.
- عدم نیاز به فن‌آوری پیچیده.
- سهولت دسترسی به مواد اولیهٔ نسبتاً ارزان و عمدتاً داخلی.
- تأثیرگذاری مستقیم و مؤثر در توسعهٔ صنعت گردشگری.

صنایع دستی می‌تواند سهم شایسته و مناسبی در برنامه‌های کلان توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی داشته باشد و امید است که این مهم در برنامه‌های توسعهٔ کشور در حدّ ظرفیت و امکانات بالقوهٔ آن مورد توجه قرارگیرد. گفتنی است که در حال حاضر تعداد دست‌اندرکاران صنایع دستی کشور که به صورت مستقیم و غیر مستقیم و نیز تمام وقت و پاره وقت و فصلی به این "هنر ـ صنعت" می‌پردازند را ۲،۶۶۲،۰۹۶ نفر برآورد کرده‌اند که البته ۲،۳۹۹،۹۹۳ نفر آن به فرش ـ شامل قالی، انواع گلیم‌ها، گبه، زیلو، و پلاس ـ مربوط می‌شود. ضمناً براساس آخرین برآوردهایی که توسط صاحب‌نظران و کارشناسان صنایع دستی ایران به عمل آمده، حجم تولید سالانهٔ صنایع دستی کشور حدود ۱۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (ده هزار میلیارد ریال) است. بدیهی است که ارقام مربوط به میزان تولید سالانه و میزان اشتغال و متعاقب آن سهم صنایع دستی در تولید ناخالص ملّی و درآمد ارزی کشور در صورت اجرای طرح ساماندهی صنایع دستی کشور و استفادهٔ بهینه از امکانات بالقوهٔ موجود افزایش چشمگیری خواهد یافت (در این زمینه وزارت جهاد سازندگی با اجرای طرح بهسازی و بهداشتی کردن کارگاههای قالی‌بافی روستایی (طرح بقا) گام مؤثری را برداشته است).

وضعیت بهداشتی کارگاههای قالی‌بافی

تعداد ۲۶۰،۹۵۸ واحد کارگاه قالی‌بافی تحت پوشش قرار گرفته و با توجه به شناسایی بهداشتی آنها، مشخص شد که تعداد ۱۷۸،۷۴۵ واحد از آنها فاقد شرایط لازم بهداشتی بوده و یا به تعبیر دیگر ۶۸ درصد از کارگاههای شناسایی شده نواقص بهداشتی داشته و نیازمند بهسازی بوده‌اند.

بعد از معرفی کارگاههای دارای نقص جهت بهره‌مندی از تسهیلات ویژهٔ طرح، در خصوص بهسازی محل، ۴۲ درصد از آنها موفق به اخذ وامهای بانکی شدند و شروع به بهسازی نمودند.

با توجه به گزارشهای موجود، نهایتاً نزدیک به هفتاد درصد از این کارگاهها موفق به بهسازی و مورد تأیید مجریان طرح قرار گرفته اند.

صنایع دستی و جایگاه آن در برنامه‌های توسعه

طبقه‌بندی رشته‌های صنایع دستی ایران

صنایع دستی ایران از نظر تنوع رشته‌های تولیدی صنایع دستی در رأس همهٔ ممالک جهان قرار دارد ـ چین از لحاظ کیفیت و هند به واسطهٔ میزان تولید سالانه صنایع دستی چنین موقعیتی را دارا هستند ـ و تاکنون حدود ۱۵۰ رشتهٔ تولیدی از صنایع دستی کشورمان شمارش شده است که پراکندگی مهمترین صنایع دستی رایج در استانها بر روی نقشه نیز مشاهده می‌شود (جدول مربوط به کلیهٔ صنایع دستی به تفکیک استانها در ضمایم آورده شده است).

کارشناسان و صاحب نظران صنایع دستی ایران، طبقه‌بندیهای مختلفی را از این "هنر ـ صنعت" ارائه داده‌اند اما به موجب آخرین طبقه‌بندی "هنرهای صناعی" کشورمان در ۱۵ گروه به شرح ذیل طبقه‌بندی شده است:

۱. بافته‌های داری: محصولاتی که به کمک چهارچوبه‌ای به نام دار ـ که از جنس چوب یا فلز و یا چوب و فلز و بر دو نوع کلّی افقی یا عمودی مستقر در زمین، در زمان بافت است ـ بافته می‌شود، "بافته داری" نامیده می‌شود. قالی، گلیم ساده، گلیم سوماک، پلاس، گبه و زیلو در زمرهٔ بافته‌های داری کشورمان هستند که بر همهٔ آنها واژه "فرش" نیز اطلاق می‌شود و با نام "زیراندازهای سنتی" نیز می‌توان از آنها یاد کرد.

۲. نساجی سنتی (دستبافی): فرآورده‌هایی که با کمک دستگاههای بافندگی دووَردی، چهاروَردی، شش وَردی، هشت وَردی و ژاکارد دستی تولید می‌شود، نساجی سنتی یا دستبافی محسوب می‌شود. نظیر زری، ترمه، دارایی، مخمل، جاجیم و غیره و انواع پارچه‌های پشمی، پنبه‌ای و ابریشمی. از جمله خصوصیات این گروه و این رشته از صنایع دستی این است که:

- کلیهٔ مراحل سه گانهٔ بافندگی ـ ایجاد دهنهٔ کار، پودگذاری و دفتین زدن ـ با حرکات دست و پا انجام می‌شود.
- امکان استفاده از پودهای رنگی به میزان نامحدود و همچنین تنوع طرح بافت با در اختیار داشتن و نظارت بر حرکات وَردها میسر می‌شود که این امر نشانگر حضور مؤثر و خلاق انسان در تولید است.

۳. رودوزیها و بافتنیها: کلیهٔ مصنوعاتی که از طریق دوختن نقوش سنتی بر روی پارچه‌های عمدتاً بدون نقش و یا کشیدن قسمتی ازنخهای تاروپود پارچه به وجود می‌آید، نظیر سوزندوزی، قلابدوزی، ملیله دوزی، گلابتون‌دوزی و غیره جزء رودوزیها و نیز کلیه مصنوعاتی که با کمک میل و قلاب و نظایر آن و با الیاف طبیعی تولید می‌شود نظیر جوراب، دستکش، کلاه و امثال آنها، جزء بافتنیها است و در این گروه قرار می‌گیرد.

۴. رنگرزی و چاپهای سنتی: این گروه شامل رنگرزی سنتی با مواد ملونهٔ طبیعی و نیز چاپهای سنتی نظیر چاپ قلمکار و چاپ دستی است.

۵. سفالگری و سرامیک‌سازی: به محصولاتی که با استفاده از گل رس و همچنین گل حاصله از سنگهای کوارتز وکائولین به کمک دست و چرخ سفالگری ساخته و سپس پخته می‌شود سفال و سرامیک اطلاق می‌شود.

۶. شیشه‌گری: محصولاتی را که از طریق شکل دادن مواد معدنی ذوب شده در کوره، نظیر سیلیس، خرده شیشه و یا ترکیبی از این دو، با استفاده از روش دمیدن توسط لولهٔ مخصوص و کاربرد ابزاردستی شامل انبر، قیچی و غیره حاصل می‌شود، را شیشه دست‌ساز می‌نامند، که شامل مراحل تکمیلی و تزیینی دیگری نظیر نقاشی و تراش و غیره هم می‌شود.

۷. فرآورده‌های پوست وچرم: محصولاتی که با استفاده از پوست و چرم دباغی‌شده تولید می‌شود نظیر پوستین، کلاه پوستی، چاروق، محصولات تکمیلی چرمی (نظیر

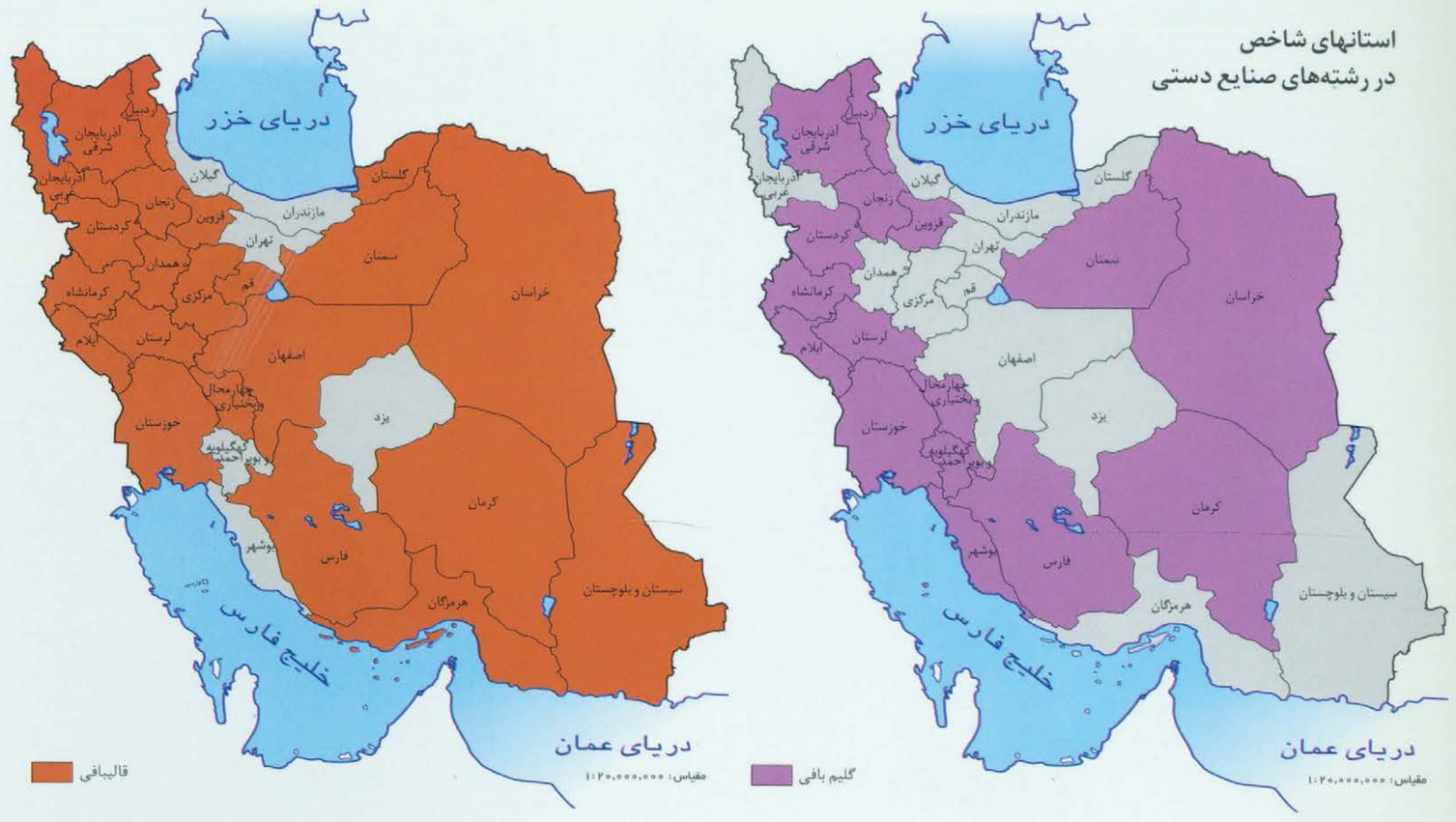

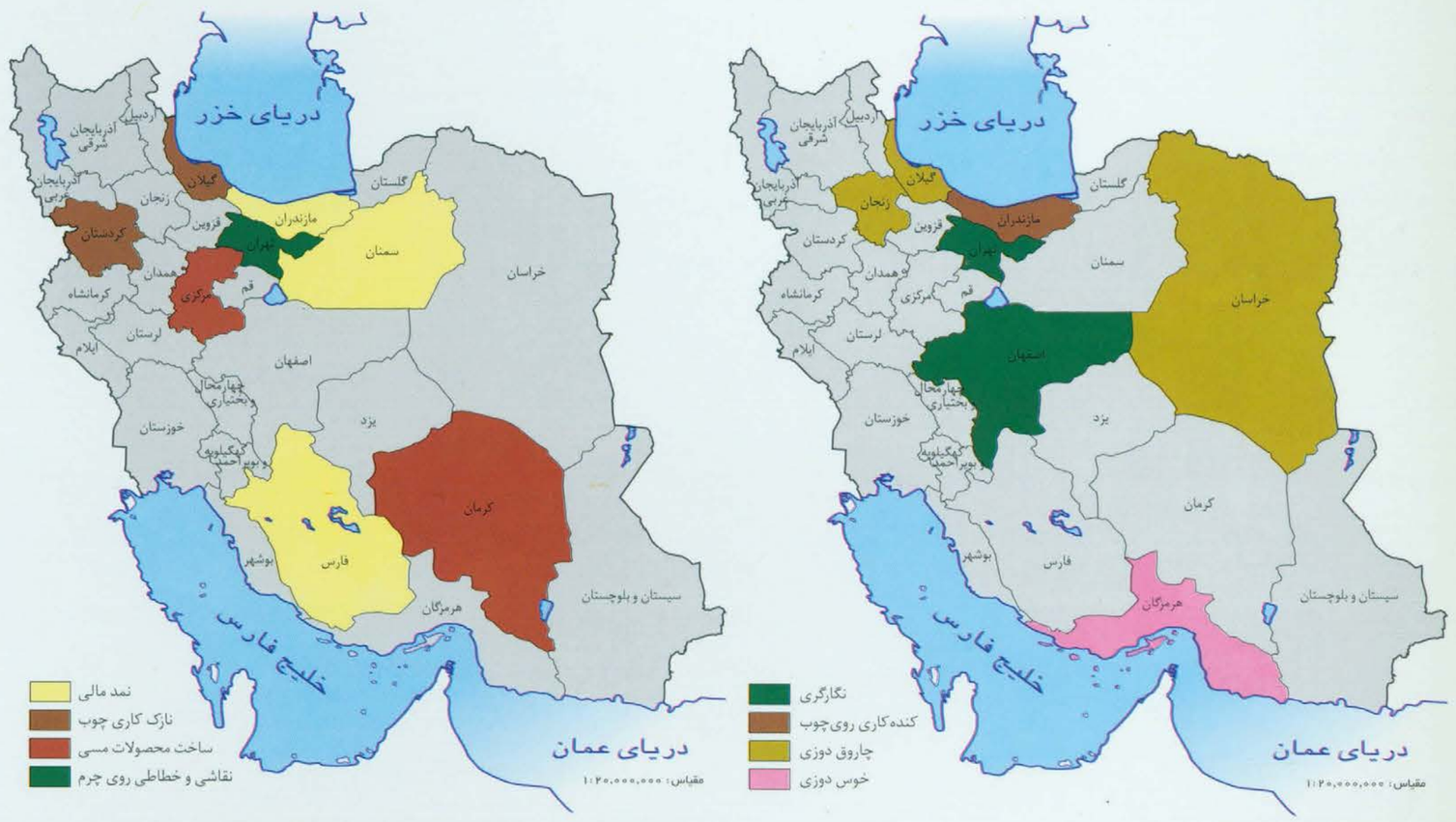

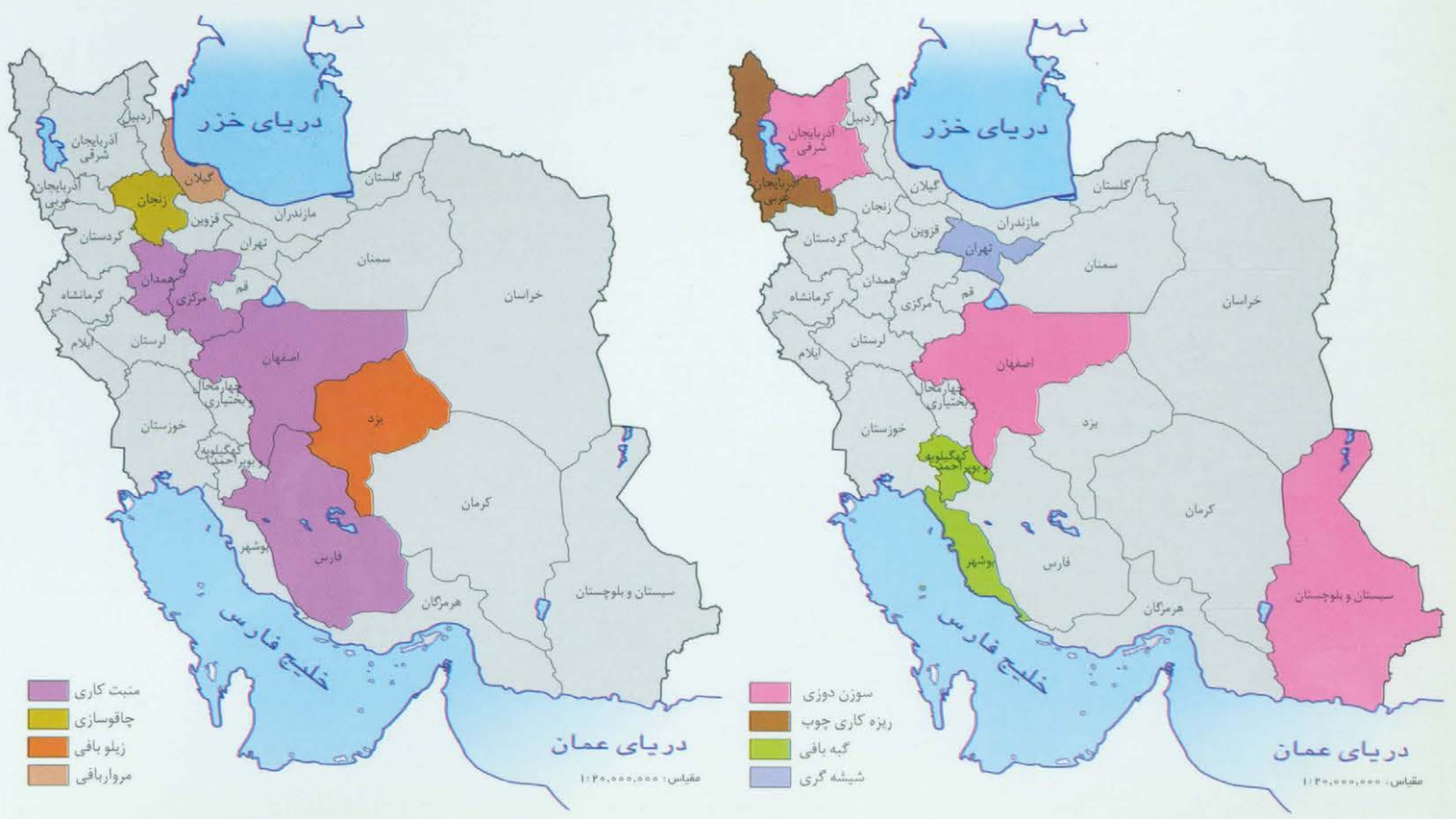

تلفیق چرم با گلیم و یا محصولات دستباف) جزء این گروه هستند.

۸.هنرهای مرتبط با فلز: هنرهایی نظیر دواتگری، حکاکی، قلمزنی، قلمزنی برجسته، مشبک‌کاری فلز، ملیله‌سازی، میناکاری، چاقوسازی، قفل‌سازی و امثال آنها در این گروه قرار دارند.

۹.هنرهای مرتبط با چوب: هنرهایی مانند خراطی، کنده‌کاری، نازک‌کاری، مشبک‌کاری چوب، منبت‌کاری، معرق چوب، خاتم، سوخت روی چوب، نقاشی روی چوب، ساز سازی سنتی و غیره در گروه هنرهای مرتبط با چوب قرار می‌گیرند.

۱۰.سنگتراشی و حکاکی روی سنگ: شامل مصنوعاتی می‌شود که مواد اولیهٔ اصلی آن را انواع سنگها، نظیر فیروزه، سنگ مرمر، سنگ یشم، سنگ سیاه، سنگ سفید ـ آلاباستر ـ و امثال آن تشکیل می‌دهد و به کمک ابزارها و وسایل مختلف تراشیده یا حکاکی می‌شود ، فرآورده‌هایی نظیر انواع ظروف، پایهٔ چراغ، هاون، قاب عکس، انواع نگین و غیره را به وجود می‌آورد.

۱۱.حصیربافی: منظور از حصیربافی، که ضمناً بامبوبافی، مرواربافی، ترکه‌بافی، سبدبافی، و چیغ‌بافی را نیز شامل می‌شود، همان بافت رشته‌های حاصله از الیاف سلولزی ـ گیاهی ـ به کمک دست و ابزار ساده دستی است که طی آن محصولات مختلفی نظیر حصیر زیرانداز، سفرهٔ حصیری، انواع سبد، انواع ظروف و امثال آنها تولید و عرضه می‌شود. در مورد چیغ‌بافی ذکر این نکته ضروری است که افزون بر الیاف گیاهی، ضمن بافت از نخ پشمی رنگ شده نیز برای ایجاد نقوش و طرحهای سنتی استفاده می‌شود.

۱۲.طراحی سنتی و نگارگری: این گروه شامل طراحی سنتی که طرحهای مورد نیاز برای تولید انواع محصولات صنایع دستی را ارائه می‌دهد و نیز نقاشی ایرانی (نگارگری) است که طبعاً تذهیب و تشعیر را هم در بر می‌گیرد.

۱۳.صحافی و جلدسازی سنتی

۱۴. آثار لاکی و روغنی: که شامل انواعی از قلمدانها، قاب آئینه، جعبه‌های گوناگون، جلد کتاب و غیره است که برای تهیهٔ آن پس از آماده شدن زیر ساخت ـ که ازجنس کاغذ فشرده، مقوا، چوب و امثال آن است ـ و با پوشش آن از لایه‌ای از گچ و روغن مخصوص ، اقدام به نقاشیهای سنتی ایرانی می‌شود و نهایتاً با پوششی از روغن‌کمان و یا روغن جلا، کار تکمیل می‌شود.

۱۵.سایر صنایع دستی: طبعاً آن دسته از صنایع دستی کشورمان که نتوان آن را در هیچ یک از گروههای فوق‌الذکر قرار داد، در این گروه قرار می‌گیرد، نظیر ساخت عروسک با لباسهای محلی، گیوه‌بافی و گیوه‌دوزی، نمدمالی و غیره.

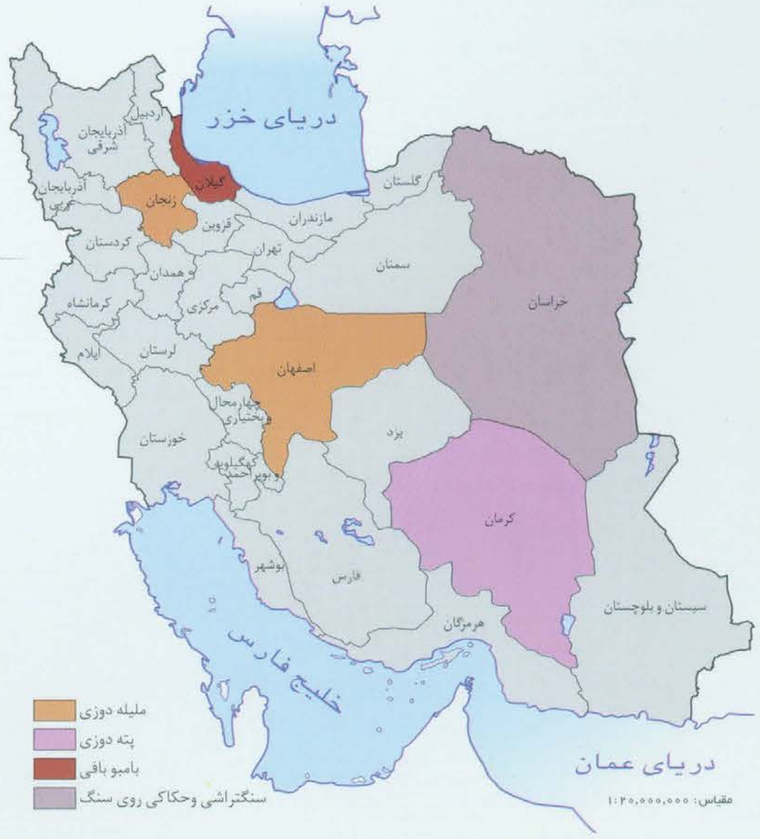

صنایع دستی وجایگاه آن در برنامه‌های توسعه

آشنایی با تشکیلات و سازمانهای دست اندرکار صنایع دستی ایران

در حال حاضر و با توجه به نقش، اهمیت و ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صنایع دستی ایران و بر حسب ضرورت و احساس نیاز، مؤسسات و سازمانهای مختلفی به صورت موظف از لحاظ اساسنامه و شرح وظایف و یا به عنوان غیر موظف، به امر آموزش، تهیه و توزیع مواد اولیه، تولید، خرید و فروش داخلی و خارجی صنایع دستی می‌پردازند.

سازمان صنایع‌دستی ایران ـ وابسته به وزارت صنایع و معادن ـ که از سال ۱۳۴۳ به عنوان یکی از مؤسسات تابعهٔ وزارت اقتصاد شروع به فعالیت کرده است، در حال حاضر و بر اساس آخرین اساسنامه مصوب جلسه مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۱۱ هیأت محترم وزیران به صورت یک شرکت دولتی اداره می‌شود، یکی از سازمانهای دست‌اندرکار صنایع دستی کشور است که با استناد به اساسنامهٔ قانونی خود می‌تواند در زمینهٔ احیاء، حفظ، توسعه و تعمیم صنایع دستی در سطح کشور ـ اعم از مناطق شهری، روستایی و عشایری ـ فعالیت کند (سازمان صنایع دستی مطابق مصوبهٔ هیئت‌وزیران تنها متولی امر صنایع دستی کشور می‌باشد). این سازمان افزون بر فرش ـ شامل قالی، انواع گلیم، گبه، پلاس و زیلو ـ در سایر رشته‌های دیگر صنایع دستی در حد مقدورات و از طریق تدارک و توزیع مواد اولیه، آموزشهای کوتاه مدت و میان مدت، تولید، فروش داخلی و صادرات انواع صنایع دستی، فعالیت می‌کند. سازمان صنایع دستی ایران ضمناً دارای بیش از ۱۵۰ مرکز آموزش صنایع دستی در سطح کشور است.

شرکت سهامی فرش ایران ـ وابسته به وزارت بازرگانی ـ که از سال ۱۳۱۴ تأسیس شده است، به موجب اساسنامه مصوب می‌تواند در زمینه‌های تهیه و توزیع مواد اولیه، آماده‌سازی مواد اولیه، آموزش، تولید و فروش داخلی قالی دستباف و همچنین صادرات این « هنر ـ صنعت » ارزنده و بی‌همتای کشورمان اقدام کند. گفتنی است که شرکت مذکور، قدیمیترین سازمان موجود فعال در زمینهٔ صنایع دستی کشور ـ ولی طبعاً فرش ـ است.

وزارت جهاد سازندگی، که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و با فرمان امام خمینی (ره) در ۲۷ خرداد ماه ۱۳۵۸ تأسیس شده است، به موجب اساسنامهٔ قانونی خود که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، می‌تواند در زمینهٔ تهیه و توزیع مواد اولیه، آموزش و تولید صنایع دستی در مناطق روستایی کشورمان و همچنین فروش آن در داخل و خارج کشور فعالیت کند. گفتنی است که در حال حاضر اقدامات مذکور عمدتاً توسط «ادارهٔ کلّ فرش و صنایع دستی روستایی»، که زیر نظر معاونت عمران و صنایع روستایی وزارتخانهٔ مذکور قرار دارد، صورت می‌پذیرد. ضمن آنکه فعالیت در زمینهٔ قالی‌بافی در «اتحادیهٔ مرکزی فرش دستباف روستایی ایران» (اتفا) که از نظر تشکیلاتی، برنامه‌ریزی و سیاستهای اجرایی زیر نظر وزارت جهاد سازندگی قرار دارد، تمرکز یافته و اتحادیهٔ فوق‌الذکر از طریق شرکتهای تعاونی تحت پوشش در سراسر کشور، در خصوص تولید قالی، فعالیت گسترده‌ای دارد.

سازمان میراث فرهنگی کشور ـ وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ـ که در سال ۱۳۶۷ تأسیس شده، یکی دیگر از سازمانهایی است که به موجب اساسنامهٔ مصوب در زمینهٔ هنرهای سنتی ایران از جمله صنایع دستی ـ به عنوان یکی از زیر مجموعه‌های هنرهای سنتی ـ فعالیت دارد.

سازمان میراث فرهنگی کشور از طریق برپایی کارگاههایی در سازمان مرکزی و نیز در شهر کاشان به تولید محدود محصولات با کیفیت ممتاز در برخی از رشته‌های صنایع دستی، نظیر زری‌بافی، مخمل‌بافی، زیلوبافی، خاتم‌کاری، منبت و معرق‌کاری، سفال‌سازی و نگارگری، زیر نظر مجربترین استادان ذی‌ربط می‌پردازد و ضمناً از طریق پژوهش و آموزش در خصوص هنرهای سنتی ـ از جمله صنایع دستی ـ فعالیتهایی را در جهت حفظ و احیاء و ترویج برخی از انواع صنایع دستی به انجام می‌رساند.

اتحادیهٔ سراسری تعاونیهای فرش کشور ـ وابسته به وزارت تعاون نیز طی سالهای اخیر، فعالیتهایی را در زمینهٔ تهیهٔ مواد اولیه، تولید، فروش داخلی و صادرات قالی به ویژه در مناطق شهری کشور به انجام رسانده است و ضمناً تسهیلاتی را نیز از طریق قانون بودجهٔ کل کشور برای آغاز و یا توسعهٔ فعالیتهای قالی‌بافی از طریق تعاونیهای شهری فراهم کرده است.

افزون بر سازمانهایی که بر شمرده شد، سازمان بهزیستی کشور، کمیتهٔ امداد امام خمینی (ره)، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، بنیاد مستضعفان و جانبازان، آستان قدس رضوی و برخی از سازمانهای موجود در کشورمان، ضمن انجام وظایف اصلی خود، فعالیتهایی را نیز در زمینهٔ تمهید مقدمات تولید برخی از انواع صنایع دستی ـ به طور عمده فرش ـ و نیز امور بازرگانی آن ـ فروش داخلی و خارجی محصولات ـ به انجام می‌رسانند.

آموزش صنایع دستی

فصل سوم:

آموزشهای رسمی (آکادمیک)

آموزشهای غیر رسمی (آزاد)

آموزش صنایع دستی

آموزشهای رسمی (آکادمیک)

شکی نیست که تداوم و استمرار تولید صنایع دستی و حتی دوام و بقای آن در گرو آموزش رشته‌های مختلف و گوناگون این «هنر ـ صنعت» و انتقال رموز و فنون تولیدی به نسل جوان و علاقه‌مند به فعالیت در عرصهٔ هنرهای بومی و سنتّی است.

طی قرون و اعصار متمادی، اصول و مبادی و روشهای تولید صنایع دستی در هر یک از رشته‌های موجود، صرفاً به صورت سینه به سینه و ازطریق استاد و شاگردی، انتقال می‌یافته و البته در این رهگذر اگر چه ارتباطات عمیق قلبی و عاطفی و احساسی، باعث آن می‌شده که هنرمند و استاد صاحب صنعت، از انتقال تجربیات ارزشمند و اندوخته‌های ذی‌قیمت و گران‌سنگ خود، دریغ نورزد ولی به واسطهٔ عدم ثبت دقایق و ظرایف کار و فقدان عرصه‌ای علمی برای تبادل اطلاعات و تجربیات بر مبنای موازین و ضوابطی مدوّن، متأسفانه در برخی از رشته‌ها در پی خاموشی و سکوت ابدی آخرین هنرمند بازماندهٔ آن در محاق تعطیلی و حتی نیستی و فراموشی قرار گرفته و در بعضی موارد نیز در پی درگذشت استادان صاحب سبک و مکتب خاص، از رونق و اعتبار افتاده است.

از این رو پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ایجاد رشته‌های صنایع دستی در مراکز آموزش عالی و نیز در مراکز آموزشی آزاد در دستور کار قرار گرفت، و از سال ۱۳۶۲ به این سو و در پی تهیه و تدوین و تصویب برنامه‌های آموزش هنرهای سنتی و صنایع دستی و فرش، شاهد فعالیت گسترده و ثمربخش این رشته‌های هنری در مراکز آموزش عالی، آموزش و پرورش و نیز توسط بنیادها و آموزشگاههای هنری هستیم که ذیلاً چگونگی آن در حدّ کلیات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دانشگاه هنر

دانشگاه هنر از سال ۱۳۶۲ اقدام به پذیرش دانشجویان پسر و دختر در رشتهٔ صنایع دستی برای دانشکدهٔ هنرهای کاربردی در تهران و نیز برای دانشکدهٔ پردیس اصفهان نموده است. دانشگاه مذکور از سال تحصیلی ۷۷ ـ ۱۳۷۶، پذیرش دانشجو در رشتهٔ کارشناسی فرش برای دانشکدهٔ پردیس اصفهان را در دستور کار قرار داده و ضمناً از سال تحصیلی جاری نیز نسبت به پذیرش دانشجو در رشتهٔ کارشناسی فرش برای دانشکدهٔ پردیس کرج هم اقدام نموده است.

ذیلاً نمودار مربوط به دانشجویان پذیرفته شده در رشته‌های صنایع دستی و فرش برحسب جنسیت ـ دختر و پسر ـ از سال تحصیلی ۶۳ ـ ۱۳۶۲ تا سال تحصیلی ۸۰ ـ ۱۳۷۹ درج گردیده است. ضمن آنکه نمودار مربوط به تعداد فارغ‌التحصیلان صنایع دستی از سال ۱۳۶۸ تاکنون هم آورده شده است. لازم به توضیح است که در رشتهٔ کارشناسی فرش تاکنون فارغ‌التحصیلی نداشته‌اند.

تعداد دانشجویان رشتهٔ فرش دانشکدهٔ هنر پردیس اصفهان طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹

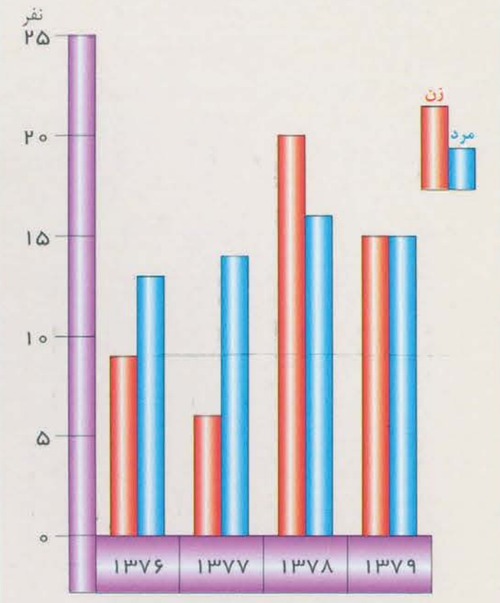

تعداد دانشجویان رشتهٔ فرش دانشگاه هنر تهران طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹

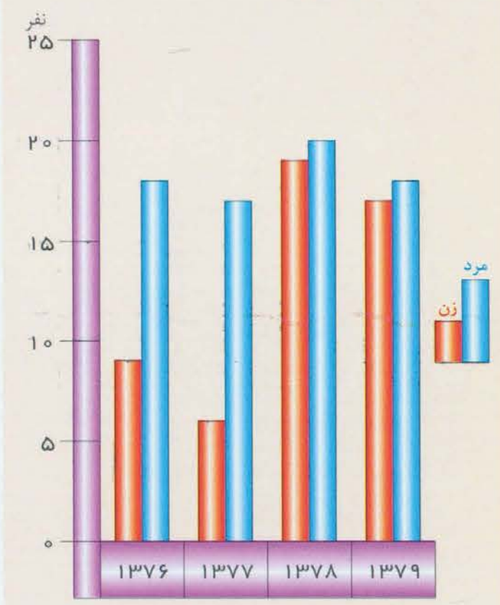

تعداد فارغ التحصیلان رشتهٔ صنایع دستی دانشگاه هنر تهران طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۹

ذکر این نکته هم ضروری است که دانشکدهٔ پردیس اصفهان از سال تحصیلی جاری با عنوان دانشگاه هنر اصفهان و به صورت مستقل از دانشگاه هنر تهران به فعالیتهای آموزشی خود در رشته‌های صنایع دستی و فرش ادامه داده است.

برای آگاهی بیشتر از فعالیتهای آموزشی دانشگاه هنر ـ واحد پردیس اصفهان طی

تعداد دانشجویان رشتهٔ صنایع دستی دانشکده هنر پردیس اصفهان طی سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹

تعداد دانشجویان رشتهٔ صنایع دستی دانشگاه هنر تهران طی سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹

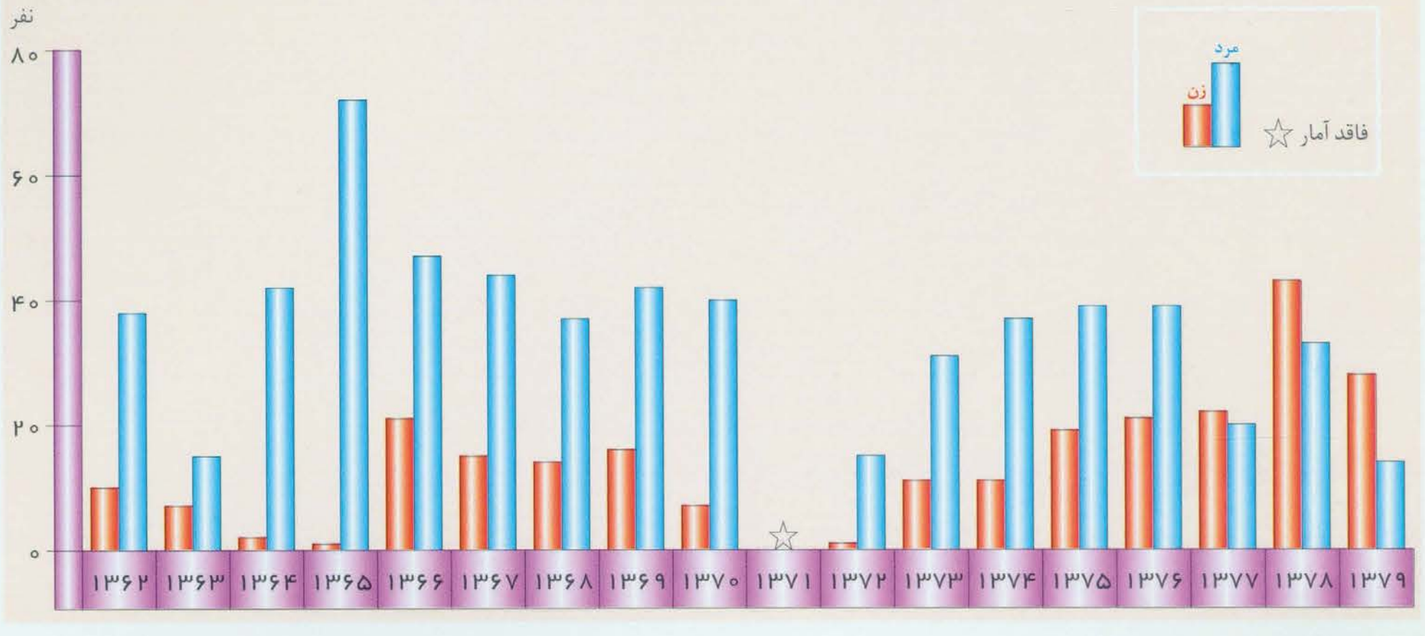

سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹ در رشته‌های کارشناسی صنایع دستی و کارشناسی فرش، آمار مربوط به آن جداگانه و به طور مستقل از دانشگاه هنر نیز آورده شده است.

تعداد فارغ التحصیلان رشتهٔ صنایع دستی دانشکدهٔ هنر پردیس اصفهان طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۹

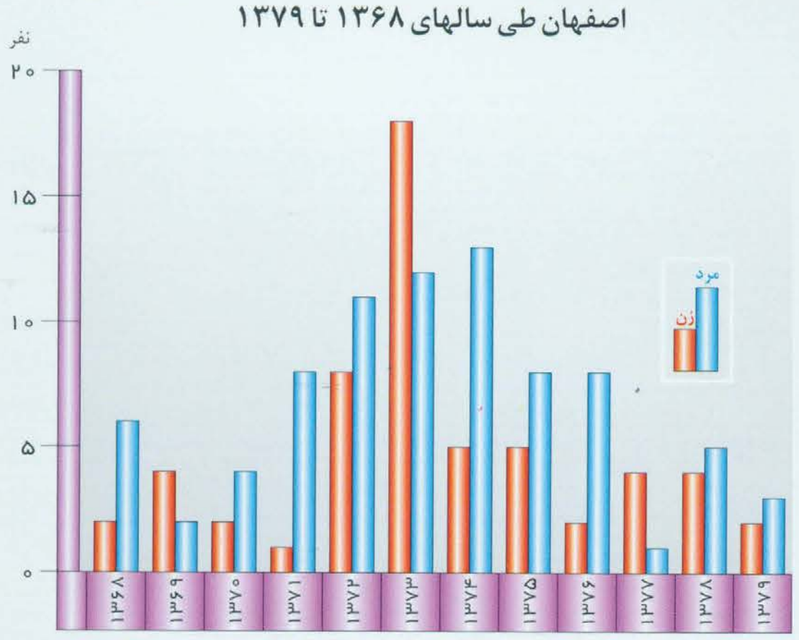

دانشگاه الزهراء (س)

دانشگاه الزهراء (س) از طریق دانشکدهٔ هنر از سال ۱۳۶۲ اقدام به پذیرش دانشجو در مقطع کارشناسی صنایع‌دستی نموده است، که تاکنون ۵۲۳ نفر از دانشجویان دختر به این مرکز آموزشی و برای تحصیل در رشتهٔ کارشناسی صنایع دستی وارد شده‌اند و تا پایان شهریور ۱۳۷۹ نیز تعداد ۳۸۶ نفر از همین دانشگاه موفق به اخذ مدرک کارشناسی شده‌اند.

تعداد دانشجویان رشتهٔ صنایع دستی دانشکدهٔ هنر دانشگاه الزهراء طی سالهای ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۹

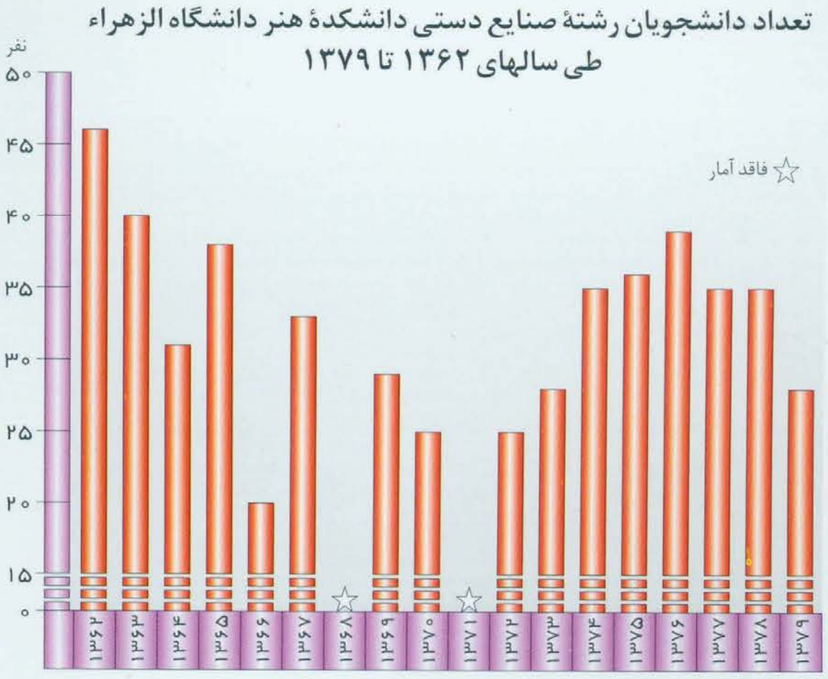

دانشکدهٔ معماری و هنر دانشگاه کاشان

دانشکدهٔ معماری و هنر دانشگاه کاشان از سال ۱۳۷۴ در رشتهٔ صنایع دستی و از سال ۱۳۷۵ به عنوان اوّلین مرکز آموزش داوطلب برگزاری رشتهٔ کارشناسی فرش، فعالیت خود را در زمینهٔ آموزش عالی و آکادمیک صنایع دستی و فرش آغاز نموده است. خاطر نشان می‌سازد که دانشکدهٔ مذکور از سال ۱۳۷۴ تا سال ۱۳۷۹ جمعاً ۱۹۸ دانشجوی ورودی به رشتهٔ صنایع دستی، شامل ۱۳۲ نفر دانشجوی دختر و ۶۶ نفر دانشجوی پسر، داشته است که از این میان تاکنون ۹ نفر موفق به اخذ درجهٔ کارشناسی صنایع دستی شده‌اند. همچنین مرکز آموزش عالی مذکور از سال ۱۳۷۵ تاکنون مجموعاً ۱۹۰ نفر دانشجوی ورودی به رشتهٔ کارشناسی فرش، شامل ۷۳ نفر دانشجوی دختر و ۱۱۷ نفر دانشجوی پسر، داشته است که در مجموع ۲۰ نفر از آنان موفق به دریافت درجهٔ کارشناسی فرش گردیده‌اند.

تعداد دانشجویان رشتهٔ صنایع دستی دانشکدهٔ معماری و هنر کاشان طی سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۹

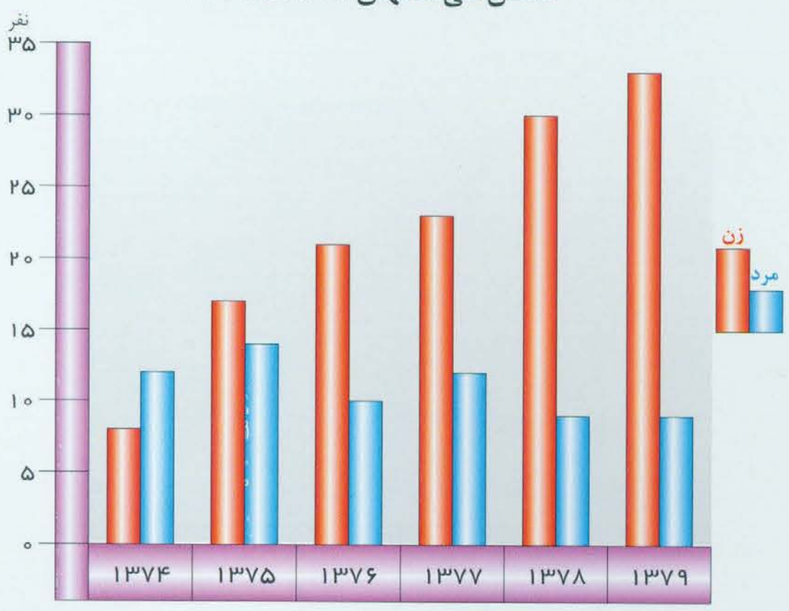

دانشگاه هنر تبریز

دانشگاه هنر تبریز ـ دانشکدهٔ سهند «سابق» ـ از بهمن ماه سال ۱۳۷۵ اقدام به پذیرش دانشجو در رشتهٔ کارشناسی فرش نموده است و از سال مذکور تا شهریور ماه سال ۱۳۷۹ جمعاً ۱۱۱ نفر دانشجو، مشتمل بر ۷۸ نفر دانشجوی پسر و ۳۳ نفر دانشجوی دختر، برای تحصیل در رشتهٔ مذکور به دانشگاه هنر تبریز وارد شده‌اند. گفتنی است که تاکنون جمعاً ۸ نفر دانشجو در رشتهٔ کارشناسی فرش از دانشگاه فوق‌الذکر فارغ التحصیل شده‌اند.

دانشکدهٔ هنر و معماری دانشگاه شیراز

بخش صنایع دستی دانشکدهٔ هنر و معماری دانشگاه شیراز از سال ۱۳۷۴ با پذیرش ۲۳ نفر دانشجو در مقطع کارشناسی کار خود را آغاز نموده و طی ۵ دوره تعداد ۱۰۹ نفر ـ شامل ۷۱ نفر دختر و ۳۸ نفر پسر ـ دانشجو را پذیرش نموده است.

دانشجویان رشتهٔ صنایع دستی دانشکدهٔ هنر و معماری دانشگاه شیراز

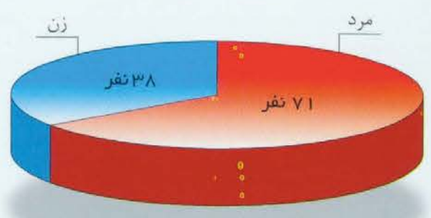

این مرکز آموزش عالی صنایع دستی تاکنون ۱۷ نفر فارغ التحصیل دورهٔ کارشناسی داشته است.

دانشکدهٔ هنر دانشگاه شهید باهنر کرمان

دانشکدهٔ هنر دانشگاه شهید باهنر کرمان از سال ۱۳۷۴ اقدام به پذیرش دانشجو برای رشتهٔ هنرهای سنتی در مقطع کاردانی نموده که تاکنون ۴۸ نفر فارغ التحصیل داشته و هم اکنون نیز ۶۹ نفر دانشجوی دختر و پسر در حال گذراندن دورهٔ مذکور هستند. مرکز آموزش مذکور همچنین از سال ۱۳۷۷ و با پذیرش ۱۶ دانشجو ـ شامل ۴ دانشجوی دختر و ۱۲ دانشجوی پسر ـ اقدام به ایجاد دورهٔ کارشناسی فرش نموده و هم اکنون مجموعاً ۹۵ دانشجوی دختر و پسر در حال طی دورهٔ کارشناسی فرش در دانشکدهٔ هنر

تعداد دانشجویان رشتهٔ فرش دانشکدهٔ معماری و هنر کاشان طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹

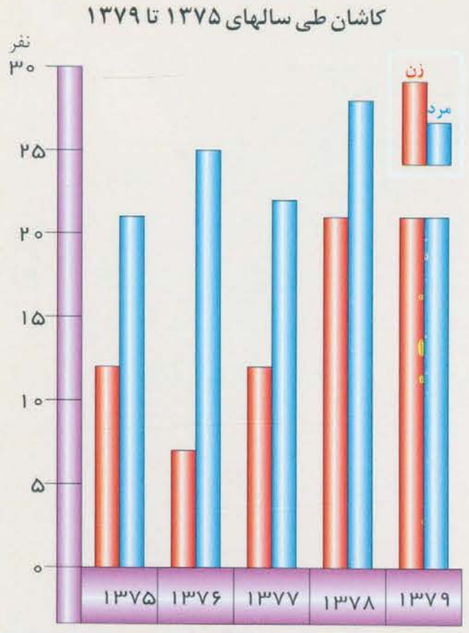

تعداد دانشجویان رشتهٔ فرش دانشکدهٔ هنر تبریز طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸

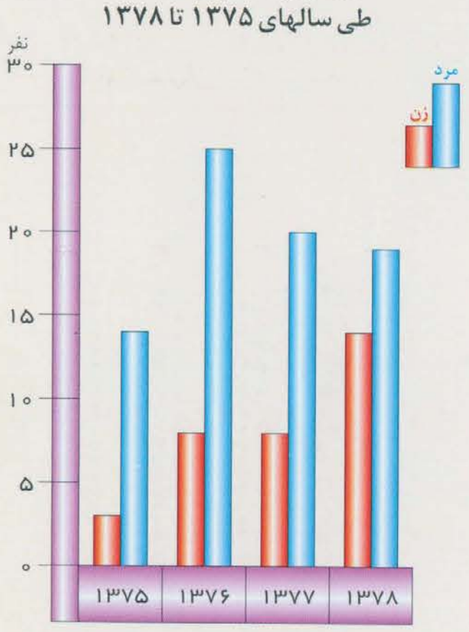

دانشجویان رشتهٔ هنرهای سنتی دانشکدهٔ هنر دانشگاه شهید با هنر کرمان طی سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۹

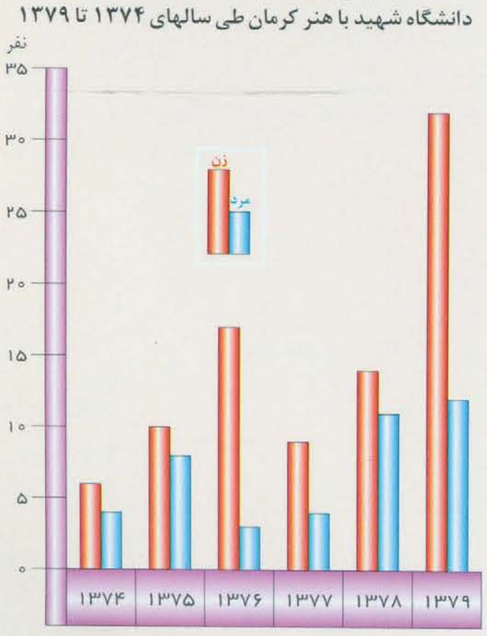

دانشگاه شهید باهنر کرمان هستند.

دانشکدهٔ هنر سیستان و بلوچستان

دانشکدهٔ هنر سیستان و بلوچستان نیز از سال ۱۳۷۳ با ایجاد رشتهٔ کارشناسی صنایع دستی، از سال ۱۳۷۶ با تأسیس رشتهٔ هنرهای سنتی (در مقطع کاردانی) و از سال ۱۳۷۶ با ایجاد رشتهٔ کارشناسی فرش اقدام به پذیرش دانشجو نموده است.

تعداد دانشجویان رشتهٔ صنایع دستی دانشکدهٔ هنر سیستان و بلوچستان طی سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۹

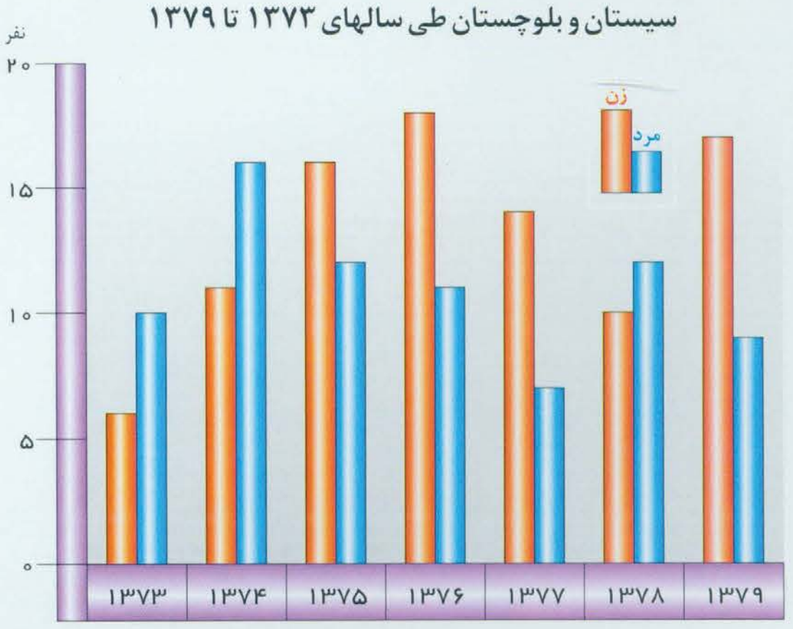

نمودارهای مربوط به پذیرش دانشجو در هر یک از رشته‌های فوق‌الذکر به تفکیک رشته، سال تحصیلی و جنسیت درج گردیده است. گفتنی است که در مجموع در رشتهٔ کارشناسی صنایع دستی ۱۶۹ نفر دانشجو، در رشتهٔ کاردانی هنرهای سنتی جمعاً ۵۷ نفر دانشجو و در رشتهٔ کارشناسی فرش مجموعاً ۱۰۸ نفر دانشجو پذیرش شده‌اند.

دانشکدهٔ هنر و معماری دانشگاه مازندران

دانشکدهٔ هنر و معماری دانشگاه مازندران نیز از سال تحصیلی جاری با پذیرش ۳۶ دانشجو ـ شامل ۲۹ دانشجوی زن و ۷ دانشجوی مرد ـ اقدام به تأسیس رشتهٔ کارشناسی صنایع دستی نموده است.

دانشجویان رشتهٔ صنایع دستی دانشکدهٔ هنر و معماری دانشگاه مازندران سال تحصیلی (۸۰ـ۱۳۷۹)

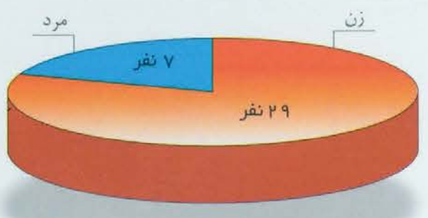

مؤسسهٔ آموزش عالی سوره

مؤسسهٔ آموزش عالی سوره در زمینهٔ آموزش صنایع دستی بسیار فعال عمل نموده است. این مرکز آموزش عالی از سال ۱۳۷۲ با ایجاد دورهٔ کاردانی صنایع دستی وارد فعالیت آموزشی در این «هنر ـ صنعت» شده و در آن سال اقدام به پذیرش ۱۱ دانشجو ـ ۳ دانشجوی دختر و ۸ دانشجوی پسر ـ نموده است، که تماماً در سال ۱۳۷۴ فارغ‌التحصیل شده‌اند.

مؤسسهٔ آموزش عالی سوره از سال ۱۳۷۲ ضمناً دورهٔ کارشناسی صنایع دستی را هم دایر نموده که آمار فعالیتهای آن در نمودارهای ذیل درج شده است. گفتنی است که مؤسسهٔ آموزشی مذکور افزون بر دورهٔ کاردانی و در دورهٔ کارشناسی از سال ۱۳۷۲ تاکنون مجموعاً پذیرای ۲۸۵ نفر دانشجو بوده که ۸۰ نفر از آنان فارغ‌التحصیل شده‌اند.

تعداد دانشجویان رشتهٔ کارشناسی فرش دانشکدهٔ هنر دانشگاه شهید با هنر کرمان طی سالهای ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۹

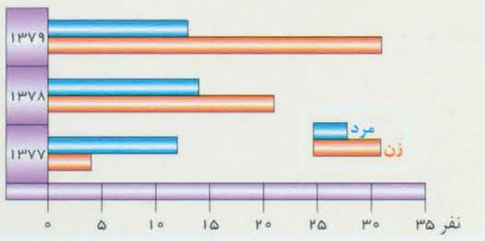

تعداد دانشجویان رشتهٔ کارشناسی‌مرمت دانشکدهٔ هنر دانشگاه شهید با هنر کرمان طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹

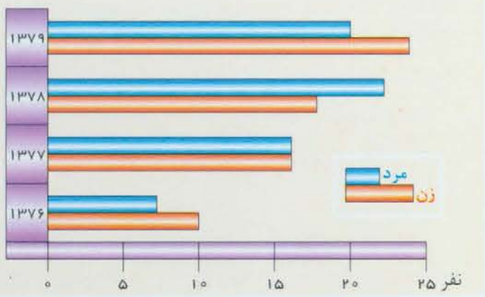

تعداد دانشجویان رشتهٔ فرش دانشکدهٔ هنر سیستان و بلوچستان طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹

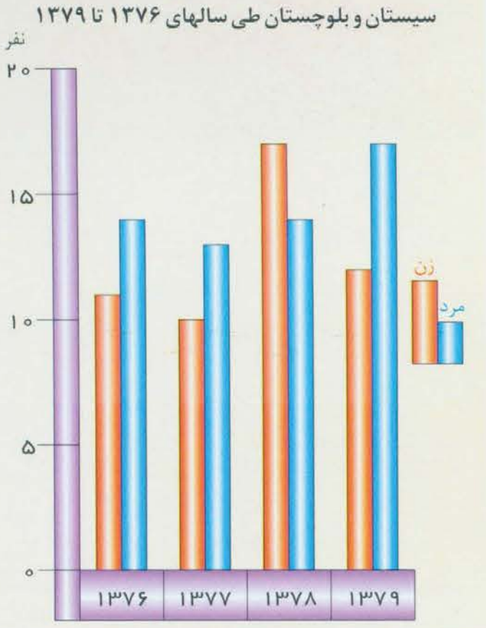

تعداد دانشجویان رشتهٔ هنرهای سنتی دانشکده هنر سیستان و بلوچستان طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸

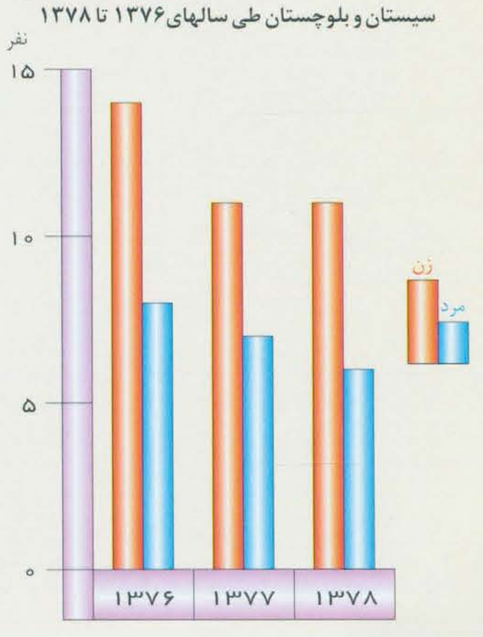

تعداد دانشجویان رشتهٔ صنایع دستی‌مؤسسهٔ آموزش عالی سوره مقطع کارشناسی طی سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۹

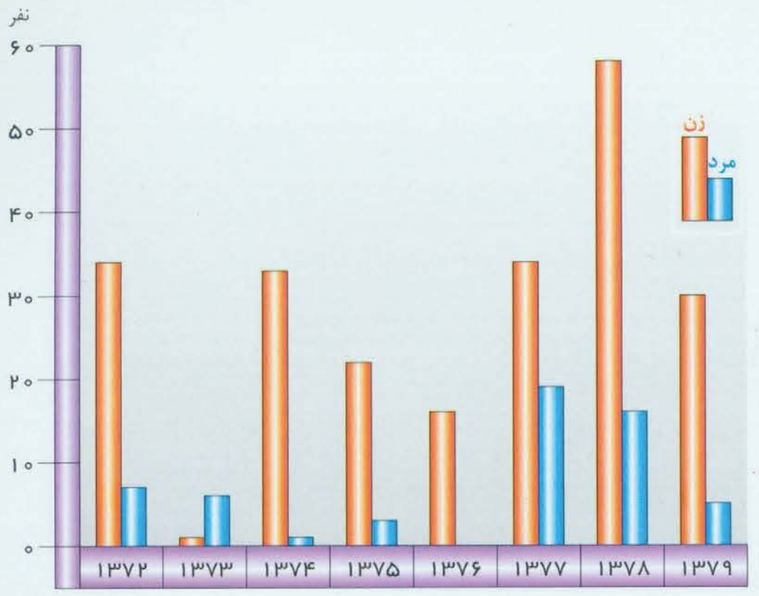

مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی کشور

مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی کشور نیز در سال ۱۳۷۶ اقدام به ایجاد رشتهٔ کارشناسی صنایع دستی نموده و با پذیرش ۳۲ نفر دانشجو ـ ۱۶ نفر دختر و ۱۶ نفر پسر ـ کار خود را در این زمینه آغاز نموده است.

دانشجویان رشتهٔ صنایع دستی مقطع کارشناسی دانشگاه میراث فرهنگی کشور (۱۳۷۶)

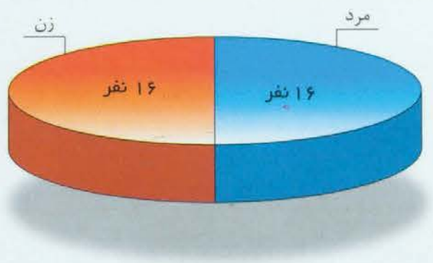

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد، از سال ۱۳۷۲ اقدام به ایجاد دورهٔ کاردانی در رشتهٔ علمی کاربردی فرش دستباف نموده است که آمار مربوط به آن در نمودار زیر درج شده است.

تعداد دانشجویان رشتهٔ علمی کاربردی فرش دستباف مقطع کاردانی دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد طی سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۹

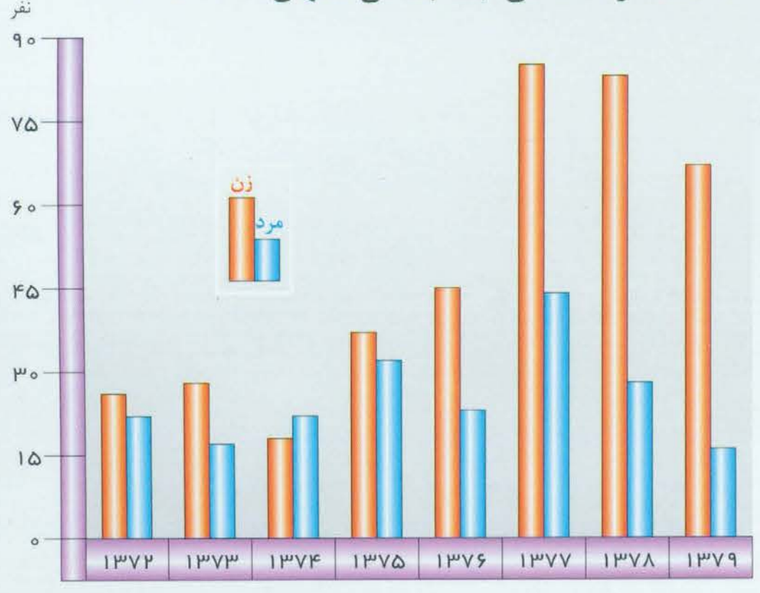

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند

دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند نیز در رشتهٔ «صنایع دستی ـ فرش» در مقطع کاردانی از سال ۱۳۷۳ فعالیت داشته است، که آمار مربوط به فعالیتهای واحد آموزشی مذکور در نمودار زیر درج شده است.

دانشجویان رشتهٔ صنایع دستی ـ فرش مقطع کاردانی
دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند طی سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۹

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد طبس

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد طبس هم از سال ۱۳۷۶ در رشتهٔ کاردانی «صنایع دستی ـ فرش» وارد عمل شده، که آمار مربوط به فعالیتهای آن در نمودار روبه‌رو ذکر شده است.

دانشجویان رشتهٔ صنایع دستی
دانشگاه آزاد اسلامی‌طبس
طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹

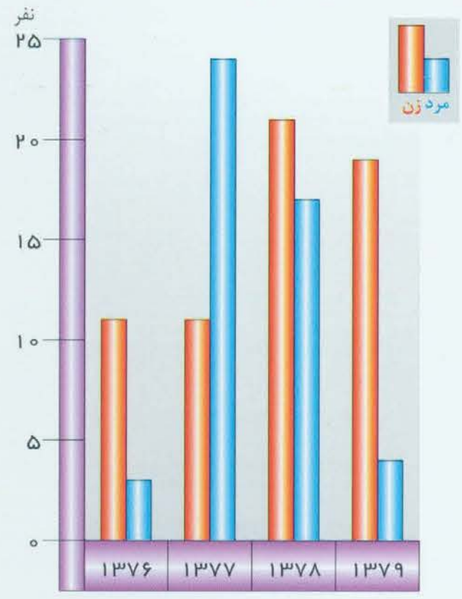

مؤسسهٔ آموزش عالی جهاد دانشگاهی ـ واحد اردکان، یزد

مؤسسهٔ آموزش عالی جهاد دانشگاهی نیز در رشتهٔ کاردانی و کارشناسی فرش، فعالیتهایی داشته است. این مرکز آموزش عالی از سال ۱۳۷۵ در مقطع کارشناسی و از سال ۱۳۷۷ هم در مقطع کارشناسی و هم در مقطع کاردانی اقدام به پذیرش دانشجو نموده است که آمار مربوط به فعالیتهای آن در نمودار آن درج شده است.

وزارت آموزش و پرورش

وزارت آموزش و پرورش نیز در مجموعهٔ فعالیتهای خود به صنایع دستی نیز توجه خاصی نموده و با ایجاد رشتهٔ صنایع‌دستی در برخی از هنرستانهای خود در زمینه تربیت نیروی جوان اقدام نموده است. نقشهٔ روبه‌رو شرح این فعالیتها در مقطع هنرستان است.

وزارت آموزش و پرورش همچنین از سال ۱۳۷۸ با پذیرش ۶۰ دانشجو اقدام به ایجاد دورهٔ کاردانی صنایع دستی (فرش) در آموزشکدهٔ دختران گنبد نموده است، و پیش‌بینی شده که تعداد ۳۰ نفر دانشجوی دیگر نیز از نیمسال دوم سال تحصیلی جاری در مرکز آموزش عالی مذکور پذیرش شوند.

مراکز آموزش عالی وابسته به وزارت جهاد سازندگی

وزارت جهاد سازندگی از طریق ایجاد دوره‌های کاردانی صنایع دستی نیز در عرصهٔ آموزش‌عالی صنایع دستی اقداماتی داشته است که به موجب این آمار از سال ۱۳۷۵تا پایان سال ۱۳۷۸ در ۲۱ مرکز آموزش عالی آن تعداد ۹۴۰ دانشجوی مرد و تعداد ۱۰۹ دانشجوی زن پذیرش شده‌اند. گفتنی است که دورهٔ آموزش عالی مذکور دو ساله و در سطح کاردانی است و پذیرش شدگان در صورت موفقیت پس از ۲ سال موفق به اخذ درجهٔ کاردانی در رشتهٔ تکنولوژی فرش می‌شوند.

دانشجویان دورهٔ فرش دستباف از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸
(مراکز آموزش عالی وابسته به وزارت جهاد سازندگی)

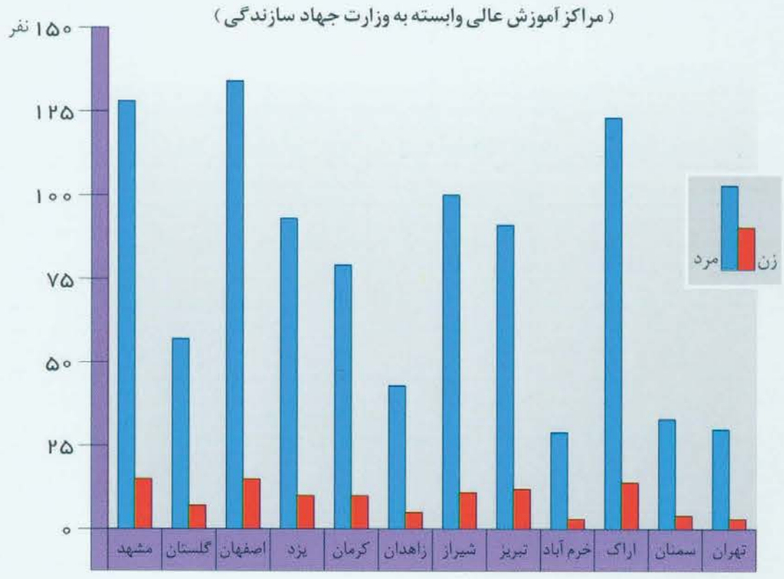

دانشجویان مقطع کارشناسی رشتهٔ فرش مؤسسهٔ آموزش عالی
علوم کاربردی جهاد دانشگاهی اردکان یزد طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹

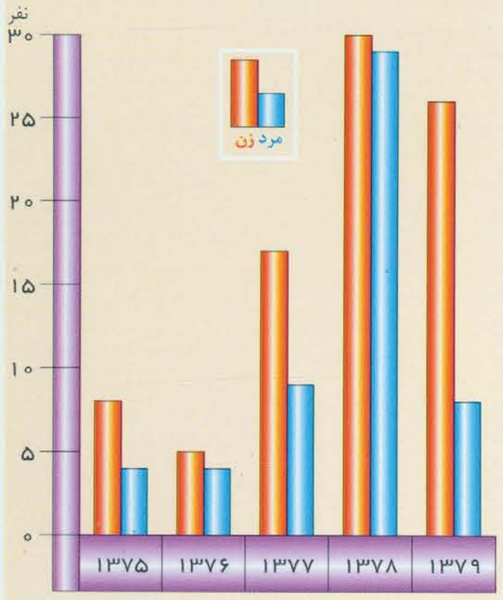

دانشجویان رشتهٔ فرش مؤسسهٔ آموزش عالی علوم کاربردی
جهاد دانشگاهی اردکان به تفکیک مقطع تحصیلی

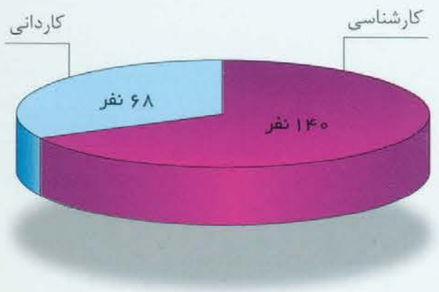

تعداد دانش‌آموزان (هنرستان)
رشتهٔ صنایع دستی استانهای کشور
درسال تحصیلی ۱۳۷۹ـ۱۳۷۸

آموزش صنایع دستی

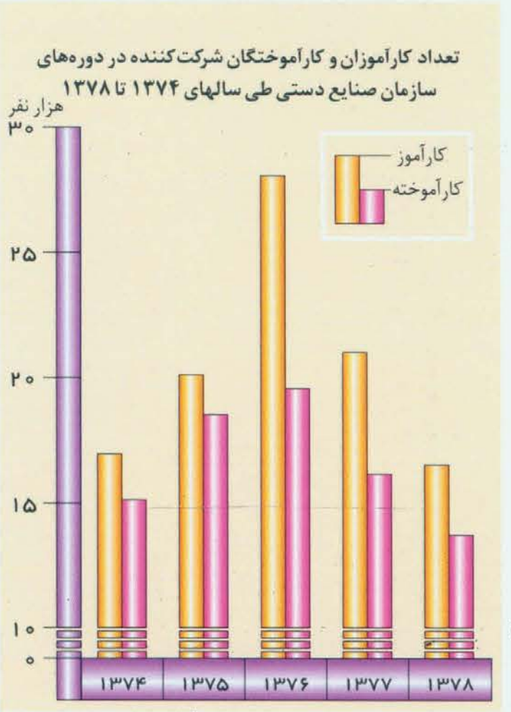

آموزشهای غیر رسمی (آزاد)

آموزش رشته‌های مختلف صنایع دستی به صورتهای مختلف من‌جمله از طریق کارگاههای آموزشی، کارگاههای آموزشی و تولیدی و نیز توسط مراکز از نخستین سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی در دستور کار سازمان صنایع دستی ایران بوده است.

رشته‌های موضوع آموزش در سازمان صنایع دستی ایران بسیار متنوع است و در هر یک از استانها، تقریباً مهمترین صنایع دستی تولیدی رایج در آن را در بر می‌گیرد. ضمن آنکه باید گفت که در مجموع قالی‌بافی و گلیم‌بافی بیشترین سهم را در عرضهٔ فعالیتهای آموزشی سازمان مذکور دارا می‌باشد. بر اساس آمار موجود طی ۵ ساله اخیر، یعنی از سال ۱۳۷۴ تا پایان سال ۱۳۷۸ جمعاً ۱۰۲،۷۱۵ نفر کارآموز به مجموعه فعالیت‌های آموزشی سازمان صنایع دستی ایران وارد و در مجموع ۸۳،۱۷۹ نفرکارآموخته شده‌اند که نمودار آن نشان دهندهٔ آمار مربوط می‌باشد.

سازمان صنایع دستی ایران، ضمناً از سال ۱۳۷۲ با تأسیس آموزشکدهٔ مواد سرامیک در لاله‌جین همدان، کار آموزش در مقطع آموزش عالی ـ دورهٔ کاردانی ـ را نیز دنبال نموده که تاکنون جمعاً ۱۲۵ نفر دانشجو در آموزشکدهٔ مذکور پذیرش شده‌اند و تا پایان شهریور ماه ۱۳۷۹ جمعاً ۹۸ نفر دانشجو موفق به طی دورهٔ کاردانی شده‌اند.

بنیاد فرهنگی فرش رسام عرب‌زاده نیز، که در تاریخ ۱۳۷۴/۴/۱۵ افتتاح و شروع به کار نموده است، آموزش فرش را زیر نظر زنده یاد استاد سید ابوالفتح عرب زاده ملقب به «رسام» حتی از مدتها قبل از تأسیس مرکز مذکور آغاز نموده است. به موجب آمار اعلام شده از بنیاد مذکور تا قبل از سال ۱۳۷۲ در حدود ۱،۵۰۰ نفر و از سال ۱۳۷۲ تا زمان اعلام آمار، یعنی آذرماه ۱۳۷۹ جمعاً ۲،۸۰۱ نفر آموزشهای لازم در زمینهٔ بافت، رنگرزی و رفو را ـ که البته بیشترین تعداد به بافت مربوط می شود ـ فراگرفته‌اند.

معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهادسازندگی نیز با برگزاری دوره‌های مختلف و متعدد (فراگیر) آموزشی برای روستاییان علاقه‌مند در سراسر کشور در زمینهٔ تربیت نیروی انسانی اقداماتی را به عمل آورده که نمودارهای پیوست مؤید عملکرد دوره‌های برگزار شده طی سالهای برنامهٔ اول توسعه (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲) و سالهای برنامهٔ دوم توسعه (۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵) است.

معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهادسازندگی، همچنین از طریق آموزشهای فنی و حرفه‌ای غیر رسمی نیز در جهت تربیت نیروی متخصص در رشته‌های گوناگون صنایع دستی، اقداماتی را به عمل آورده که در نقشهٔ پیوست فعالیتهای انجام شده در سال ۱۳۷۸ آورده شده است.

وزارت جهاد سازندگی با برگزاری دوره‌های «آموزش کار ـ دانش» نیز، فعالیتهای آموزشی ثمربخشی در زمینه‌های قالی‌بافی و طراحی نقشهٔ قالی داشته است که نقشهٔ زیر نشانگر فعالیتهای انجام شده در سطح ۲۸ استان کشور طی سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۶ می‌باشد.

ادارهٔ کلّ فرش و صنایع دستی روستایی وزارت جهاد سازندگی نیز در زمینهٔ آموزش رشته‌های مختلف صنایع دستی نظیر گلیم‌بافی، منبت‌کاری، معرق‌کاری، نازک‌کاری چوب و غیره فعالیتهای آموزشی ثمربخشی را در جهت نوآموزی و ارتقای سطح مهارت صنعتگران دستی در استانهای مختلف کشورمان داشته است که نقشهٔ پیوست مؤید فعالیتهای انجام شده در این زمینه در سال ۱۳۷۸ می‌باشد.

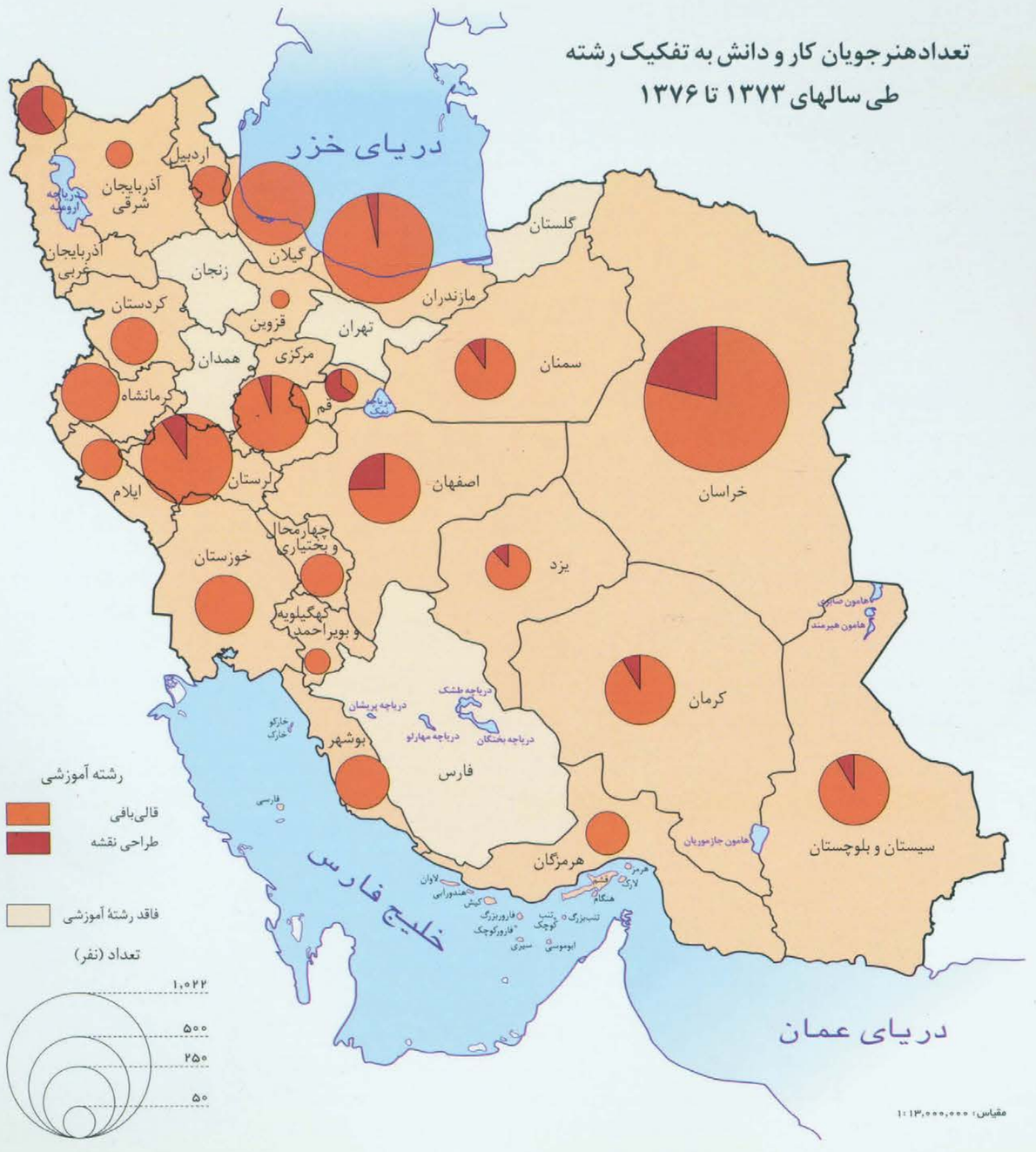

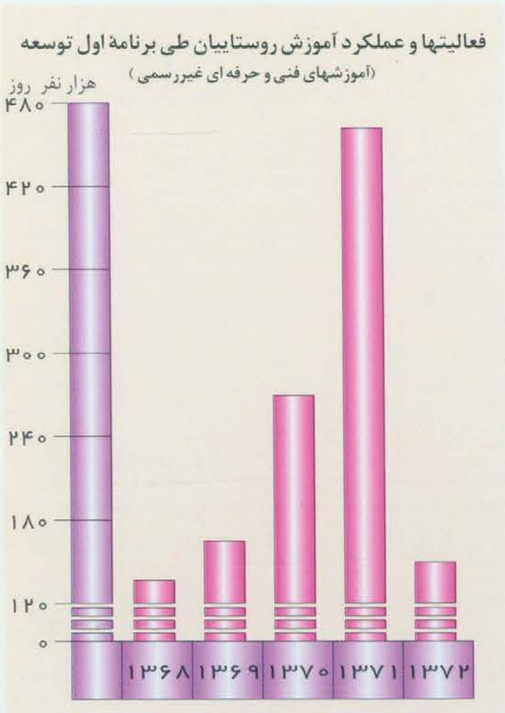
فعالیتها و عملکرد آموزش روستاییان طی برنامهٔ اول توسعه
(آموزشهای فنی و حرفه ای غیررسمی)
هزار نفر روز
۴۸۰
۴۲۰
۳۶۰
۳۰۰
۲۴۰
۱۸۰
۱۲۰
۰
۱۳۶۸
۱۳۶۹
۱۳۷۰
۱۳۷۱
۱۳۷۲

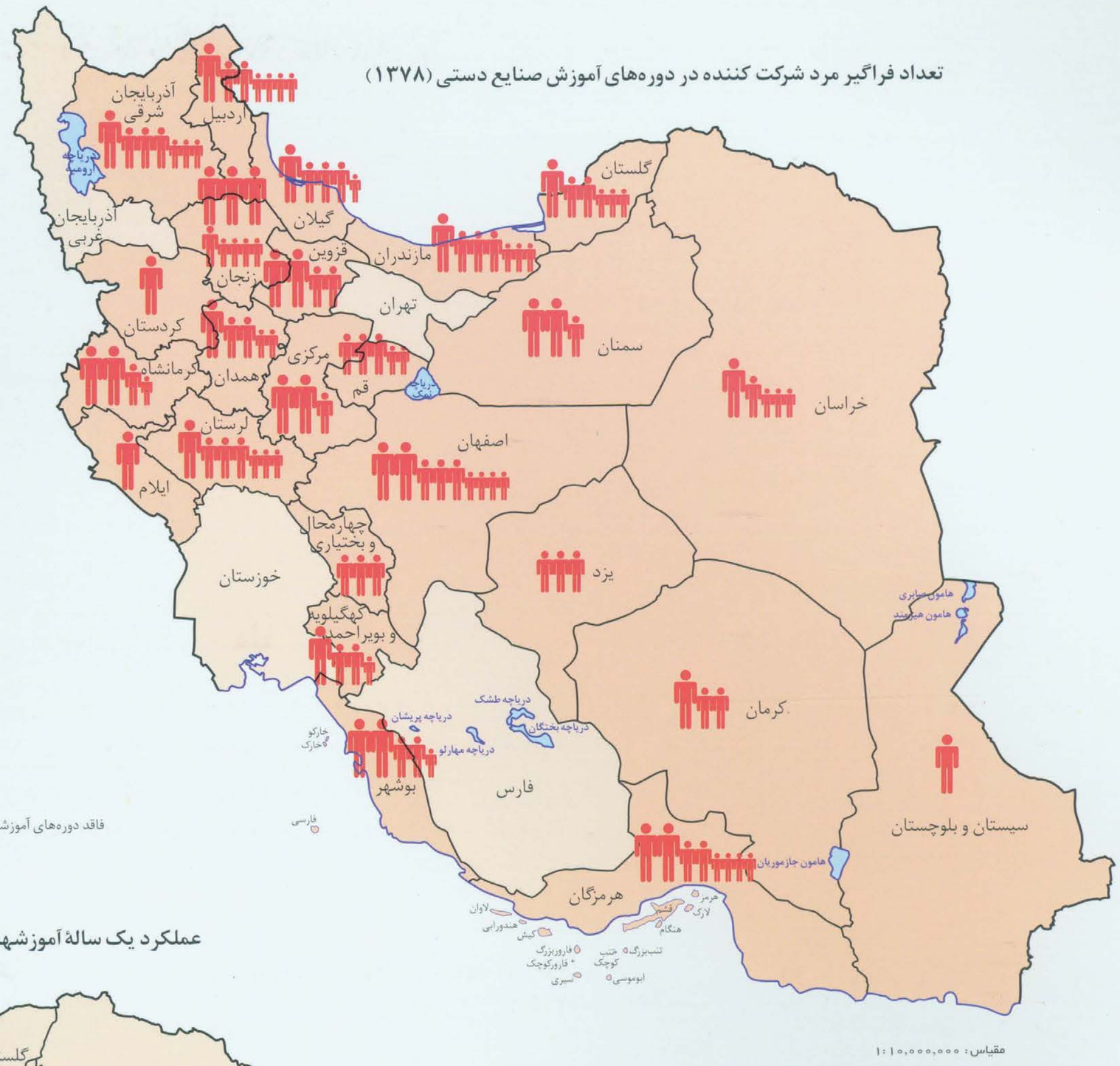
تعداد فراگیر مرد شرکت کننده در دوره‌های آموزش صنایع دستی (۱۳۷۸)
آذربایجان شرقی
اردبیل
دریاچه ارومیه
آذربایجان غربی
گیلان
گلستان
قزوین
زنجان
مازندران
تهران
کردستان
سمنان
مرکزی
کرمانشاه
همدان
قم
دریاچه نمک
خراسان
لرستان
اصفهان
ایلام
چهارمحال و بختیاری
خوزستان
یزد
کهگیلویه و بویراحمد
هامون صابری
هامون هیرمند
کرمان
دریاچه طشک
دریاچه پریشان
دریاچه بختگان
خارکو
گاخارک
دریاچه مهارلو
بوشهر
فارس
فارسی
سیستان و بلوچستان
هامون جازموریان
هرمزگان
لاوان
هرمز
لارک
قشم
کیش
هندورابی
هنگام
فاروربزرگ
فاروركوچک
تنب بزرگ
تنب کوچک
سیری
ابوموسی
نفرمرد شرکت‌کننده
۲۰
۵
۱
فاقد دوره‌های آموزشی صنایع دستی
مقیاس: ۱:۱۰,۰۰۰,۰۰۰

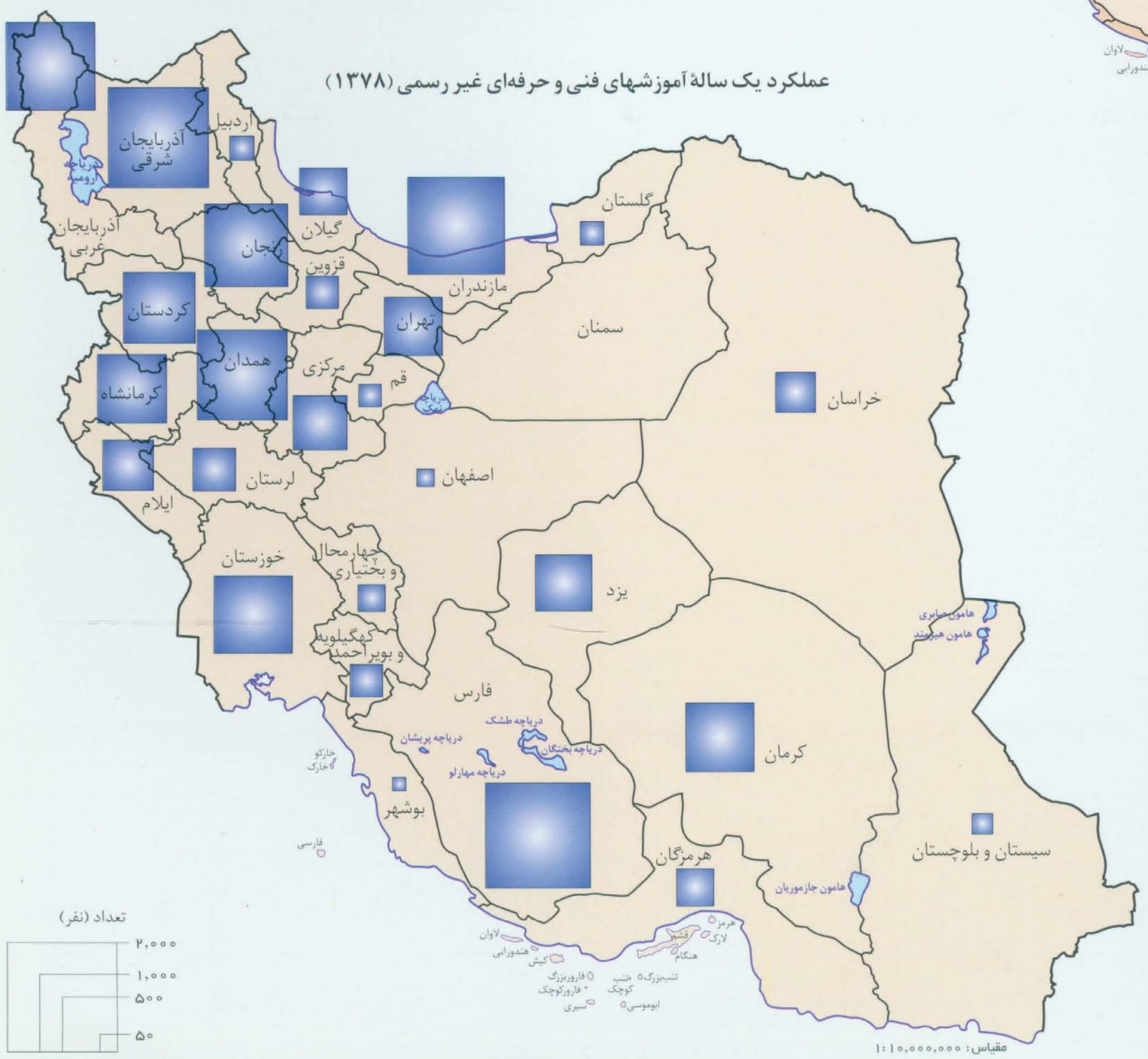
عملکرد یک سالهٔ آموزشهای فنی و حرفه‌ای غیر رسمی (۱۳۷۸)
آذربایجان شرقی
اردبیل
دریاچه ارومیه
آذربایجان غربی
گیلان
زنجان
قزوین
گلستان
مازندران
کردستان
تهران
سمنان
همدان
مرکزی
قم
کرمانشاه
دریاچه نمک
خراسان
اصفهان
لرستان
ایلام
خوزستان
چهارمحال و بختیاری
یزد
کهگیلویه و بویراحمد
هامون صابری
هامون هیرمند
فارس
دریاچه طشک
دریاچه پریشان
دریاچه بختگان
کرمان
خارکو
گاخارک
دریاچه مهارلو
بوشهر
فارسی
سیستان و بلوچستان
هرمزگان
هامون جازموریان
لاوان
هرمز
لارک
قشم
کیش
هندورابی
هنگام
فاروربزرگ
فاروركوچک
تنب بزرگ
تنب کوچک
سیری
ابوموسی
تعداد (نفر)
۲,۰۰۰
۱,۰۰۰
۵۰۰
۵۰
مقیاس: ۱:۱۰,۰۰۰,۰۰۰

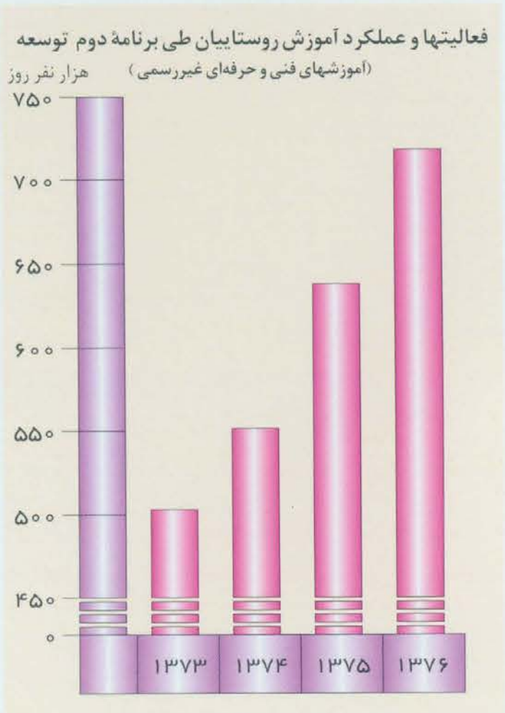
فعالیتها و عملکرد آموزش روستاییان طی برنامهٔ دوم توسعه
(آموزشهای فنی و حرفه‌ای غیررسمی)
هزار نفر روز
۷۵۰
۷۰۰
۶۵۰
۶۰۰
۵۵۰
۵۰۰
۴۵۰
۰
۱۳۷۳
۱۳۷۴
۱۳۷۵
۱۳۷۶

آموزش صنایع دستی

دستی، هنرهای سنتی و فرش قرار می‌گیرند و بازدیدکنندگان ضمن دیدار و مشاهدهٔ عینی شیوه‌های تولید، از محضر استادان ذی‌صلاح و متخصص و صاحب‌نظران بهره‌مند می‌شوند و اطلاعات و دقایق و ظرایف کار را دریافت می‌کنند.

طرح آموزش قالی‌بافی شرکت سهامی فرش ایران از سال ۱۳۵۸ لغایت ۱۳۷۹

نام اداره	شرح	تعداد روستاهای زیر پوشش	تعداد افراد آموزش دیده نفر	افراد زیر پوشش نفر
سمنان	ازسال ۵۸ لغایت ۶۸	۱۴	۳۹۵	۲۶۰
کرمان	ازسال ۵۸ لغایت ۶۸	۷	۵۲۰	۳۵۰
چهارمحال‌و بختیاری	ازسال ۵۸ لغایت ۶۸	۱۸	۲,۳۰۰	۶۴۰
کهگیلویه‌و بویراحمد	ازسال ۵۸ لغایت ۶۸	۵۸	۵,۹۰۰	۵۲۰
ایلام	ازسال ۵۸ لغایت ۶۸	۴۰	۲,۸۰۰	۱,۵۰۰
کردستان	ازسال ۵۸ لغایت ۶۸	۱۳	۱,۰۵۵	۷۵۰
سیستان و بلوچستان	ازسال ۵۸ لغایت ۶۸	۲۷	۱۱,۵۰۰	۲,۴۰۰
اهواز	در سال ۱۳۷۷	-	۶۵۰	-
کرمانشاه	در سال ۱۳۷۸	-	۵۰۰	-
سیستان و بلوچستان	در سال ۱۳۷۹	-	۲۰۰	-
تهران	در سال ۱۳۷۹	کلاسهای آموزشی قالیبافی پیشرفته	۲۶	-
تهران	در سال ۱۳۷۹	کلاسهای پیشرفته‌طراحی	۸۱	-

آموزشهای ضمن خدمت نیز در دستور کار وزارت جهاد سازندگی از طریق «مؤسسهٔ آموزش عالی علمی ـ کاربردی» بوده و در این رابطه تلاش برآن می‌باشد تا با پیش‌بینی دوره‌های لازم، موجبات ارتقای سطح دانش عمومی و اطلاعات کارکنان مسئول در امر صنایع دستی فراهم آید.

شرکت سهامی فرش ایران به عنوان قدیمیترین سازمان مسئول در امر فرش کشور و نیز افزون بر فعالیتهای تولیدی و ترویجی، فعالیتهای آموزشی ثمربخشی را نیز داشته است که فعالیتهای آموزشی انجام شده از طریق مراکز شرکت سهامی فرش در سراسر کشور به شرح جدول فوق است.

موزهٔ فرش ایران که از سال ۱۳۵۶ افتتاح شده و کارخود را آغاز کرده است، در زمینهٔ بافت قالی (مقدماتی و پیشرفته)، طراحی (مقدماتی و پیشرفته) و همچنین مرمت قالی، فعالیتهای آموزشی مستمری را طی ده سال گذشته داشته است و در این رهگذر توفیق آن را یافته است که افزون بر آموزش هنرجویان حین خدمت (اعم از اعضای آموزش و پرورش شامل مربیان کار و دانش و مربیان امور تربیتی و پرورشی و نیز کارکنان موزهٔ فرش) جمعاً به ۸,۵۰۰ نفر آموزشهای لازم را ارائه دهد. از جمله آنکه موزه فرش در سال ۱۳۷۸ توانسته است جمعاً به ۷۹۲ نفر در زمینه‌های مختلف مرتبط با قالی، آموزشهای لازم را ارائه دهد.

یکی دیگر از مؤسسات و سازمانهایی که به‌طور مستقیم و به‌ویژه به‌گونه‌ای غیرمستقیم ولی در عین حال بسیار مؤثر در آموزش صنایع دستی نقش دارد، سازمان میراث فرهنگی کشور است.

سازمان میراث فرهنگی کشور با ایجاد دو مرکز ارائه شیوهٔ تولید و تولید آثار بسیار با ارزش صنایع دستی در شهرهای تهران و کاشان به طرز بسیار جالب و گویایی شیوه‌های تولید محصولات خاتم، قلمزنی، سازسازی سنتی، خوشنویسی، طراحی، نگارگری، منبت، معرق، منبت معرق، قالی‌بافی، گلیم‌بافی، زری‌بافی و سفالگری را در شهر تهران و نیز شیوه‌های تولید پارچه‌ها و منسوجاتی نظیر مخمل، زری، شَعر و زیلو را در شهر کاشان، با بهره‌گیری از استادان مسلم رشته‌های مذکور ارائه نموده است.

مراکز مذکور، که در واقع به صورت نمایش زندهٔ تولید Work Shop فعالیت دارند همه روزه مورد بازدید دانش‌آموزان و دانشجویان رشته‌های گوناگون هنری و به‌ویژه صنایع

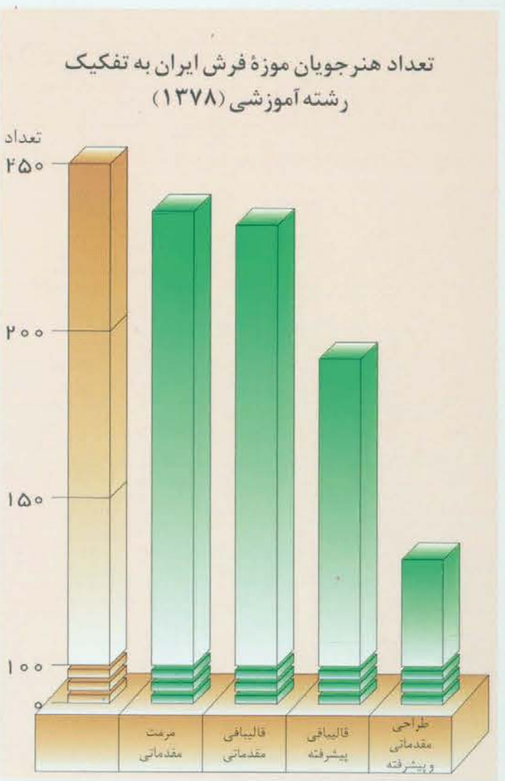

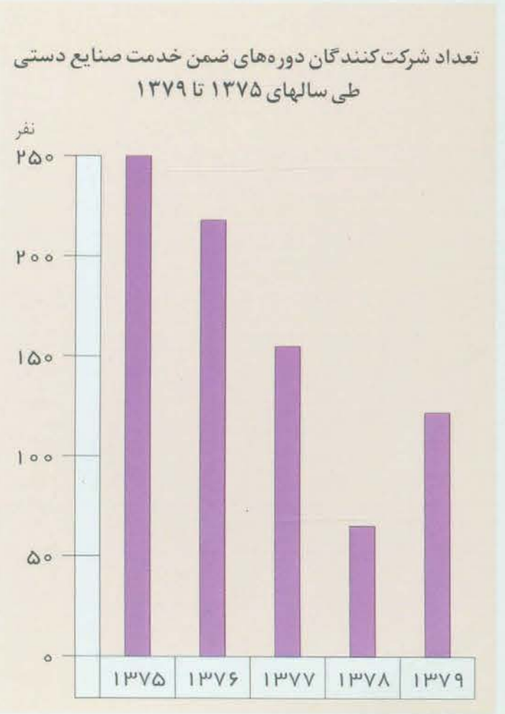

آشنایی با ویژگیها و شاخصهای اقتصادی رشته‌های صنایع دستی

فصل چهارم:

- بافته‌های داری
- نساجی سنتی
- رودوزیها و بافتنیها
- رنگرزیها و چاپهای سنتی
- سفالگری و سرامیک‌سازی
- شیشه‌گری
- فرآورده‌های پوست و چرم
- هنرهای مرتبط با فلز
- هنرهای مرتبط با چوب
- سنگتراشی و حکاکی روی سنگ
- حصیربافی
- نگارگری و آثار لاکی
- سایر صنایع دستی

آشنایی با ویژگی‌ها و شاخص‌های اقتصادی رشته‌های صنایع دستی ایران

شاخصهای اقتصادی

تولید صنایع دستی در همهٔ شهرها، اکثر روستاها و تمامی مناطق عشایری کشورمان رواج دارد. باعنایت به طبقه‌بندی متراکمی که از صنایع دستی ایران در ۱۳ گروه ارائه شده است باید گفت که بافته‌های داری ـ قالی، انواع گلیم، زیلو، گبه و پلاس ـ با ۲،۳۹۹،۹۹۳ نفر شاغل و دست‌اندرکار، بالاترین میزان اشتغال یعنی ۹۰/۱۵ درصد از کل اشتغال در صنایع دستی کشور را به خود اختصاص داده است و پس از آن باید از نساجی سنتی با ۷۵،۱۱۰ نفر اشتغال که ۲/۸۲ درصد از کل اشتغال را تشکیل می‌دهد، ذکر نام کرد. تفاوت بین میزان اشتغال در بافته‌های داری به عنوان نخستین گروه از نظر اشتغال با گروه دوم یعنی نساجی سنتی خود نشان دهندهٔ گستردگی بافته‌های داری در کشور و سهم شایسته و اهمیّت در خور توجه آن به لحاظ میزان تولید سالانه است.

در میان ۲۸ استان کشورمان، استان پهناور خراسان بیشترین میزان اشتغال در صنایع دستی کشورمان را با ۵۴۲،۸۶۵ نفر صنعتگر بر عهده دارد ولی به لحاظ تنوع صنایع دستی باید از استان اصفهان نام برد چرا که از این حیث و در میان تمامی استانهای کشور شاخص و نمونه است. گو اینکه این استان از لحاظ میزان اشتغال نیز با ۳۷۷،۳۳۸ نفر در رتبهٔ دوم از لحاظ اشتغال در صنایع دستی قرار دارد.

کل میزان شاغلین صنایع دستی کشور جمعاً ۲،۶۶۲،۰۹۶ نفر می‌باشد و در حال حاضر میزان تولید سالانهٔ این «هنر ـ صنعت» را ۱۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (ده هزار میلیارد) ریال برآورد کرده‌اند. گفتنی است که بر اساس آخرین برآوردهای به عمل آمده متوسط سرانهٔ اشتغال در صنایع دستی حدود ۲،۵۰۰،۰۰۰ ریال و متوسط سرانهٔ اشتغال در صنعت حدود ۸۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال است و لذا صنایع دستی با کمترین سرانهٔ اشتغال می‌تواند سهم شایسته‌ای در ایجاد اشتغال مولد و درآمد داشته باشد.

صنعتگران شاغل در رشتهٔ بافته‌های داری
(۱۳۷۹)

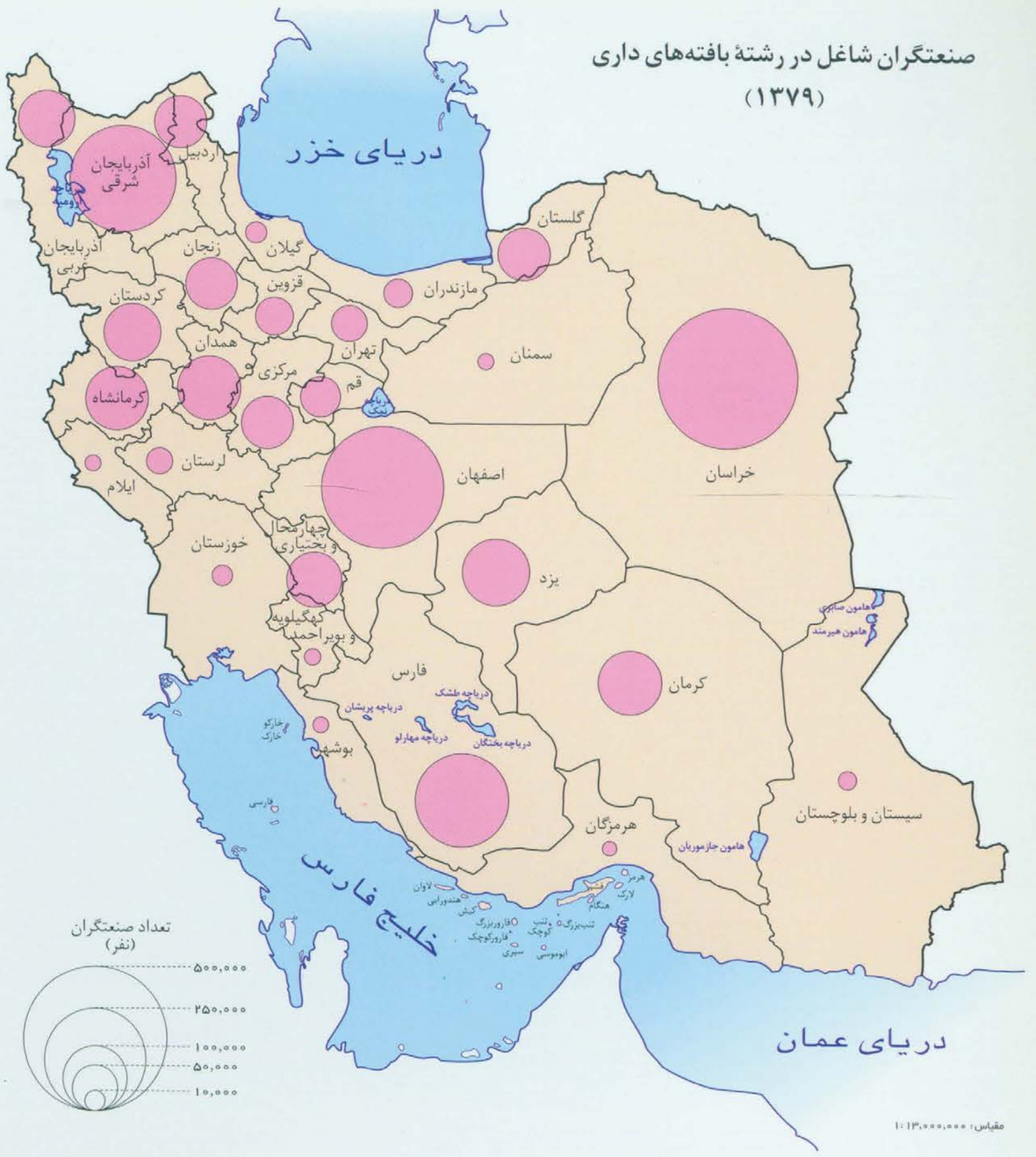

صنعتگران شاغل در رشتهٔ نساجی سنتی
(۱۳۷۹)

صنعتگران شاغل در رشتهٔ رودوزیها و بافتنیها
(۱۳۷۹)

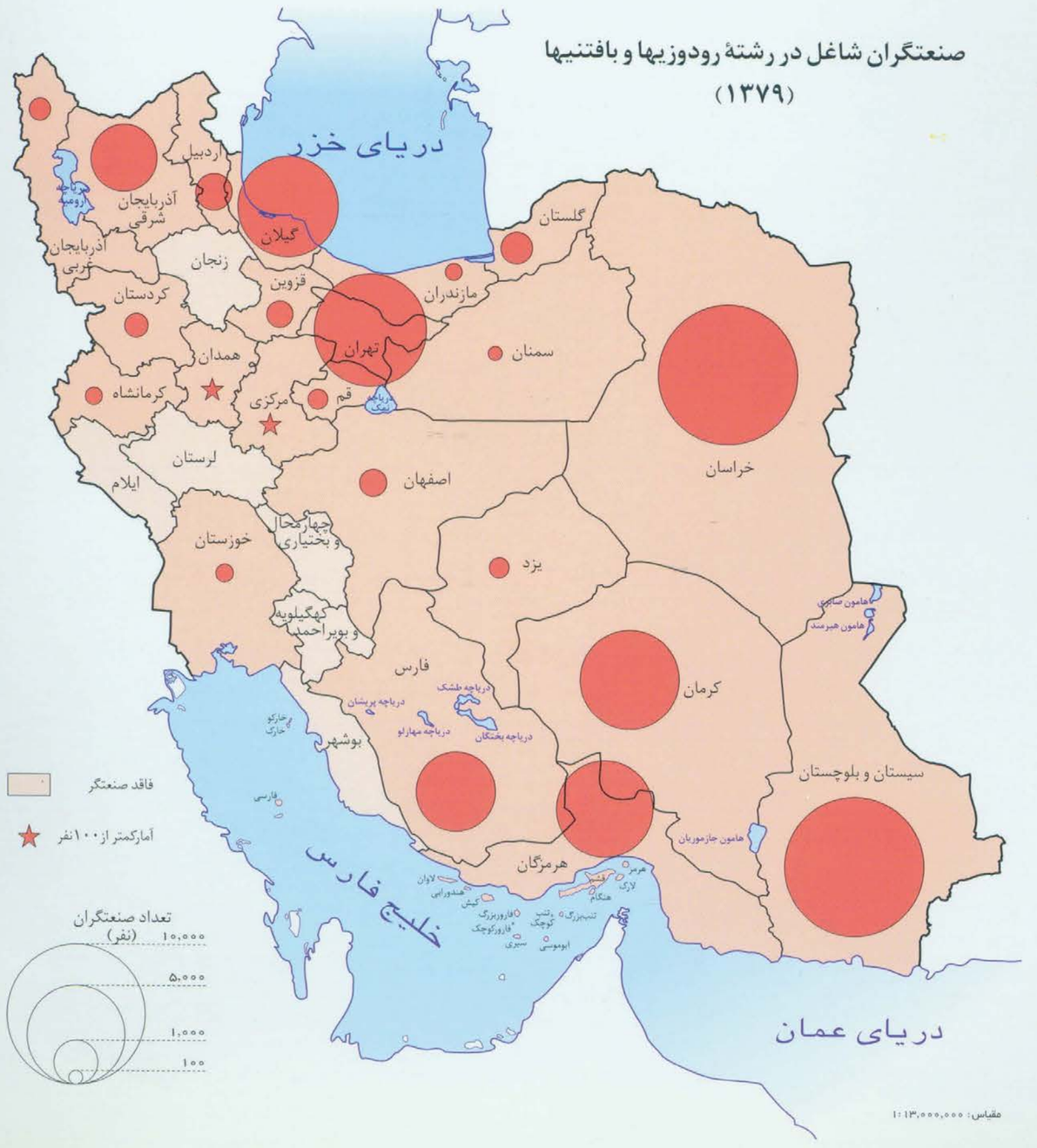

صنعتگران شاغل در رشتهٔ رنگرزی و چاپ سنتی
(۱۳۷۹)

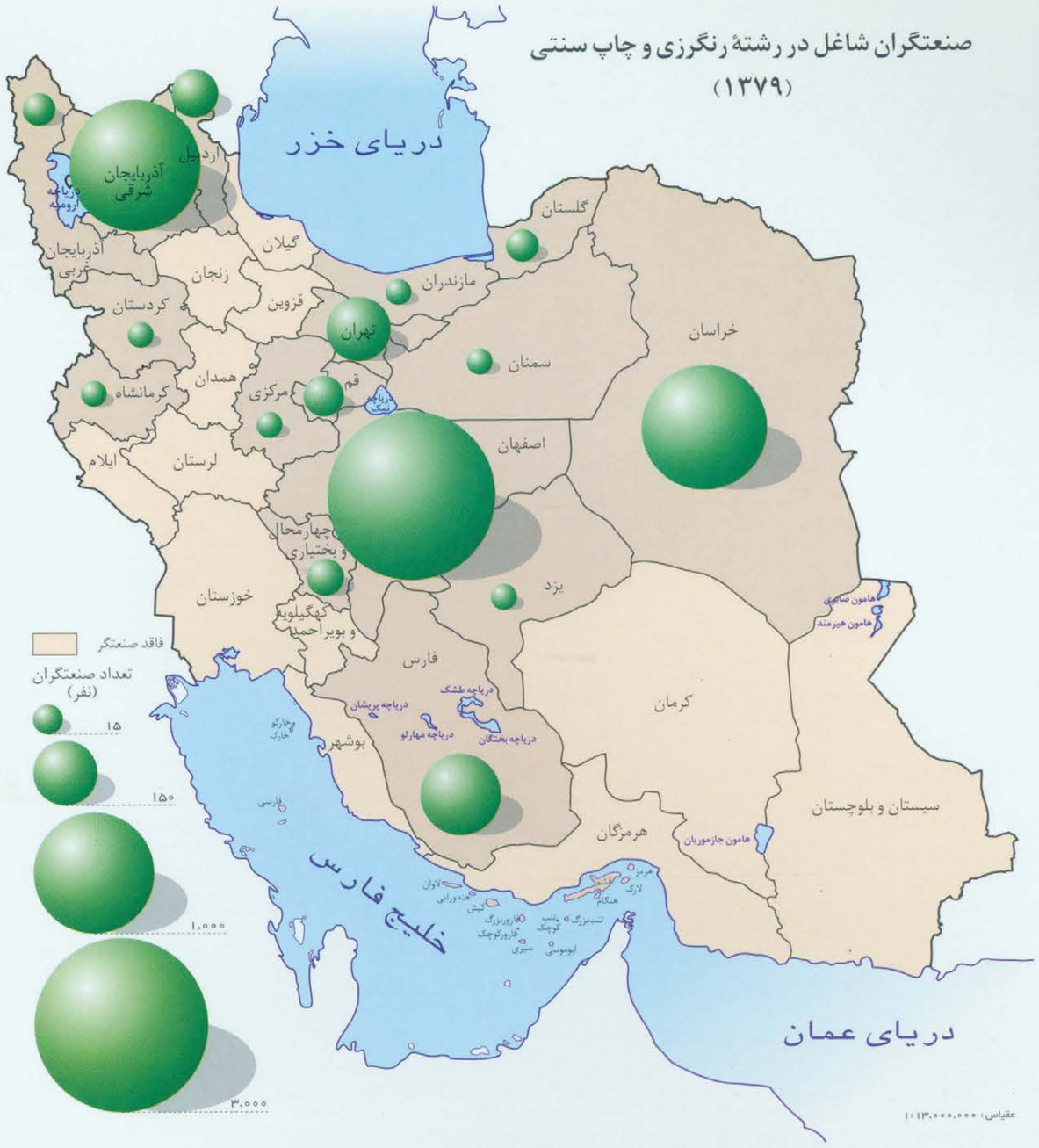

صنعتگران شاغل در رشتهٔ شیشه‌گری
(۱۳۷۹)

صنعتگران شاغل در رشتهٔ سفالگری و سرامیک‌سازی
(۱۳۷۹)

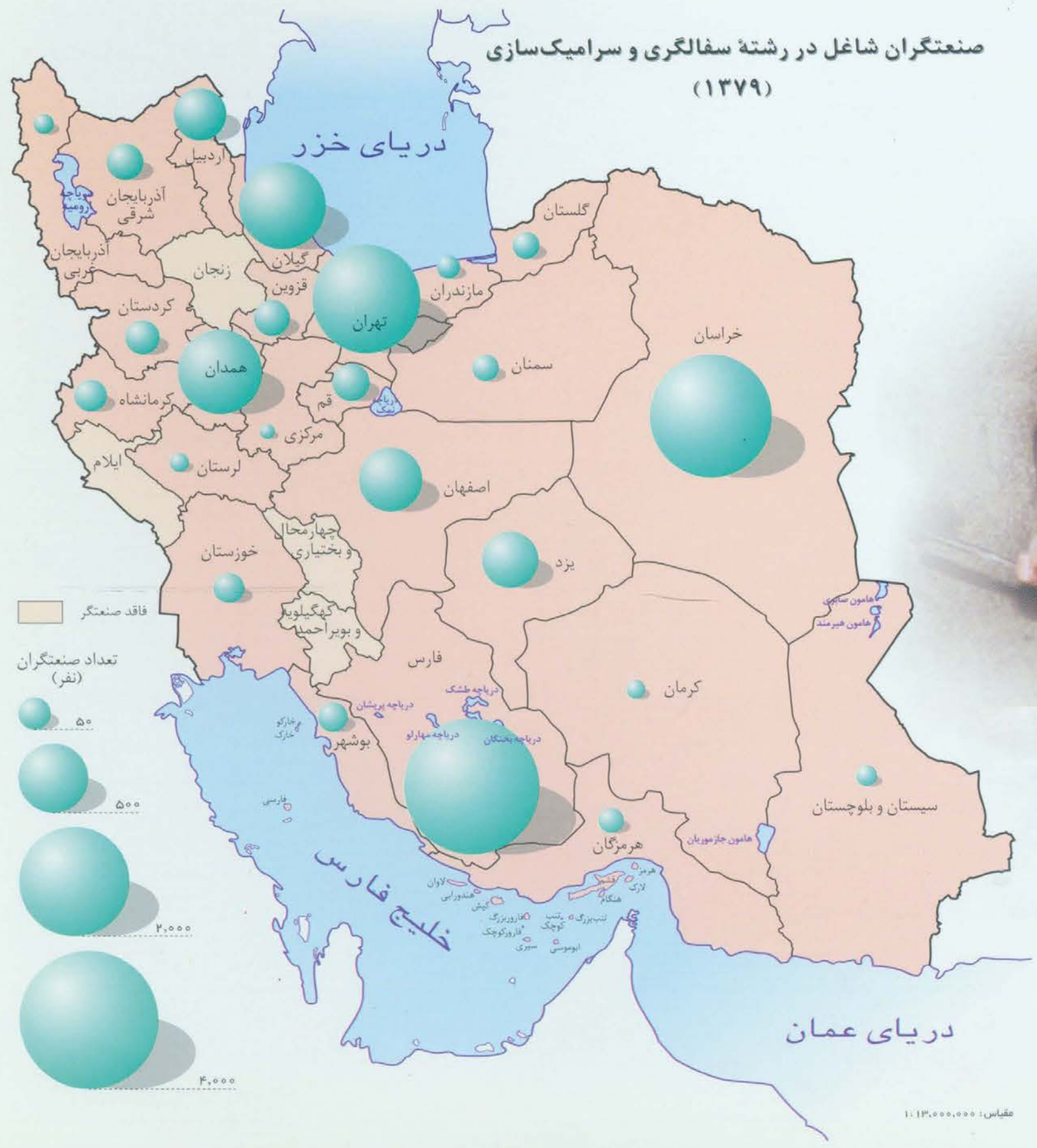

آشنایی با ویژگی‌ها و شاخص‌های اقتصادی رشته‌های صنایع دستی ایران

صنعتگران شاغل در رشتهٔ فرآورده‌های پوست و چرم (۱۳۷۹)

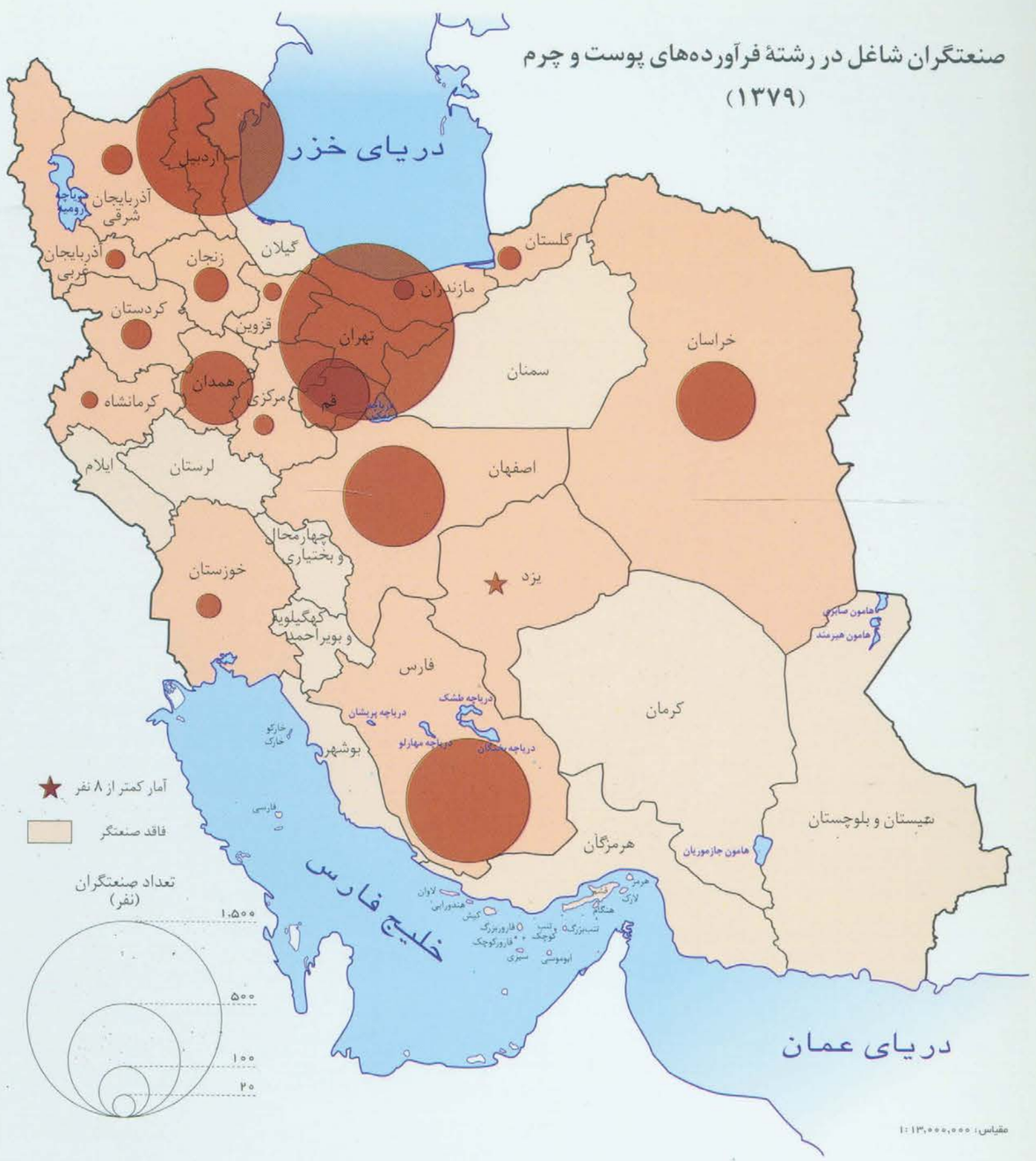

صنعتگران شاغل در رشتهٔ هنرهای مرتبط با فلز (۱۳۷۹)

صنعتگران شاغل در رشتهٔ هنرهای مرتبط باچوب (۱۳۷۹)

صنعتگران شاغل در رشتهٔ سنگتراشی وحکاکی روی سنگ (۱۳۷۹)

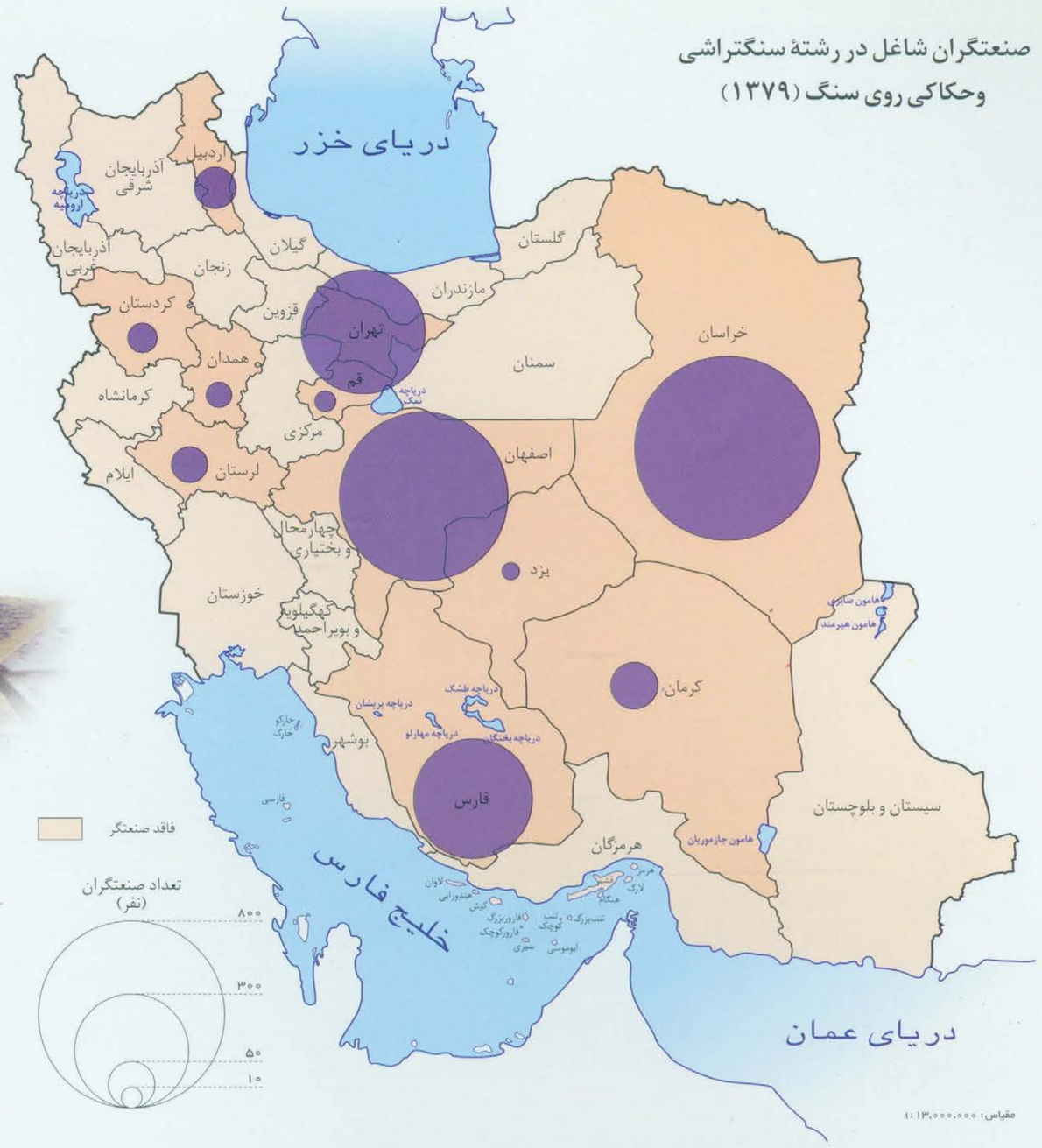

صنعتگران شاغل در رشتهٔ طراحی و نگارگری (۱۳۷۹)

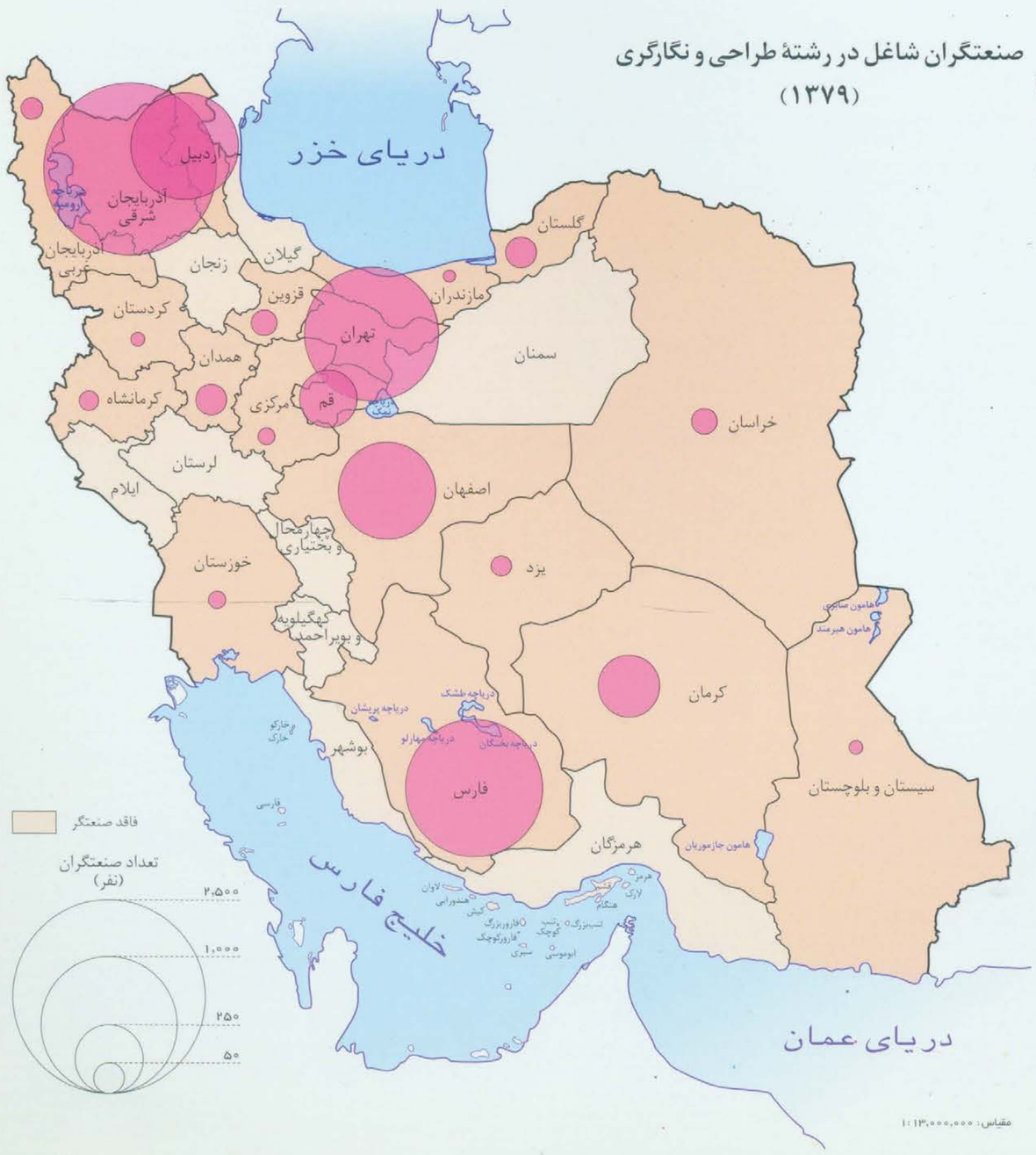

صنعتگران شاغل در رشتهٔ حصیر بافی (۱۳۷۹)

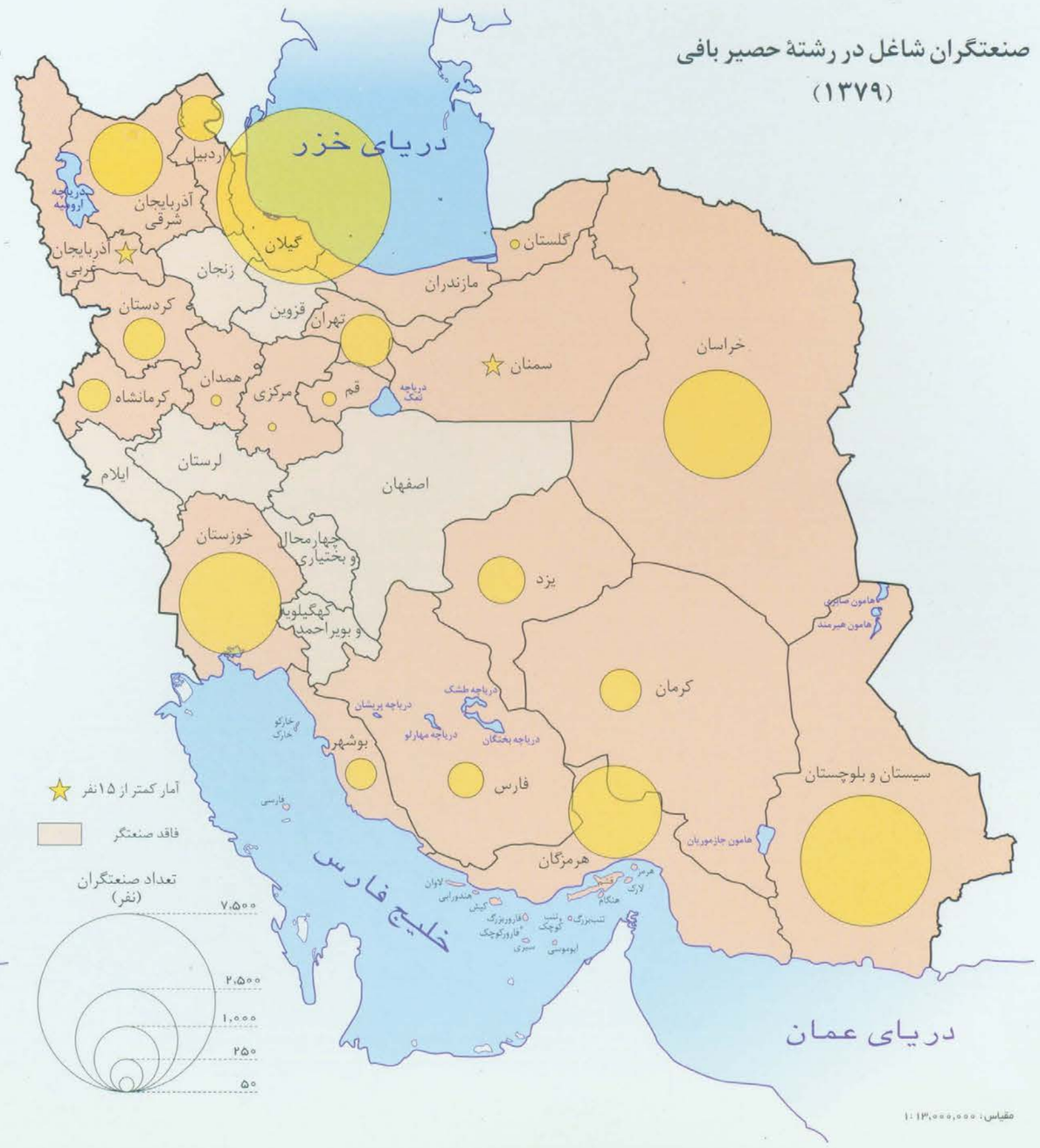

آشنایی با ویژگی‌ها و شاخص‌های اقتصادی رشته‌های صنایع دستی ایران

صنعتگران شاغل در رشتهٔ آثار لاکی و روغنی
(۱۳۷۹)

صنعتگران شاغل در سایر رشته‌های صنایع دستی
(۱۳۷۹)

صنعتگران شاغل در رشتهٔ صحافی
(۱۳۷۹)

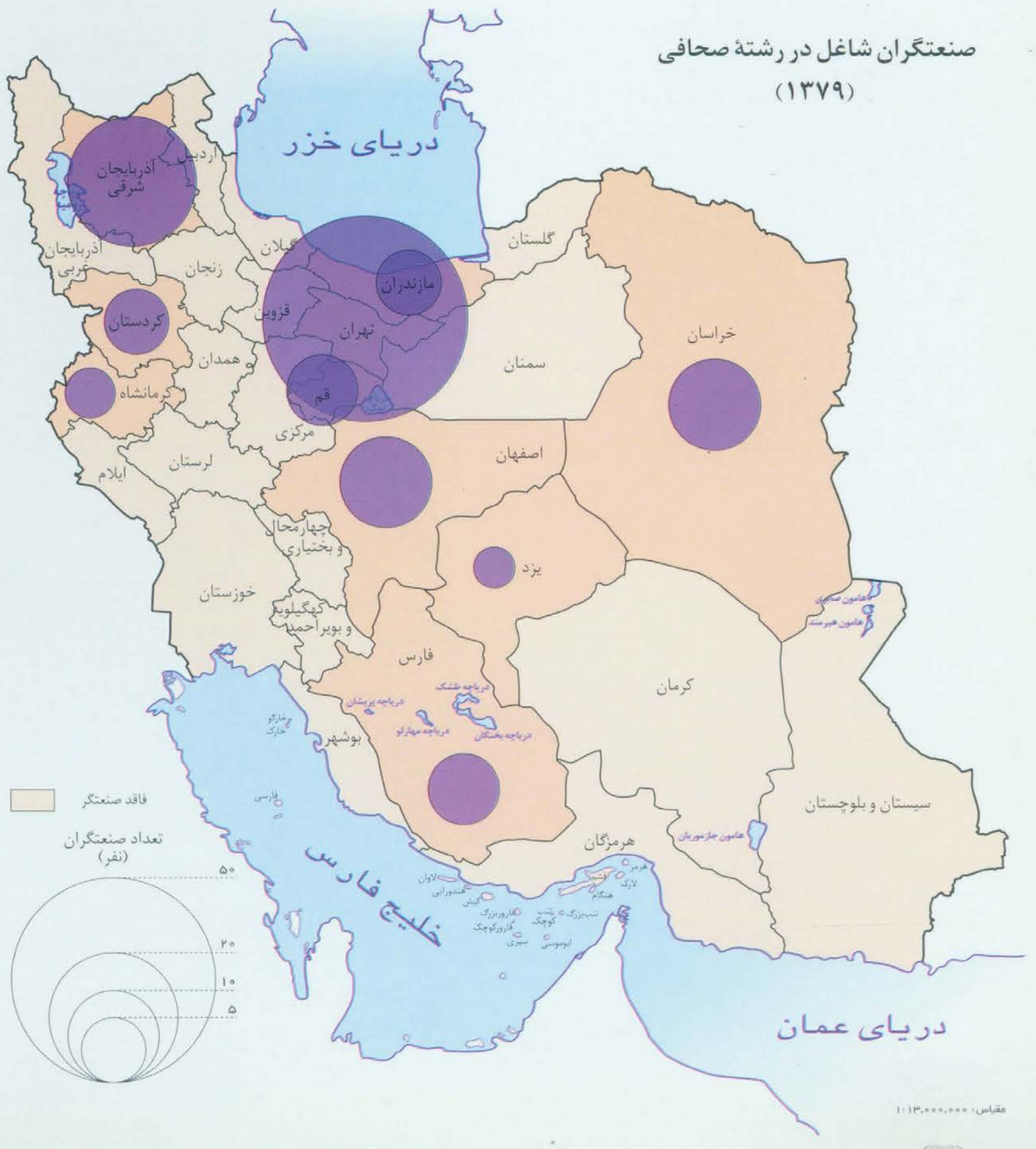

تعداد کل صنعتگران شاغل در رشته‌های مختلف صنایع دستی (۱۳۷۹)

آشنایی با ویژگی‌ها و شاخص‌های اقتصادی رشته‌های صنایع دستی ایران

نظر به اینکه سازمان صنایع دستی ایران تنها سازمانی است که موظف به فعالیت در همهٔ رشته‌های صنایع دستی در سطح کشور- به ویژه تولید محصولات صنایع دستی- است، لذا برای آگاهی از میزان تولید در رشته‌های گوناگون صنایع دستی توسط سازمان مذکور، اقدام به تهیهٔ آمار میزان تولید صنایع دستی توسط این سازمان طی سالهای ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ گردید که آمار مربوط بر روی نقشه‌ها مشخص شده است.

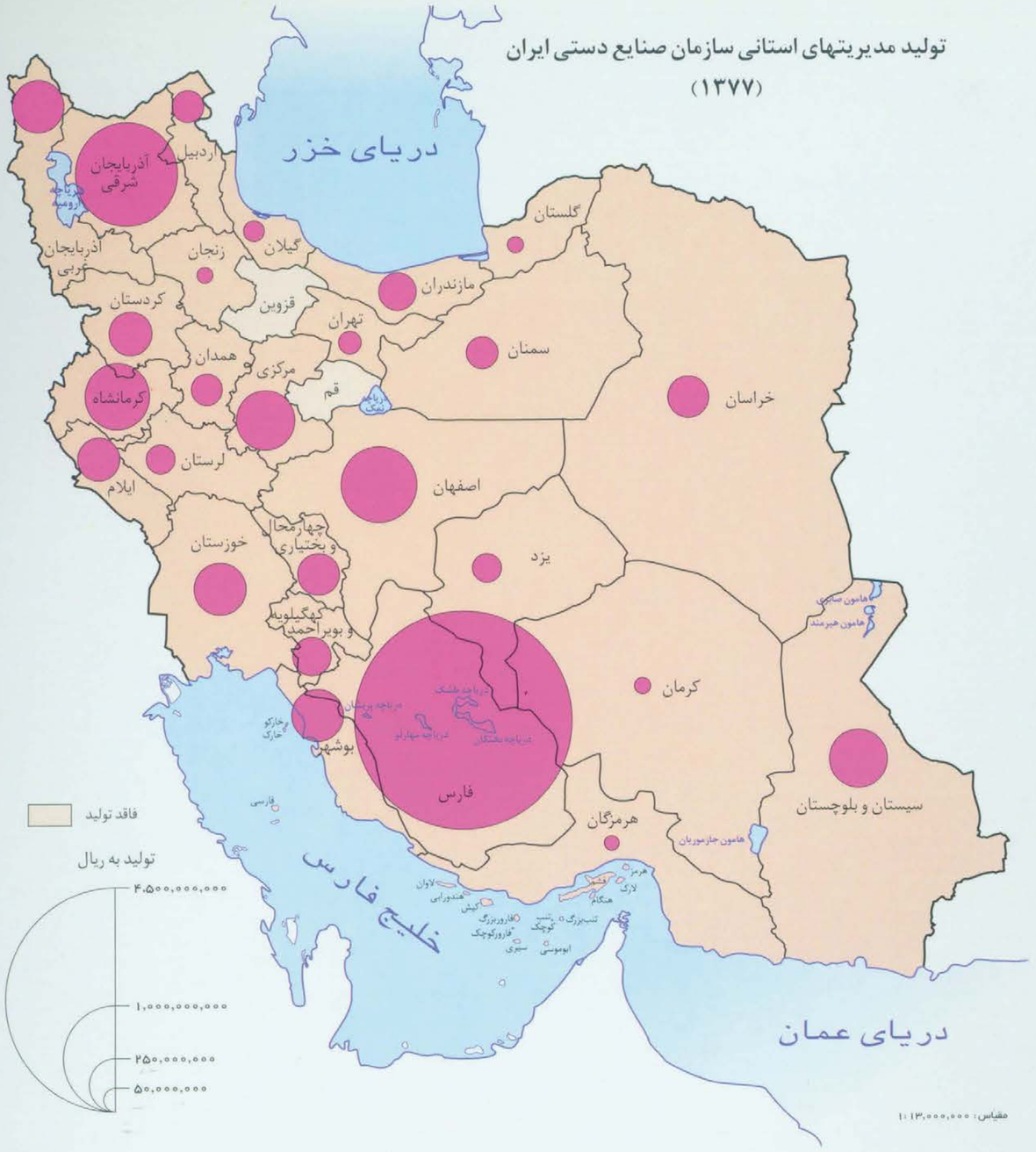

سازمانهای بین‌المللی و تجارت جهانی صنایع دستی

فصل پنجم:

تشکیلات بین‌المللی صنایع دستی

تجارت بین‌المللی صنایع دستی

کشورهای عضو شورای جهانی صنایع دستی

تشکیلات بین‌المللی صنایع دستی

شورای جهانی صنایع دستی (W.C.C) World Crafts Council

با تأسیس سازمان ملل متحد، حفاظت از میراث فرهنگی بشری به عهدهٔ "یونسکو" ـ سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد ـ واگذار شد.

از سال ۱۹۶۴ میلادی با تأسیس "شورای جهانی صنایع دستی" به عنوان یکی از سازمانهای وابسته به یونسکو، صنایع دستی و سنتی در قالب یک "هنر ـ صنعت" به عنوان بخشی از زندگی فرهنگی و حیات اقتصادی ملل مورد توجه قرار گرفت.

شورای مذکور که ابتدا با تعداد معدودی ـ ۲۵ کشور ـ کار خود را آغاز کرد، اکنون بیش از ۹۵ کشور جهان را در بر می‌گیرد و دبیرخانهٔ آن در شهر آتن ـ پایتخت یونان ـ قرار دارد.

مهمترین اهدافی که این شورا به عنوان یک سازمان غیر انتفاعی و غیر دولتی دنبال می‌کند عبارت است از:

- تشویق، کمک و راهنمایی صنعتگران دستی و همچنین بالا بردن سطح اطلاعات تخصصی و حرفه‌ای آنان با توجه به زمینه‌های متفاوت فرهنگی موجود در هر یک از کشورهای عضو.
- حفظ و تقویت صنایع دستی و تجلّی آن به عنوان رکن عمده‌ای از حیات فرهنگی ملتها.
- ایجاد همبستگی میان صنعتگران دستی سراسر جهان.

مهمترین منبع تأمین هزینه‌های شورا، کمک سالانهٔ کشورهای عضو است که در قالب حق عضویت پرداخت می‌شود. گفتنی است که از هر کشور تنها یک سازمان می‌تواند به عنوان نمایندهٔ صنعتگران آن کشور به عضویت شورا درآید.

ارکان عمدهٔ شورا عبارت است از: مجمع عمومی و هیئت اجرایی.

شورای جهانی صنایع دستی علاوه بر مجمع عمومی دارای ۵ مجمع منطقه‌ای به شرح ذیل است:

- مجمع آسیا و اقیانوسیه
- مجمع آفریقا
- مجمع اروپا
- مجمع آمریکای شمالی
- مجمع کشورهای آمریکای لاتین

در رأس هر یک از مجامع مذکور یکی از معاونان شورای جهانی صنایع دستی قرار دارد.

مجامع عمومی هر چهار سال یک‌بار و مجامع منطقه‌ای به‌طور سالانه در یکی از

کشورهای عضو تشکیل جلسه می‌دهد و طی آن دربارهٔ موضوعاتی که قبلاً از طریق تماس دبیرخانهٔ شورا با اعضاء در دستور کار قرار گرفته است، بحث و تبادل نظر می‌شود.

سایر فعالیتهای شورا برای رسیدن به اهداف یاد شده عبارت‌اند از:

- ایجاد ارتباط با سایر سازمانهای بین‌المللی نظیر "یونسکو"، " برنامهٔ عمران ملل متحد" (U.N.D.P.) و "بانک جهانی" و استفاده از کمکهای آنها.
- تماس و مذاکره با اتحادیه‌های اقتصادی بین‌المللی نظیر "جامعهٔ اروپا" (E.C.) در مورد تعدیل حقوق گمرگی و ایجاد تسهیلات بیشتر برای ورود صنایع دستی از کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین.
- فراهم کردن زمینه و ایجاد ارتباط برای مبادلهٔ کارشناس و کارآموز میان کشورهای عضو.
- برگزاری کنفرانسها، سمینارها و نمایشگاههای بین‌المللی صنایع دستی.
- تهیه و انتشار کتب و گزارشهای تخصصی و همچنین نشریهٔ خبریی که حاوی رویدادهای مختلف صنایع دستی در سطح جهان باشد.

در مجموع مهمترین نتیجه‌ای که از تلاشهای جهانی صنایع دستی حاصل شده جلب توجه ملتها نسبت به اهمیّت فوق‌العادهٔ صنایع‌دستی در زندگی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جوامعشان است .

گفتنی است تا به امروز چهارده مجمع جهانی صنایع دستی برگزار شده که آخرین آن در سال ۲۰۰۰ و در کشور فرانسه برگزار گشته است. همچنین تا به حال بیست و چهار مجمع آسیایی تشکیل شده، که بیست و چهارمین مجمع آن در آبان ماه سال ۱۳۷۹ در کشور لائوس تشکیل شد. ضمناً دبیرخانهٔ مجمع آسیایی هم اکنون در کشور هندوستان قرار دارد.

جمهوری اسلامی ایران و شورای جهانی و مجمع آسیایی صنایع‌دستی

ایران از سال ۱۳۴۷ و از طریق سازمان صنایع دستی ایران (I. H. O.) به عضویت شورای جهانی صنایع دستی درآمده و طبعاً به عنوان یک کشور آسیایی، عضویت مجمع آسیا و اقیانوسیه را نیز پذیرفته است .

مشارکت فعال جمهوری اسلامی ایران در شورای جهانی و اجلاسهای آسیایی آن، موجبات توجه هر چه بیشتر سایر کشورهای عضو را به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و نیز ابعاد فرهنگی صنایع دستی ـ به عنوان بخشی از فرهنگ معنوی جوامع بشری ـ فراهم آورده است.

جمهوری اسلامی ایران تا کنون دو بار میزبان اجلاسهای آسیایی بوده است که نخستین بار آن به میزبانی اصفهان برای اجلاس چهاردهم از ۲۰ تا ۲۵ آبان‌ماه ۱۳۶۹ ـ برابر با ۱۱ تا ۱۵ نوامبر ۱۹۹۰ ـ مربوط می‌شود. ضمن آنکه شهر تهران میزبان هفدهمین اجلاس آسیایی در آبان‌ماه ۱۳۷۲ ـ برابر با نوامبر ۱۹۹۳ ـ بوده است.

گفتنی است که جمهوری اسلامی ایران به مدت چهارسال ـ از ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶ ـ نیز ریاست مجمع آسیا و اقیانوسیه را بر عهده داشته است .

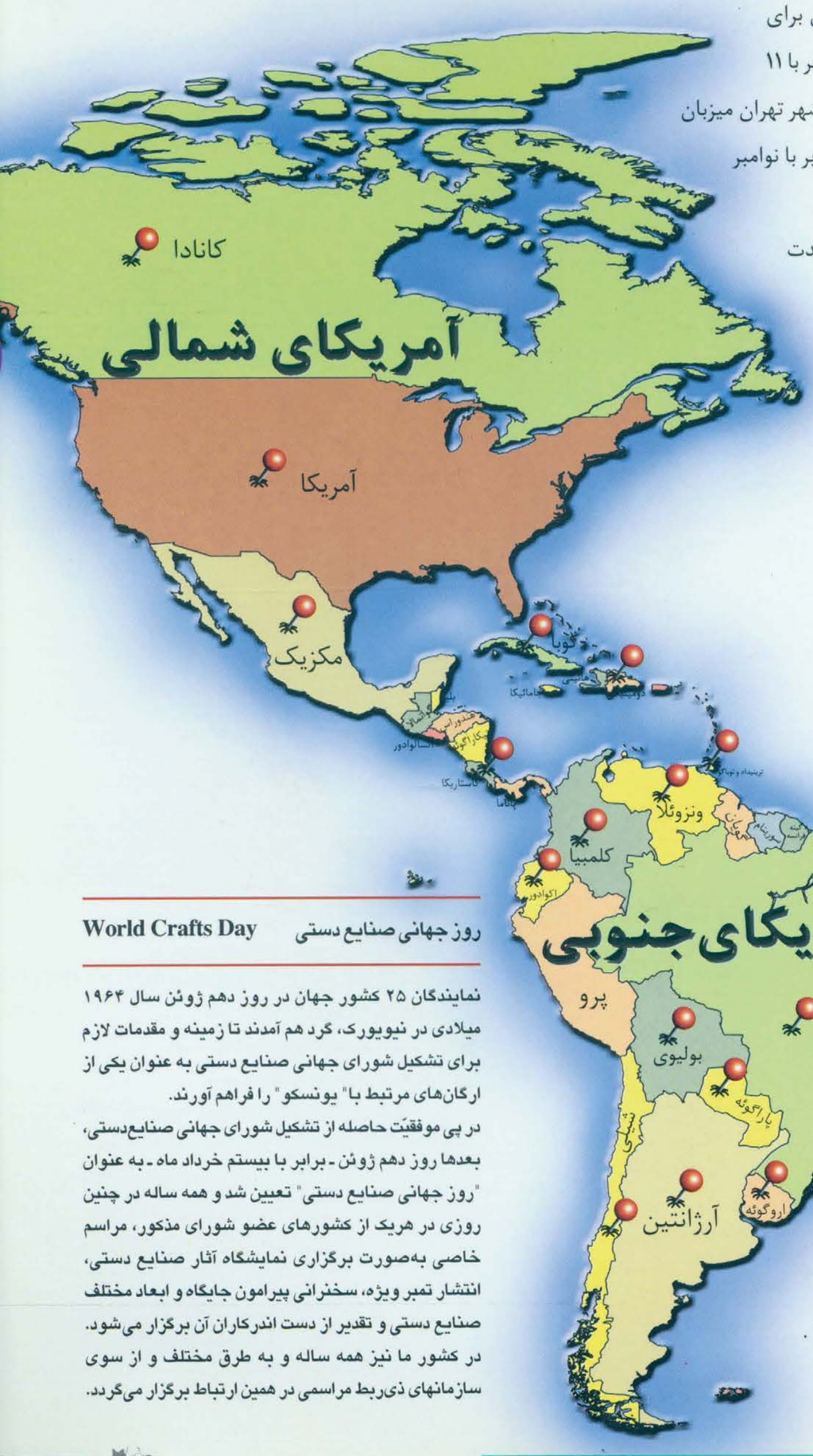

روز جهانی صنایع دستی World Crafts Day

نمایندگان ۲۵ کشور جهان در روز دهم ژوئن سال ۱۹۶۴ میلادی در نیویورک، گرد هم آمدند تا زمینه و مقدمات لازم برای تشکیل شورای جهانی صنایع دستی به عنوان یکی از ارگان‌های مرتبط با" یونسکو" را فراهم آورند.

در پی موفقیّت حاصله از تشکیل شورای جهانی صنایع‌دستی، بعدها روز دهم ژوئن ـ برابر با بیستم خرداد ماه ـ به عنوان "روز جهانی صنایع دستی" تعیین شد و همه ساله در چنین روزی در هریک از کشورهای عضو شورای مذکور، مراسم خاصی به‌صورت برگزاری نمایشگاه آثار صنایع دستی، انتشار تمبر ویژه، سخنرانی پیرامون جایگاه و ابعاد مختلف صنایع دستی و تقدیر از دست اندرکاران آن برگزار می‌شود. در کشور ما نیز همه ساله و به طرق مختلف و از سوی سازمانهای ذی‌ربط مراسمی در همین ارتباط برگزار می‌گردد.

تجارت بین‌المللی صنایع دستی

بدون شک صادرات صنایع دستی می‌تواند نقش و اهمیّت قابل ملاحظه‌ای در جذب گردشگر، تداوم و توسعهٔ تولید، ایجاد اشتغال مولد و نهایتاً توسعهٔ اقتصادی پایدار داشته باشد. پیش از آنکه موارد مذکور مورد بررسی قرار گیرد، نگاهی به پیشینهٔ تولید و صادرات صنایع دستی ضرورت دارد.

براساس نوشته‌های آرثراپهام پوپ ـ ایران شناس مشهور آمریکایی ـ «منابع یونانی به فرشهای بافته شده با نخ طلا در دورهٔ هخامنشی اشاره دارند. که این مهم تاحدودی در اوستا هم، آنجا که به زیراندازهایی با نخ طلا اشاره می شود، مورد تأیید قرار می گیرد». نکتهٔ دیگر دربارهٔ پارچه‌های دستباف دوران هخامنشی به ویژه پارچه‌های پشمی نرم و لطیف و زریهای زیبا و افسانه‌ای آن است که در ۲۷ ملّت آن روزگار که در سیطرهٔ حکومت هخامنشی قرار داشته‌اند، مورد توجه بوده و به صورت پایاپای و از طریق در واقع مبادلات تهاتری صادر شده است.

منابع نوشتاری ارزنده‌ای نیز که مربوط به عصر ساسانیان می‌شود، از آن جمله سالنامهٔ چینی «سویی» (SUI) که به سالهای ۶۱۷ ـ ۵۹۰ میلادی تعلق دارد اشاره به فرشهای نفیس پشمی ایرانی دارد، که خود نه تنها نشان از وجود صنعت مهم فرشبافی ایران در آن عصر بلکه، اعتبار بین‌المللی و برون مرزی آن می‌باشد. ضمن آنکه وجود ظرف طلایی بسیار زیبایی از دورهٔ ساسانی، که به «جام خسرو» معروف است و در خزانهٔ کلیسایی در فرانسه نگهداری می‌شود، کاسهٔ طلایی دیگری که مربوط به همان عصر می‌باشد و در خزانهٔ معبدی در ژاپن محفوظ است و نیز اینکه ظروف طلایی و نقره‌ای دورهٔ ساسانی در ممالک مختلفی نظیر لهستان و بیشتر در روسیه پیدا شده است، همه و همه حکایت از تجارت و تبادل صنایع دستی در آن زمان دارد و گویا این ظروف با خز مبادله می‌شده است، و برخی محققان نیز اشاره نموده‌اند که محصولات مذکور چون از فلزات قیمتی ساخته شده بودند، به جای پول برای مبادله مورد استفاده قرار می گرفتند. پروفسور پوپ می‌نویسد: «برخی از فرشهای ساسانی به طور قطع پرزدار بوده‌اند و هنگامی که دستجرد در سال ۶۲۸ میلادی توسط هراکلیوس به تصرف درآمد، در بین غنائم با ارزش جنگی تعداد گوناگونی فرش ضخیم و نرم به چشم می‌خوردند» او در ادامه می‌نویسد: «در دربار سلطنتی بیزانس (روم شرقی) در قرن دهم میلادی، از فرشهای گران قیمت ایرانی برای مفروش نمودن تالارهای مربوط به مراسم رسمی استفاده می‌شد» که این مدارک و شواهد نیز خود دلالت بر صادرات صنایع دستی ایران در دورهٔ ساسانی دارد.

در قرون وسطی، تبریز به یک بازار فرش و مرکز فرش‌بافی تبدیل شده بود و به احتمال زیاد فرشهایی که در قرون پانزدهم میلادی در اروپا مشاهده شده از طریق تجار اروپایی که به تبریز رفت و آمد داشتند به اروپا وارد شده بودند. این امر خود حکایت از صادرات تجاری با سابقهٔ ۵۰۰ سالهٔ فرش ایران دارد.

در بهار سال ۱۶۰۱ میلادی، یعنی ۴۰۰ سال پیش، پادشاه لهستان "سی گیسموندوازای سوم" یکی از مشاوران و کارگزاران امین خود را که یک مسیحی به نام "سِفِرمورانوویچ" بود، به ایران فرستاد تا برای او سفارش بافت و تولید فرش را بدهد. نشان سلطنتی دربار لهستان باید در این فرشها بافته می‌شد. او به کاشان رفت و در آنجا سفارش تولید فرشهای مورد نظر پادشاه را داد. بعدها برخی از این فرشها به عنوان جهیزیهٔ دختر پادشاه لهستان، که به ازدواج یکی از شاهزادگان آلمانی درآمده بود، به آلمان راه یافت. این اولین ورود ثبت شده در تاریخ، در خصوص حضور فرش ایران در آلمان در سال ۱۶۴۰ میلادی یعنی ۳۶۰ سال پیش است. گفتنی است بعدها به سفارش دربار لهستان افزون بر ۸ قطعهٔ اوّل موضوع سفارش که شرح آن گذشت، و هم‌اکنون در «موزهٔ رزیدنتس مونیخ» نگهداری می‌شود، حدود ۲۹۰ تا ۲۹۲ تخته فرش دیگر که می‌بایست با نخهای ابریشمی و طلا و نقره بافته می‌شد و دارای طرحهای خاصی نیز بود، به دربار سلطنتی ایران در دورهٔ صفوی سفارش داده شد و در مجموع ۳۰۰ تخته قالی که امروزه به «قالیهای پولنزی» معروف است، به شرحی که گذشت، در قرن هفدهم میلادی در شهرهای کاشان و اصفهان بافته شد که ۱۰ تختهٔ آن هم‌اکنون در موزه‌های فرش ایران و گنجینهٔ دوران اسلامی و مابقی آن در موزه‌ها و یا مجموعه‌های هنری خصوصی جهان نگهداری می‌شود.

منابع نوشتاری و آثار موجود در موزه‌های جهان و دیگر مراکز هنری مؤید صدور آثار نفیس فلزی دوران سلجوقی و نیز پارچه‌های ترمه، زری و ابریشمهای زربفت و پارچهٔ چاپ قلمکار و مهمتر از همه قالیهای نفیس دوران صفوی است که طی قرون و اعصار متمادی و به طُرق گوناگون به کشورهای مختلف جهان صادر شده است.

صادرات صنایع دستی ایران به ویژه فرش از دورهٔ قاجار و زمان ناصرالدین شاه شکل کاملاً جدیدی به خود گرفت و تجار تبریزی از طریق استانبول به بازارهای مناسبی برای صادرات فرش ایران به اروپا، دست یافتند و از آن زمان تاکنون همه ساله قالی و نیز سایر صنایع دستی ایران به کشورهای مختلف جهان صادر می‌شود.

پیش از آنکه وضعیت فعلی صادرات صنایع دستی ایران مورد بررسی قرار گیرد، مطالبی در خصوص اهمیّت صادرات صنایع دستی ذکر می‌شود.

صادرات صنایع دستی ایران به‌ویژه در رابطه با فرش از دورهٔ قاجار و زمان ناصرالدین شاه شکل کاملاً جدیدی به خود گرفت و تجار تبریزی از طریق استانبول به بازارهای مناسبی برای صادرات فرش ایران به اروپا، دست یافتند و از آن زمان تاکنون همه ساله قالی و سایر صنایع دستی ایران به کشورهای مختلف جهان صادر می‌شود.

مهمترین دلایل اهمیّت صادرات صنایع دستی

■ مزیت نسبی

پس از جنگ جهانی اوّل، اقتصاد جهانی برپایهٔ تأمین مواد اولیه از کشورهای جهان سوم برای ممالک صنعتی و صدور محصولات صنعتی به کشورهای در حال توسعه شکل گرفت و در نتیجهٔ سرعت پیشرفت صنعتی کشورهای پیشرفته، ممالک در حال توسعه تا حدّ زیادی قدرت رقابت در کالاهای صنعتی را از دست دادند. از سوی دیگر شهروندان جوامع غربی دچار نوعی سرخوردگی روانی از زندگی صنعتی شده‌اند و تمایل زیادی به استفاده از تولیدات دستی نشان می‌دهند. همچنین برخلاف تولیدات صنعتی، که نیاز به ماشین آلات و فن‌آوری وارداتی دارند، مواد اولیهٔ صنایع دستی تقریباً از داخل کشور تأمین می‌شود و ارزبری صنایع دستی حداکثر از ۵ تا ۱۰ درصد ارزش افزودهٔ صادراتی آن فراتر نمی‌رود. دیگر اینکه کشورهای پیشرفته برای محصولات صنایع دستی تعرفه‌های ترجیحی را وضع کرده‌اند که سبب بهبود و مزیت صادرات صنایع دستی کشورهای در حال توسعه می‌شود.

■ جذب گردشگر (توریست)

صنایع دستی می‌تواند عامل مهمی در جذب گردشگر به هرکشور باشد و صادرات صنایع دستی، چه از طریق گمرک و چه به وسیلهٔ مسافر، در معرفی تاریخ و فرهنگ یک کشور و در نتیجه در جذب بیشتر افراد خارجی برای دیدار از آن کشور مؤثر باشد. امروزه اغلب کشورها در کنار جاذبه‌های گردشگری خود به برپایی نمایشگاهها و فروشگاههای صنایع دستی اقدام کرده‌اند. برای نمونه می‌توان به واحدهای نمایش و فروش در مجاورت "تاج‌محل" در هند و نیز در مجاورت "اکروپلیس" در یونان و سایر کشورها اشاره کرد.

■ ایجاد اشتغال

در مورد نقش صادرات در ایجاد اشتغال، حتی کشورهای پیشرفته هم تأکید فراوان دارند به گونه‌ای که چند سال پیش رئیس‌جمهور فرانسه در یک مصاحبهٔ‌مطبوعاتی‌اشاره

کرد که «هر قرارداد ۲۰۰ میلیون دلاری صادراتی برای ۲۰۰ نفر از بیکاران فرانسه ایجاد اشتغال می‌کند». این نکته در مورد ممالک در حال توسعه چون ایران حایز اهمیّت بیشتری است. زیرا بسیاری از این کشورها نظیر هند و چین دارای جمعیت زیاد ـ هرکدام بیش از یک میلیارد نفر جمعیت ـ هستند و بعضی از آنها مثل ایران علاوه بر رشد جمعیت، درآمد سرانهٔ پایینی هم دارند. کشور ایران در دههٔ ۷۰ نسبت به دههٔ قبلی با افزایش رشد جمعیت و کاهش درآمد سرانه و درآمد ملّی و در نتیجه کاهش ضریب تشکیل سرمایهٔ ثابت برای هر نوع سرمایه‌گذاری مواجه بوده، به طوری که رشد جمعیت از سال ۶۰ تا سال ۷۰ از ۲/۷ به ۳/۷ درصد افزایش داشته است. همچنین در کشورهای فقیر یا در حال توسعه، بخش قابل توجهی از جمعیت در روستاها زندگی می‌کنند که با توجه به کمبود امکانات و درآمد در بسیاری موارد این عده میل به مهاجرت به شهرها را دارند که خود بر مشکلات این کشورها می‌افزاید، مثلاً جمعیت ایران براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۶۵ حدود ۵۰ میلیون نفر بوده است که با توجه به نرخ رشد جمعیت کنونی به رقمی بالغ بر ۷۰ میلیون نفر در سال ۱۳۸۱ خواهد رسید. چنانچه نسبت جمعیت روستایی به جمعیت کلّ کشور به صورت کنونی حفظ شود، تقریباً ۳۶ میلیون نفر سکنهٔ روستاها خواهند بود که با توجّه به محدودیتهای بخش کشاورزی از نظر منابع آب و خاک در بسیاری از مناطق و پایین بودن میزان بازده محصول در واحد سطح، محدود بودن گنجایش مراتع برای افزایش تعداد دام، درآمد کشاورزی یا دامداری به تنهایی در حدّی نیست که انگیزهٔ ماندن در روستا را حفظ کند؛ به خصوص اینکه در شهرهای بزرگ جاذبه‌هایی، از جمله اشتغال به مشاغل کاذب پردرآمد، وجود دارد.

تولید صنایع دستی «کاربر» است، به طوری که در بسیاری موارد حدود ۹۰ درصد ارزش آن وابسته به نیروی کار است، پس تولید و صادرات آن می‌تواند در اشتغال‌زایی اثر زیادی داشته باشد. به همین دلیل برای صنایع‌دستی به جای یک ضریب افزایش، دو ضریب افزایش یعنی ضریب افزایش درآمد و اشتغال را تعیین کرده‌اند. در بسیاری از کشورهای آسیایی از جمله هند، پاکستان، اندونزی، چین، سریلانکا و نپال از این خاصیت برای حلّ مشکل بیکاری بهره می‌جویند. هنگامی که حدود سی‌سال پیش کشور تبت توسط چین اشغال شد و سیل آوارگان تبتی به سوی نپال سرازیر گشت، سازمانهای خیریهٔ بین‌المللی به منظور ایجاد اشتغال برای این آوارگان، حرفهٔ قالی‌بافی را در نپال رواج دادند و امروزه این کشور یکی از صادرکنندگان عمدهٔ فرش دستبافت به اروپا و آمریکا است. درکشور ایران براساس برآوردهای موجود ۲/۷ میلیون نفر در این رشته فعالیت دارند و همان طور که قبلاً ذکر شد، حدود ۲/۴ میلیون نفر آن در بخش فرش‌بافی و حدود ۳۰۰ هزار نفر هم در سایر رشته‌های صنایع‌دستی به کار تولید می‌پردازند. گفتنی است که برابر با آمارهای موجود، که شرح آن خواهد گذشت، از ۱۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (ده هزار میلیارد) ریال تولید سالانهٔ صنایع دستی کمتر از ۵ درصد آن صادر می‌شود؛ در حالی که نقش بارز صادرات صنایع دستی در تداوم اشتغال و توسعهٔ آن و نیز نهایتاً توسعهٔ اقتصادی متوازن و پایدار، کاملاً مشخص و بارز است. نکتهٔ حایز اهمیّت ناچیز بودن سهم مواد اولیهٔ مصرفی، بالا بودن درصد دستمزد (ارزش افزوده) و درصد بسیار کم ارزبری در صنایع دستی است

رشد سهم صنایع کوچک در جوامع امروز

امروزه صنایع کوچک، که مشتمل بر بخشهایی از صنایع ماشینی و صنایع دستی است، در اقتصاد کشورهای پیشرفتهٔ صنعتی، نیمه صنعتی و در حال توسعه نقش عمده و قابل‌ملاحظه‌ای دارند، به طوری که ۹۰ تا ۹۵ درصد از کلّ تولیدات صنعتی کشورهای جهان در کارگاهها و کارخانجاتی صورت می‌پذیرد که تعداد اعضای آنها کمتر از یکصد نفر است که بنا به تعریف موجود این‌گونه مراکز تولیدی جزء صنایع کوچک به شمار می‌آیند. در ژاپن ۸۴ درصد از صنایع که در اوج شکوفایی صنعت و فن‌آوری است در ردهٔ صنایع کوچک قرار می‌گیرند و در کشورهایی مانند چین و هند که از نظر صنعتی به مراتب از ایران جلوترند علاوه بر صنایع ماشینی، هنوز هم صنایع دستی از رونق زیادی برخوردار است و از منابع اصلی تأمین درآمدهای ارزی آنها محسوب می‌شود. گفتنی است که کشور چین حدود یک سوم حجم تجارت جهانی صنایع‌دستی را در اختیار دارد.

به هرحال در کشورهای در حال توسعه‌ای چون ایران که از نظر فنی مراحل مقدماتی را طی می‌کنند، صنایع دستی که از حیث ملزومات و دانش فنی به جهان خارج وابسته نیست، نقش سازنده‌ای را در اقتصاد می‌تواند ایفا نماید به ویژه آنکه با سرمایه‌گذاری کم و اندکی امکان پرداختن آن در کارگاههای کوچک، در خانه و محل سکونت فراهم است.

در اینجا به نظر یکی از جامعه‌شناسان در مورد رَوَند جوامع اشاره می‌شود: «در عصر اطلاعات، سازمانها کوچک می‌گردند و حتی در مواردی خانه‌ها محل کار افراد می‌شوند و صنایع از تولید انبوه به سوی انبوه‌زدایی حرکت می‌کنند». لذا می‌توان نتیجه گرفت که صادرات صنایع دستی دارای اهمیّت شایانی است.

ابزارها و برنامه‌های توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی

صادرات صنایع دستی بر عوامل و متغیرهای توسعهٔ اقتصادی از جمله درآمد ارزی، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملّی، جمعیت و مهاجرت، اشتغال و در نتیجه بر توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی مؤثر است. نقش صنایع دستی و صادرات آن در کشورهایی مثل ایران که منابع ملّی آن صرف سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی کشور می‌شود و درآمد سرانه و ضریب پس‌انداز به خصوص در مناطق روستایی در حدّی که به زحمت کفاف

ردیف	شرح محصول صنایع دستی	درصد مواد اولیه مصرفی	درصد دستمزد (ارزش افزوده)	درصد ارزبری	ملاحظات
۱	انواع خاتم	۱۵-۲۰	۸۰-۸۵	۵	امکان ساخت مفتول در داخل کشور وجود دارد .
۲	انواع معرق	۲۵-۳۰	۷۰-۷۵	۶	
۳	انواع مس قلمزده	۵-۱۰	۹۰-۹۵	۵	اکثر تولیدات ، سینی قلمزده است که از مفتولهای اسقاطی شرکت توانیر استفاده می‌شود .
۴	انواع برنج قلمزده	۵-۱۰	۹۰-۹۵	۶	
۵	انواع ظروف مطلا	۱۵-۲۰	۸۰-۸۵	۱۰	شامل سرویس چایخوری، آجیل‌خوری، شیرینی‌خوری، گلدان، گلاب‌پاش، سرویس سماور کودک و سنتی است.
۶	چرم نقاشی شده و کیفهای تکمیلی از چرم	۳۵-۴۰	۶۰-۶۵	۵	
۷	گلیم معمولی	۴۰-۴۵	۶۰-۶۵	۵	از پشم محلی تهیه شده است .
۸	گلیم بیجار و سنندج *	۲۵-۳۰	۷۰-۷۵	۵	
۹	گلیم ورنی **	۳۰-۳۵	۶۵-۷۰	۵	
۱۰	قلمکار	۱۵-۲۰	۸۰-۸۵	۵	
۱۱	نگارگری روی فیبر، کاغذ و غیره ***	۳-۵	۹۵-۹۷	۳	
۱۲	انواع رودوزی	۱۰-۱۵	۸۵-۹۰	۵	

جدول مذکور، نشانگر آن است که در صورت توسعهٔ صادرات صنایع دستی، می‌توان به چه اهداف ارزشمندی در ایجاد اشتغال مولد، افزایش درآمد ملّی و درآمد سرانه دست یافت.

***بهترین و ممتازترین گلیمهای ایران را گلیمهای کردستان یعنی گلیمهای بیجار و سنندج، قلمداد کرده‌اند که ضمناً از بازار صادراتی خوبی برخوردار است. گلیمهای قشقایی، گلیمهای کرمانشاه و گلیمهای اردبیل هم جز، بهترین گلیمهای ساده و ضمناً صادراتی ایران است.**

**** گلیم وَرنی نوعی سوماک ـ گلیم یک رو ـ است که در استانهای آذربایجان شرقی و اردبیل بافته می شود و از بازار صادراتی مناسبی برخوردار است.**

***** منظور فیبر هایمپکت است.**

حداقل معیشت را می‌دهد، و لذا توجه به عامل کار به جای سرمایه در آنها ضروری به نظر می‌آید، بارزتر است. همچنین باتوجه به کاربر بودن صنایع دستی، افزایش تولید و صادرات آن در ازدیاد تولید ناخالص ملّی اثر مستقیم خواهد داشت، که از مهمترین معیارهای توسعهٔ اقتصادی است.

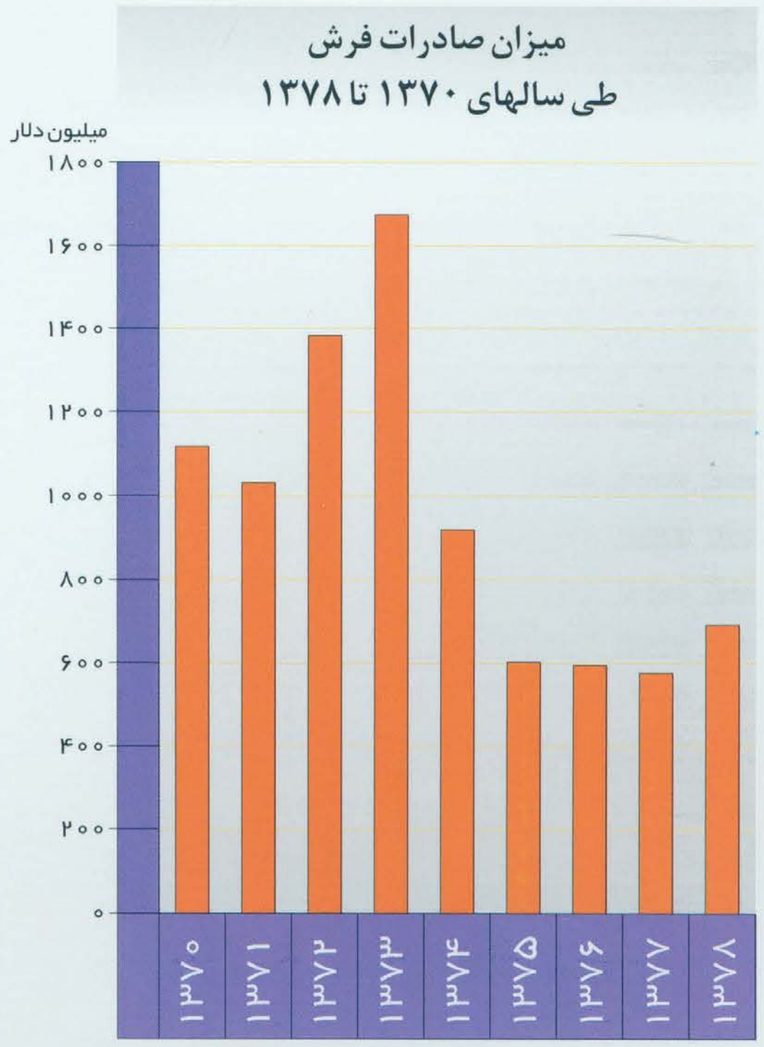

نمودارهای روبه رو وضعیت صادرات فرش ایران را ـ که مهمترین بخش صادرات غیرنفتی است و در واقع قسمت اعظم صادرات صنایع دستی ایران را تشکیل می‌دهد ـ به همراه سهم آن در صادرات غیرنفتی طی سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۸ نشان می‌دهد.

در مورد موضوع تولید بایستی به این نکته توجه داشت که اقتصاد ایران شامل دو بخش سنتی و صنعتی است که بخش سنتی، کشاورزی و دامداری و صنایع دستی را شامل می‌شود، و صنایع دستی به عنوان مکمل اقتصادی برای کشاورزی و دامداری عمل می‌کند. بر طبق بررسیهای به عمل آمده توسط کارشناسان سازمان صنایع دستی ایران، درآمد حاصل از صنایع دستی نظیر گلیم‌بافی، تولید محصولات سفال و سرامیک،

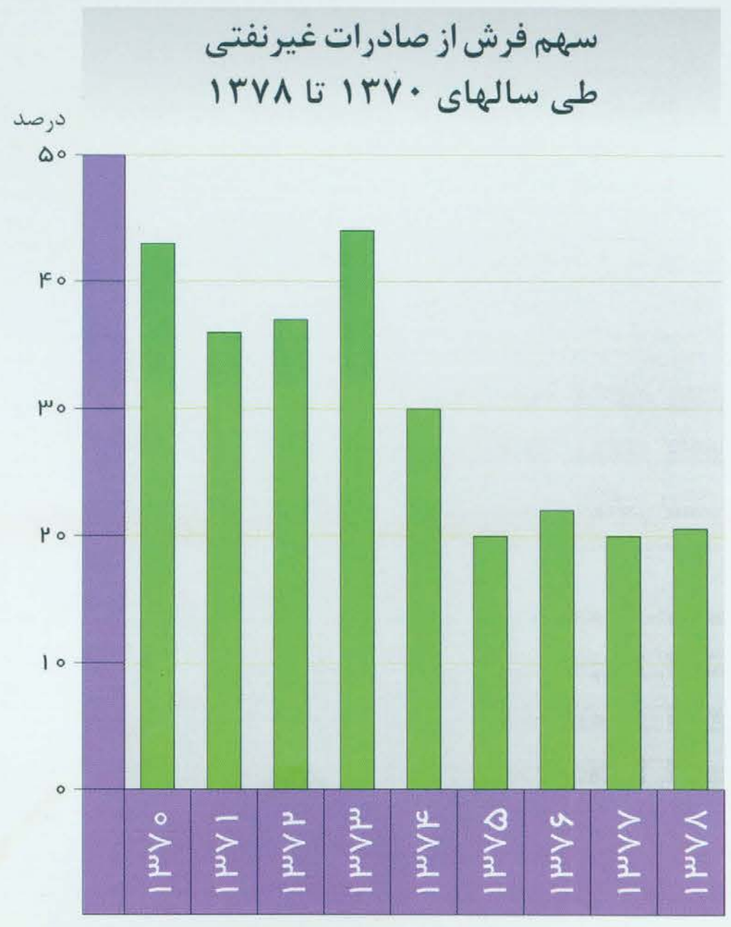

رودوزیها و غیره معادل ۳۰ تا ۵۰ درصد درآمد خانوارهای روستایی را در مناطقی از استانهای آذربایجان شرقی، فارس، همدان و سیستان و بلوچستان تأمین می‌کند. با توجه به اینکه امکانات لازم برای دگرگونی سریع بخش سنتی اقتصاد به بخش صنعتی، حداقل طی ده سال آینده چندان فراهم نیست، لذا به منظور حفظ تعادل موجود از جهات اقتصادی و اجتماعی، تقویت تولید و صادرات صنایع دستی ضروری به نظر می‌آید.

نکتهٔ مهم آن است که اگر چه سهم صادرات غیرنفتی از تولید ناخالص ملّی در حدّ پایینی است ولی باید توجه داشت که فرش و صنایع دستی طی دهه‌های اخیر مهمترین قلم از اقلام صادراتی ایران را تشکیل داده است. به عنوان مثال در سال ۱۳۷۰، فرش ایران با ۱،۱۱۷ میلیون دلار، ۴۳ درصد صادرات غیرنفتی را تشکیل می‌داده و در سال ۱۳۷۳ به حدنصاب ۱،۶۷۴ میلیون دلار که ۴۴ درصد صادرات غیرنفتی کشور بوده، دست یافته است و اگر چه این سهم در سالهای بعد به شدت افت کرد، تا آنجا که در سال ۱۳۷۷ به پایینترین حد در دههٔ هفتاد یعنی به ۵۷۶ میلیون دلار یعنی ۲۰ درصد صادرات غیرنفتی کشور رسید، ولی همواره از لحاظ صادرات در رأس کالاهای غیرنفتی بوده است. گفتنی است، رقم صادرات غیرنفتی کشور نیز که در سال ۱۳۷۳ به حدنصاب ۴/۸ میلیارد دلار رسیده بود، از سال ۱۳۷۴ تاکنون در حدود ۳ تا ۳/۱ میلیارد دلار در جا زده است و علی‌رغم تمامی تسهیلات و راهکارهای ارایه شده، هیچ‌گاه نتوانسته است به جایگاه سال ۱۳۷۳ نزدیک شود.

صادرات سایر اقلام صنایع دستی ـ به استثنای فرش ـ رقم ناچیزی است به طوری که حدنصاب آن در سال ۱۳۷۳ به میزان ۵۰ میلیون دلار بوده و این رقم در سالهای بعد، اگر چه نوساناتی داشته، ولی هیچ‌گاه به رقم صادرات در سال ۱۳۷۳ نرسیده است.

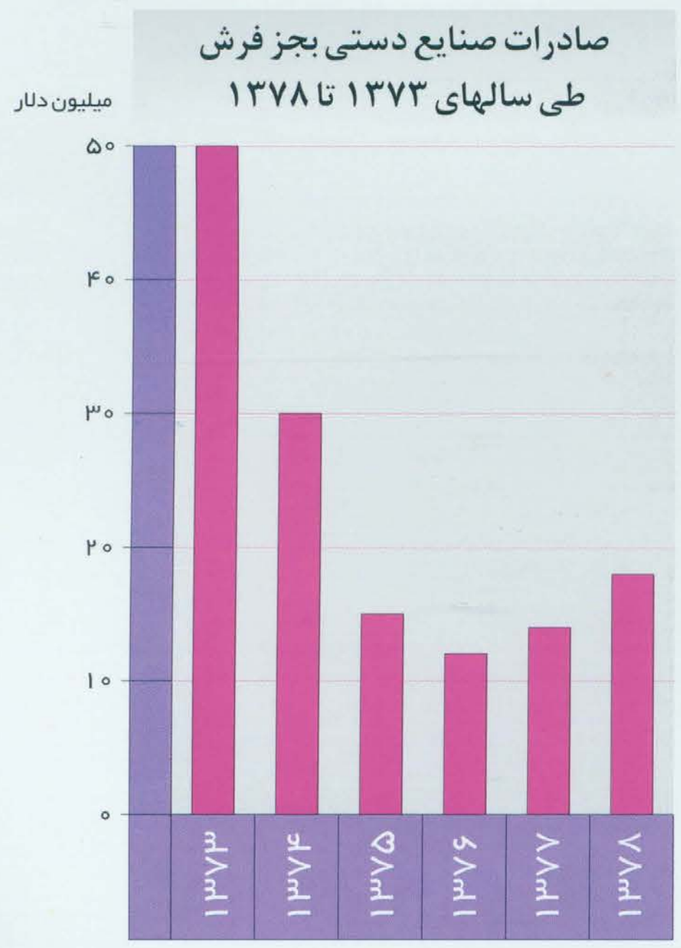

ردیف	سال	فرش	صنایع دستی	جمع (میلیون دلار)
۱	۱۳۷۳	۱،۶۷۴	۵۰	۱،۷۲۴
۲	۱۳۷۴	۹۱۹	۳۰	۹۴۹
۳	۱۳۷۵	۶۰۲	۱۵	۶۱۷
۴	۱۳۷۶	۵۹۵	۱۲	۶۰۷
۵	۱۳۷۷	۵۷۶	۱۴	۵۹۰
۶	۱۳۷۸	۶۹۱	۱۸	۷۰۹

بر اساس بررسیها و سوابق موجود در سازمان صنایع دستی ایران، عمده‌ترین کشورهای وارد کنندهٔ صنایع دستی در جهان را کشورهای آلمان، ایتالیا، انگلستان، فرانسه و ایالات متحدهٔ آمریکا تشکیل می‌دهند.

براساس بررسی دیگری که در سازمان صنایع دستی ایران به عمل آمده، صنایع چوبی، منسوجات، فرآورده‌های فلزی، زیراندازها (شامل قالی، گبه و انواع گلیم) و سفال و سرامیک مهمترین صنایع دستی مورد تقاضا در بازارهای جهانی را تشکیل می‌دهد.

بررسیهای به عمل آمده توسط کارشناسان سازمان صنایع دستی ایران و نیز صاحب‌نظران دیگر مؤید آن است که مهمترین اقلام صادراتی صنایع دستی ایران به شرح زیر است:

۱. قالی

۲. سایر زیراندازها (گلیم و غیره)

۳. قلمکار و دیگر چاپهای سنتی (نظیر چاپ کلاقه‌ای)

۴. انواع رودوزیها و برخی از منسوجات

۵. خاتم و دیگر صنایع دستی چوبی نظیر معرق، منبت، مبلمان چوبی و امثال آن

۶. فرآورده‌های شیشه‌ای دست‌ساز

۷. محصولات تزیینی ساخته شده از سنگ

کشورهای وارد کننده با ذکر اقلام مورد توجه هریک
(براساس سوابق موجود در سازمان صنایع دستی ایران)

ردیف	نام کشور	مصنوعات صنایع دستی
۱	آلمان	فرش، گلیم، شیشه، خاتم، مصنوعات فلزی
۲	ایتالیا	فرش، گلیم، خاتم، شیشه، رومیزی قلمکار، مصنوعات مسی و مطلا
۳	انگلستان	شیشه، سرامیک، گلیم، فرش
۴	فرانسه	شیشه، سرامیک، مصنوعات مسی و مطلا، گلیم، منسوجات ابریشمی
۵	کانادا	شیشه، سرامیک
۶	استرالیا	شیشه، سرامیک
۷	کشورهای حوزه خلیج فارس	شیشه، خاتم، مصنوعات فلزی، مطلا، فرش، گلیم
۸	ژاپن	شیشه، گلیم، قلمکار، انواع زیراندازها به ویژه فرشهای ابریشمی
۹	ترکیه	شیشه، گلیم، خاتم
۱۰	هلند	شیشه، سرامیک، فرش
۱۱	آفریقای جنوبی	قلمکار، مس، فرش، گلیم، شیشه

ردیف	اقلام صنایع دستی	عوامل و دلایل مزیت
۱	فرش	کیفیت، رنگ‌بندی، تنوع، اصالت وشهرت
۲	گلیم	کیفیت، رنگ‌بندی، تنوع، اصالت
۳	قلمکار	تنوع، اصالت، تجانس، رنگ‌بندی، اندازه‌های مختلف
۴	خاتم	انحصار تولیدات در ایران، قدمت و زیبایی
۵	معرق	طرحهای متنوع، کیفیت، ظرافت
۶	شیشه	تنوع، رنگ‌بندی، قیمت، کیفیت، نوآوری
۷	سفال و سرامیک	برخورداری از طرحهای سنتی، شهرت، قدمت
۸	مصنوعات فلزی	قدمت، طرحهای بدیع، خلاقیت و نوآوری، ظرافت
۹	پاپیه ماشه	قیمت، کیفیت، رنگ بندی، جذابیت
۱۰	اقلام تکمیلی و تلفیقی	امکان ملحوظ نمودن خواست و سلیقه مشتری

۸. سفال و سرامیک

۹. مصنوعات فلزی و نیز فرآورده‌های ساخته شده از فلزات گرانبها

۱۰. لاکی، آثار نگارگری و دیگر نقاشیها (نظیر نقاشی روی صدف)

۱۱. محصولات تکمیلی و تلفیقی

۱۲. سایر اقلام، حسب درخواست و سفارش مشتری

عمده‌ترین عوامل و دلایلی که باعث شده تا اقلام فوق در رابطه با فعالیتهای صادراتی از مزیّت برخوردار باشند، به شرح جدول فوق است.

اولویت اقلام صنایع دستی در کشورهای وارد کننده

ردیف	نام کشور	گلیم	شیشه	سرامیک	قلمکار	خاتم	مصنوعات مسی و مطلا	مصنوعات چوبی
۱	اروپا	C	D	B	G	F	E	A
۲	آمریکا	C	D	A	G	E	F	B
۳	استرالیا	C	A	B	G	F	E	D
۴	آفریقای جنوبی	A	C	F	B	D	E	G
۵	ژاپن	C	A	B	D	F	G	E
۶	عربستان	B	A	C	F	D	E	G
۷	ترکیه	B	A	D	-	-	C	-
۸	سویس	A	B	D	-	-	-	C
۹	برزیل	A	B	-	-	C	-	-
۱۰	هنگ کنگ	-	B	A	-	-	-	C

G=۷ F=۶ E=۵ D=۴ C=۳ B=۲ A=۱

* به سبب قطع ارتباط بازرگانی با ایالات متحدهٔ آمریکا، کشور مذکور، طبعاً سابقه‌ای را طی سالهای مذکور در سازمان صنایع دستی ایران ثبت نکرده است.

همان‌طور که گفته شد، قالی مهمترین محصول صنایع دستی صادراتی و مهمترین قلم صادراتی غیرنفتی ایران است.

در میان انواع قالیها، سهم صادرات قالی پشمی ایران بیشتر است و بعد انواع دیگر قالیها (قالی ابریشمی) قرار دارد. گفتنی است که پس‌از قالی، رقم عمدهٔ صادراتی را گلیمهای دستباف تشکیل می‌دهد. نمودار زیر، مهمترین کشورهای صادر کنندهٔ قالی و گلیم را در سال ۱۹۷۷ میلادی نشان می‌دهد.

مهمترین کشورهای صادرکننده قالی و گلیم در سال ۱۹۹۷

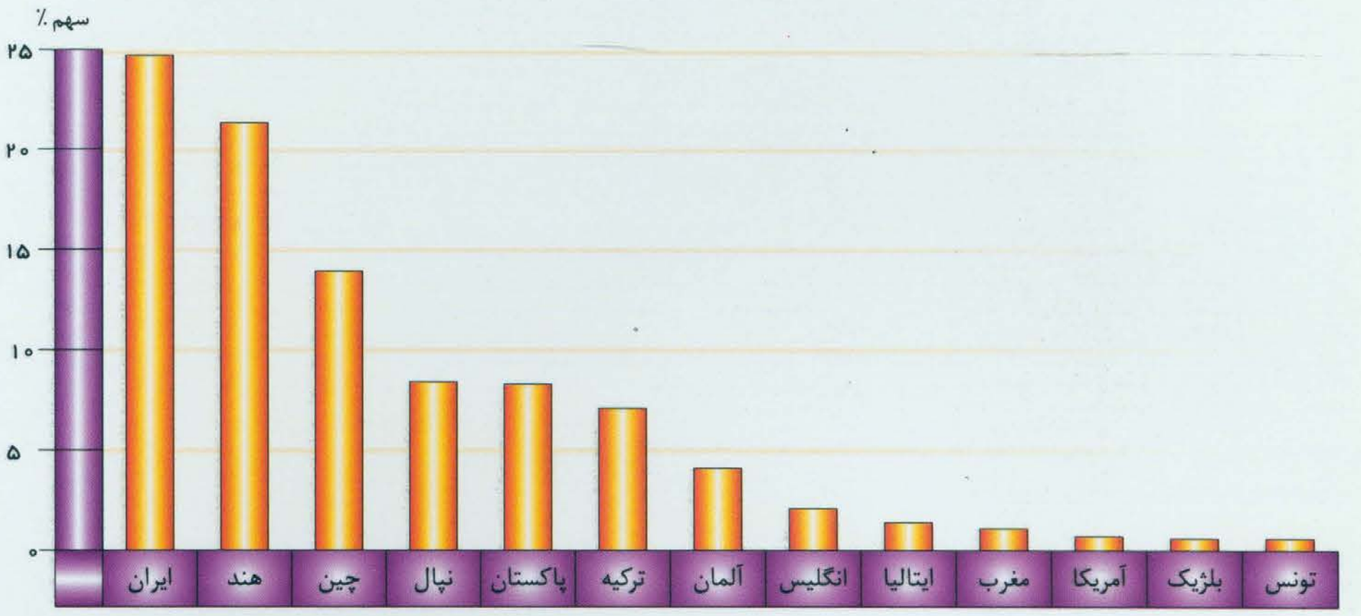

مهمترین کشورهای وارد کنندهٔ قالی و گلیم را نخست کشور آلمان و بعد کشور آمریکا و پس از آن به ترتیب کشورهای ژاپن، ایتالیا، انگلیس و هلند تشکیل می‌دهند. نمودار زیر نشان دهندهٔ فعالترین کشورهای وارد کنندهٔ قالی و گلیم است.

پیش از آنکه به بررسی صادرکنندگان صنایع دستی و نیز نقاط قوت و توانمندیها و نهایتاً مشکلات و موانع صادرات صنایع دستی بپردازیم، بی‌مناسبت نیست که گفته شود حجم تجارت جهانی صنایع دستی ۱۴ تا ۱۴/۵ میلیارد دلار است که از رقم مذکور ۴ تا ۴/۵ میلیارد دلار آن به فرش و مابقی به دیگر اقلام صنایع دستی اختصاص دارد. گفتنی است که کشور چین با ۵ میلیارد دلار کلّ صادرات سالانهٔ صنایع دستی در رأس همهٔ ممالک قرار دارد. ضمناً ضرورت دارد تا گفته شود که سهم ایران در بازار جهانی فرش از حدود ۵۰ درصد در سالهای نخست دههٔ ۵۰، به بیش از ۴۵ درصد در سال ۱۳۵۸ و به حدود ۳۱ درصد در حال حاضر رسیده است.

در حال حاضر اتحادیهٔ صادرکنندگان فرش دستباف، اتحادیهٔ مرکزی فرش دستباف روستایی ایران (اتفا)، شرکت سهامی فرش ایران، اتحادیهٔ صادرکنندگان صنایع دستی، سازمان صنایع دستی ایران و غیره، و بازرگانان بخش خصوصی در امر صادرات فرش و دیگر اقلام صنایع دستی ایران فعالیت دارند و مؤسسات و سازمانهایی نظیر گمرک جمهوری اسلامی ایران، مرکز توسعهٔ صادرات ایران، شرکت سهامی نمایشگاههای بین‌المللی ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و دو وزارتخانهٔ بازرگانی و امور اقتصاد و دارایی نیز به واسطهٔ نظارت بر امر صادرات و به لحاظ اجرای مقررات پیمان‌سپاری و همچنین تسهیل امر صادرات، در موضوع صادرات صنایع دستی دخیل می‌باشد، ضمن آنکه موضوع صادرات طبعاً با مؤسسات بیمه، حمل و نقل و امثال آن نیز مرتبط و مربوط است و اگر چه آمار دقیقی در مورد جایگاه بخش خصوصی در صادرات صنایع دستی به ویژه فرش در دست نیست، ولی برآوردها حکایت از آن دارد که بخش خصوصی ۹۵ درصد صادرات فرش کشور را انجام می‌دهد. صاحب‌نظران مهمترین نقاط قوت و توانمندیهای صادراتی صنایع دستی کشور را به شرح ذیل برشمرده‌اند:

- برخورداری از فرهنگ غنی و اصیل و همچنین اشتهار و اعتبار جهانی.
- وجود امکانات تولیدی وسیع در رشته‌های متنوع صنایع دستی به ویژه زیراندازها (تا سقف ۱۲ میلیون متر مربع در سال)، انواع سفال و سرامیک، شیشهٔ دست‌ساز، چاپ قلمکار، قلمزنی و غیره.
- عضویت مؤثر ایران در شورای جهانی صنایع دستی به ویژه در منطقهٔ آسیا به عنوان عضو فعال، پرسابقه و سیاستگذار.
- بهره‌مندی اقلام صادراتی صنایع دستی (به استثنای فرش) از معافیت پیمان سپاری و همچنین برخورداری از امتیازات واردات مواد اولیه و کالاهای مجاز.

از دیدگاه کارشناسان و صاحب‌نظران صنایع دستی کشور، مشکلات و موانع صادرات فرش و دیگر اقلام صنایع دستی به قرار زیر است:

- فقدان اولویت برای صادرات صنایع دستی در تصمیم‌گیریها و برنامه‌ریزیهای بلند مدت و اتخاذ تصمیمات حمایتی به صورت مقطعی و موردی.
- عدم انطباق کامل محصولات صنایع دستی ایران با استانداردهای بین‌المللی.
- عدم بهره‌مندی لازم از فن‌آوریهای موجود در ارتقای سطح کیفی تولیدات، طراحی و بسته‌بندی کالاهای صادراتی صنایع دستی.
- مهیا نبودن شرایط لازم به منظور برخورداری از مزایای بازرگانی بین‌المللی ازطریق استفاده از شبکه‌های رایانه‌ای و غیره.
- مشکلات موجود در زمینه‌های حمل‌ونقل، بسته‌بندی و امثال آن.
- فقدان تحقیقات بازاریابی و نیز کمبود شدید تبلیغات مناسب و در نتیجه عدم شناخت بازارهای مصرف و سلیقه‌ها و نیازهای مصرف‌کنندگان.
- عدم آشنایی کافی صادرکنندگان با قوانین و مقررات گمرکی کشورهای واردکننده.

مهمترین کشورهای واردکننده قالی و گلیم در سال ۱۹۹۷

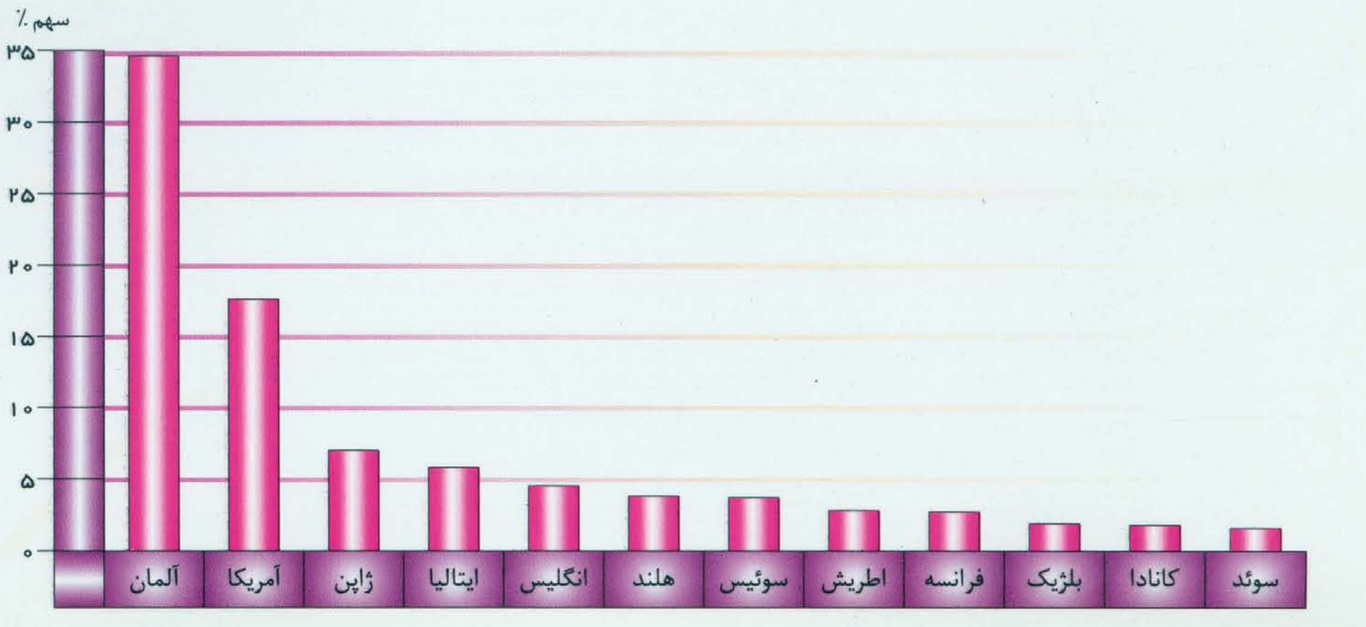

فهرست نقشه‌ها

کارگاههای قالی‌بافی تحت پوشش طرح بقا (۱۳۷۸) ۱۴
قالی‌بافان تحت پوشش طرح بقا (۱۳۷۸) ۱۵
استانهای شاخص در رشته‌های صنایع دستی ۱۸-۱۷
تعداد دانش‌آموزان (هنرستان) رشتهٔ صنایع دستی استانهای کشور درسال تحصیلی ۱۳۷۹-۱۳۷۸ ۲۵
فعالیتهای آموزشی مدیریتهای استانی سازمان صنایع دستی ایران (۱۳۷۸) ۲۶
تعدادهنرجویان کار و دانش به تفکیک رشته طی سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۶ ۲۶
تعداد فراگیر مرد شرکت کننده در دوره‌های آموزش صنایع دستی (۱۳۷۸) ۲۷
عملکرد یک سالهٔ آموزشهای فنی و حرفه‌ای غیر رسمی (۱۳۷۸) ۲۷
صنعتگران شاغل در رشتهٔ نساجی سنتی (۱۳۷۹) ۳۰
صنعتگران شاغل در رشتهٔ بافته‌های داری (۱۳۷۹) ۳۰
صنعتگران شاغل در رشتهٔ رودوزیها و بافتنیها (۱۳۷۹) ۳۰
صنعتگران شاغل در رشتهٔ سفالگری و سرامیک‌سازی (۱۳۷۹) ۳۱
صنعتگران شاغل در رشتهٔ شیشه‌گری (۱۳۷۹) ۳۱
صنعتگران شاغل در رشتهٔ رنگرزی و چاپ سنتی (۱۳۷۹) ۳۱
صنعتگران شاغل در رشتهٔ هنرهای مرتبط با فلز (۱۳۷۹) ۳۲
صنعتگران شاغل در رشتهٔ هنرهای مرتبط باچوب (۱۳۷۹) ۳۲
صنعتگران شاغل در رشتهٔ فرآورده‌های پوست و چرم (۱۳۷۹) ۳۲
صنعتگران شاغل در رشتهٔ حصیر بافی (۱۳۷۹) ۳۳
صنعتگران شاغل در رشتهٔ سنگتراشی وحکاکی روی سنگ (۱۳۷۹) ۳۳
صنعتگران شاغل در رشتهٔ طراحی و نگارگری (۱۳۷۹) ۳۳
صنعتگران شاغل در رشتهٔ آثار لاکی و روغنی (۱۳۷۹) ۳۴
صنعتگران شاغل در رشتهٔ صحافی (۱۳۷۹) ۳۴
صنعتگران شاغل در سایر رشته‌های صنایع دستی (۱۳۷۹) ۳۴
تعداد کل صنعتگران شاغل در رشته‌های مختلف صنایع دستی (۱۳۷۹) ۳۵
تولید مدیریتهای استانی سازمان صنایع دستی ایران (۱۳۷۸) ۳۶
تولید مدیریتهای استانی سازمان صنایع دستی ایران (۱۳۷۷) ۳۶
کشورهای عضو شورای جهانی صنایع دستی ۳۹-۳۸

فهرست جداول

طرح آموزش قالی‌بافی شرکت سهامی فرش ایران از سال ۱۳۵۸ لغایت ۱۳۷۹ ۲۸
اهداف توسعهٔ صادرات اقلام صنایع دستی ایران ۴۱
اولویت اقلام صنایع دستی در کشورهای وارد کننده ۴۳
کشورهای وارد کننده با ذکر اقلام مورد توجه هریک (براساس سوابق موجود در سازمان صنایع دستی ایران) ۴۳
مهمترین دلایل مزیت صادراتی اقلام صنایع دستی ایران ۴۳

فهرست نمودارها

عملکرد طرح بقا (قالی‌بافان تحت پوشش) طی سالهای ۱۳۷۴تا ۱۳۷۸ ۱۶
عملکرد طرح بقا (کارگاههای تحت پوشش) طی سالهای ۱۳۷۴تا ۱۳۷۸ ۱۶
تعداد دانشجویان رشتهٔ فرش دانشکدهٔ هنر پردیس اصفهان طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ ۲۲
تعداد دانشجویان رشتهٔ فرش دانشگاه هنر تهران طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ ۲۲
تعداد دانشجویان رشتهٔ صنایع دستی دانشگاه هنر تهران طی سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹ ۲۲
تعداد دانشجویان رشتهٔ صنایع دستی دانشکده هنر پردیس اصفهان طی سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹ ۲۲
تعداد فارغ التحصیلان رشتهٔ صنایع دستی دانشگاه هنر تهران طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۹ ۲۲
تعداد فارغ التحصیلان رشتهٔ صنایع دستی دانشکدهٔ هنر پردیس اصفهان طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۹ ۲۳
تعداد دانشجویان رشتهٔ صنایع دستی دانشکدهٔ هنر دانشگاه الزهراء طی سالهای ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۹ ۲۳
تعداد دانشجویان رشتهٔ صنایع دستی دانشکدهٔ معماری و هنر کاشان طی سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۹ ۲۳
دانشجویان رشتهٔ صنایع دستی دانشکدهٔ هنر و معماری دانشگاه شیراز ۲۳
دانشجویان رشتهٔ هنرهای سنتی دانشکدهٔ هنر دانشگاه شهید با هنر کرمان طی سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۹ ۲۳
تعداد دانشجویان رشتهٔ فرش دانشکدهٔ هنر تبریز طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸ ۲۳
تعداد دانشجویان رشتهٔ فرش دانشکدهٔ معماری و هنر کاشان طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹ ۲۳
تعداد دانشجویان رشتهٔ کارشناسی فرش دانشکدهٔ هنر دانشگاه شهید با هنر کرمان طی سالهای ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۹ ۲۴
تعداد دانشجویان رشتهٔ کارشناسی‌مرمت دانشکدهٔ هنر دانشگاه شهید با هنر کرمان طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ ۲۴
تعداد دانشجویان رشتهٔ فرش دانشکدهٔ هنر سیستان و بلوچستان طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ ۲۴
تعداد دانشجویان رشتهٔ هنرهای سنتی دانشکده هنر سیستان و بلوچستان طی سالهای۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ ۲۴
تعداد دانشجویان رشتهٔ صنایع دستی دانشکدهٔ هنر سیستان و بلوچستان طی سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۹ ۲۴
دانشجویان رشتهٔ صنایع دستی دانشکدهٔ هنر و معماری دانشگاه مازندران سال تحصیلی (۸۰ـ ۱۳۷۹) ۲۴
تعداد دانشجویان رشتهٔ صنایع دستی‌مؤسسهٔ آموزش عالی سوره مقطع کارشناسی طی سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۹ ۲۴
دانشجویان رشتهٔ صنایع دستی مقطع کارشناسی دانشگاه میراث فرهنگی کشور (۱۳۷۶) ۲۴
تعداد دانشجویان رشتهٔ علمی کاربردی فرش دستباف مقطع کاردانی دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد طی سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۹ ۲۴
دانشجویان رشتهٔ صنایع دستی - فرش مقطع کاردانی دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند طی سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۹ ۲۵
دانشجویان رشتهٔ صنایع دستی‌دانشگاه آزاد اسلامی‌طبس طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ ۲۵
دانشجویان دورهٔ فرش دستباف از سال ۱۳۷۵تا ۱۳۷۸ (مراکز آموزش عالی وابسته به وزارت جهاد سازندگی) ۲۵
دانشجویان مقطع کارشناسی رشتهٔ فرش مؤسسهٔ آموزش عالی علوم کاربردی جهاد دانشگاهی اردکان یزد طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹ ۲۵
دانشجویان رشتهٔ فرش مؤسسهٔ آموزش عالی علوم کاربردی جهاد دانشگاهی اردکان به تفکیک مقطع تحصیلی ۲۵
فعالیتها و عملکرد آموزش روستاییان طی برنامهٔ دوم توسعه (آموزشهای فنی و حرفه‌ای غیررسمی) ۲۷
فعالیتها و عملکرد آموزش روستاییان طی برنامهٔ دوم توسعه (آموزشهای فنی و حرفه‌ای غیررسمی) ۲۷
تعداد هنرجویان موزهٔ فرش ایران به تفکیک رشته آموزشی (۱۳۷۸) ۲۸
تعداد شرکت‌کنندگان دوره‌های ضمن خدمت صنایع دستی طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹ ۲۸
سهم فرش از صادرات غیرنفتی طی سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۸ ۴۲
میزان صادرات فرش طی سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۸ ۴۲
صادرات صنایع دستی بجز فرش طی سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۸ ۴۲
مهمترین کشورهای واردکننده قالی و گلیم در سال ۱۹۹۷ ۴۴
مهمترین کشورهای صادرکننده قالی و گلیم در سال ۱۹۹۷ ۴۴

فهرست منابع و مآخذ

مطالب مجموعهٔ حاضر به طور عمده براساس مطالعات و تجربیات طولانی محقق و نویسنده از کار و فعالیت در سازمان صنایع دستی ایران، شرکت در مجامع بین المللی صنایع دستی و تدریس در دانشگاه گردآوری شده است. ضمن آن که در تنظیم مطالب بهرحال منابع و مآخذ زیر هم مورد استفاده قرار گرفته است.

نورماه، فروهر، یاوری، حسین - نگرشی بر تحولات صنایع دستی در دنیا (تهران - سازمان صنایع دستی ایران - ۱۳۷۰)

یاوری، حسین - کلیاتی دربارهٔ صنایع دستی روستایی ایران (تهران - سازمان صنایع دستی ایران - ۱۳۶۲)

یاوری، حسین - آشنایی با هنرهای سنتی ایران (تهران - سازمان صنایع دستی ایران - ۱۳۷۴)

یاوری، حسین - آشنایی با هنرهای ایرانی (تهران - کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان - ۱۳۷۸)

منابع آماری

۱- مرکز تجارت جهانی

۲- سازمان صنایع دستی ایران

۳- مدیریت ها و ادارات صنایع دستی در استانها

۴- شرکت سهامی فرش ایران

۵- معاونت‌های وزارت جهاد سازندگی

۶- سازمان میراث فرهنگی کشور

۷- موزه فرش ایران

۸- بنیاد فرهنگی و هنری استاد رسام عرب زاده

۹- اتحادیه صادرکنندگان فرش ایران

۱۰- دانشگاه هنر (تهران)

۱۱- دانشگاه هنر دانشگاه الزهراء (س)

۱۲- دانشگاه هنر تبریز

۱۳- دانشگاه هنر اصفهان

۱۴- دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان

۱۵- دانشکدهٔ هنر و معماری دانشگاه شیراز

۱۶- دانشکدهٔ هنر دانشگاه سیستان و بلوچستان

۱۷- دانشکدهٔ هنر دانشگاه مازندران

۱۸- موسسهٔ آموزش عالی سوره

۱۹- موسسهٔ آموزش عالی جهاد دانشگاهی - واحد اردکان یزد

۲۰- دانشگاه آزاد اسلامی - واحدهای بیرجند، طبس و نجف آباد

۲۱- معاونت ترویج ومشارکت مردمی جهاد سازندگی

۲۲- آموزشکده مواد سرامیک لاله جین همدان

۲۳- مرکز آموزش سازمان صنایع دستی ایران

۲۴- مرکز آموزش عالی سازمان میراث فرهنگی کشور

منابع تصویری

۱- موزهٔ هنرهای ملّی ایران

۲- نمایشگاه دائمی آثار صنایع دستی ایران

۳- سازمان میراث فرهنگی کشور

۴- موزهٔ فرش ایران

۵- موزهٔ ایران باستان

۶- گنجینهٔ دوران اسلامی

۷- سازمان صنایع دستی ایران

۸- آرشیو شخصی محقق

National Atlas of Iran

Handicrafts

ISBN: 964-6922-07-4

9 789646 922075

Islamic Republic of Iran
Management and Planning Organization
National Cartographic Center

Volume 14